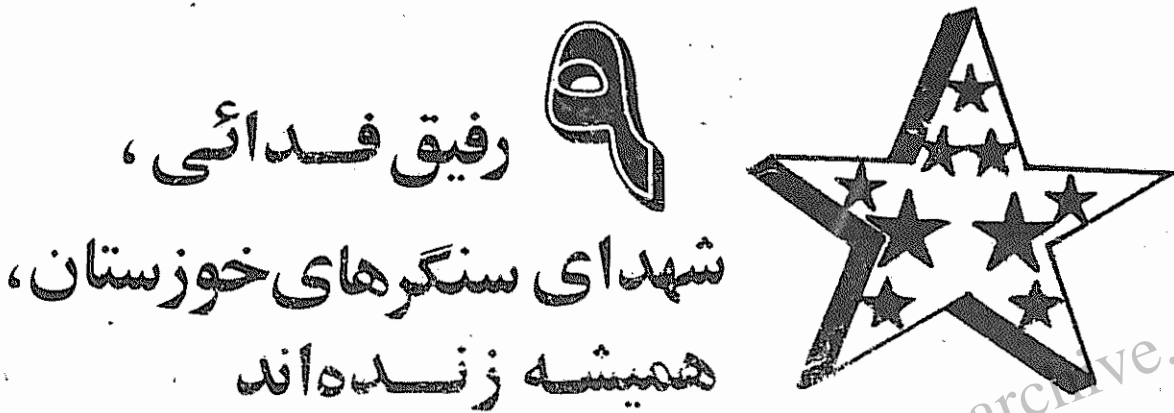


# جنایات جنگی رژیم صدام نشانه حقارت تجاوزگران در برابر مقاومت حماسه آفرین خلق

★ حکم تاریخ پیروزی خلق ها در نبرد عادلانه شان علیه تجاوزگران و  
علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است  
در صفحه ۲



نام پرافتخار ۹ فدائی خلق، ۹ ستاره سرخ، ۹  
قهرمان سنگرهای سرخ مقاومت با ۹ لاله سرخ که بر سینه های  
مهربان، پرشور و جوانشان روئیده، این هفته آذین "کار"  
است.

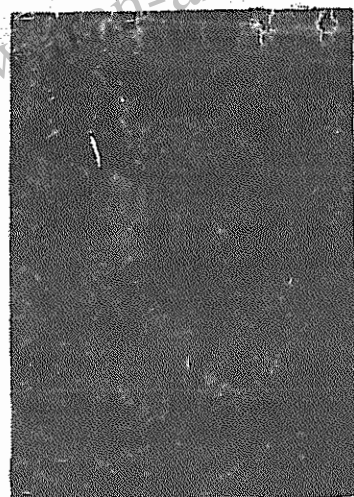
رفقای ما بنا به سنت انقلابی کمونیست ها و آن سان که  
رسم سازمانشان بوده و هست به آرمان زحمتکشان تا پای  
جان وفادار ماندند. رفقا در میان کارگران و زحمتکشان  
قهرمان آبادان، خرمشهر و اهواز با یک دنیا عشق و امید  
به سپیده رهایی زحمتکشان، در طول جنگ، شب و روز  
بیدار ماندند، قهرمانانه در کنار پاسداران و سربازان و  
پرسنل مبارز ارتش با تجاوزگران پیکار کردند تا سرانجام  
برگهای سرخ نوین تاریخ جنبش کمونیستی ایران را با خون  
خوبش بر صفحات داغ خوزستان نوشتند.

رفقا با نثار جان پاک خود پیوند سازمانشان، سازمان  
خلق ستمدیده و مبارزانشان را با زحمتکشان میهن بسی ژرف تر و  
استوارتر ساختند.

رفیق شهیدار در وصیتنامه خود  
به همسرش نوشته است:  
"باید قبول کنید که راهم این  
بود و خوشحالم که فدائی خلق  
هستم."

رفقا هرگز نمرده اند، هرگز  
نمی میرند. و همواره در قلب  
تک تک کارگران و زحمتکشان و در  
قلب فرد انقلابیون خواهند  
زیست. این را به همسر جوان  
رفیق شهیدار و به خانواده های  
قهرمان رفقا بگوئید.

همراه با ۹ رفیق نوشهید فدایی  
دهها هوادار قهرمان سازمان نیز  
در خرمشهر، اهواز و آبادان و  
مناطق غرب میهن به شهادت  
رسیده اند که کوشش خواهیم کرد  
نام وزندگی ناممان را منتشر کنیم.  
بقیه در صفحه ۲۲



فدائی شهید  
رفیق شهیدار باقرزاده

(قسمت دوم)

## چيست شرط پیروزی؟

در سرمقاله شماره قبل گفتیم که انقلاب ما در  
محاصره ضدانقلاب جهانی و داخلی قرار گرفته است  
گفتیم برای اینکه بتوانیم تجاوزات رژیم های ارتجاعی  
منطقه را درهم کوبیم، برای اینکه بتوانیم در برابر  
توطئه ها و فشارهای امپریالیسم مقاومت کنیم و برای  
اینکه نقشه های ضدانقلاب داخلی را نقش بر آب کنیم  
باید همه باهم متحد باشیم و تشکیل جبهه واحد  
ضدامپریالیستی، متشکل از تمام نیروهای ضد -  
امپریالیست مناسب ترین شکل این اتحاد است.

در شماره پیش گفتیم اگر چنانچه فعلا هنوز شرایط  
عملی تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی فراهم نباشد  
نباید از پیکار برای فراهم آوردن آن شرایط منصرف یا  
دلسرد شد.

در شماره قبل گفتیم که وحدت همه نیروهای خلق  
نخستین و مهمترین شرط کسب و حفظ پیروزی بر  
دشمنان خلق ما و دشمنان انقلاب ماست.

اکنون ببینیم دومین شرط پیروزی در این پیکار  
سترگ و سرنوشت سازی که اساسی ترین مضمون آن  
تامین استقلال کامل ملی است، کدام است؟

شرط دوم برای اینکه بر دشمنان خود فائق آئیم،  
آن است که در عرصه بین المللی، در عرصه این  
بقیه در صفحه ۲

## تسخیر انقلابی سفارت

تجلی خشم توفنده خلق  
علیه امپریالیسم امریکا

در صفحه ۳

## ما با امپریالیسم امریکا در جنگیم

در صفحه ۱۲

## در این شماره:

طبقه کارگر ایران در سنگر رزم و در عرصه تولید  
قاطعانه از انقلاب دفاع می کند در صفحه ۷

شرکت در پیکار  
مقدس خلق

علیه امپریالیسم امریکا  
و رژیم جنایتکار صدام  
وظیفه هردانش آموز  
آگاه و مبارز است

در صفحه ۱۴

طبقه کارگر قهرمان ایران در صف مقدم  
دفاع از انقلاب می رزمند در صفحه ۲۰

احلال در تولید  
سلاح سرمایه دار، علیه انقلاب است  
در صفحه ۱۹

دروازه غار:  
محله فقر و حماسه،  
رنج و مقاومت در صفحه ۱۶

اخبار  
شهرستانها  
در صفحه ۹

زحمتکشان چهارصد روستای میناب از فقر،  
گرستگی، بی سوادی، بیماری و ستم اربابان رنج می برند  
در صفحه ۸



بقیه از صفحه ۱

### چيست شرط ...

پیکار جهانی علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دوستان و متحدان خلقمان و انقلابیان را بیابیم و با آنان متحد شویم. در دنیای ما دو اردوگاه بیشتر وجود ندارد. امپریالیست‌ها و تمام رژیم‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیسم تماما در یک اردو قرار می‌گیرند. دولت‌های این کشورها همه دشمن مردم کشورهای خود هستند. آنها منشاء اصلی جنگ‌های تجاوزکارانه سرکوب خلق‌ها و غارتگران بین‌المللی هستند. از سوی دیگر کشورهای سوسیالیست و دولت‌های ترقی‌خواه و ضدامپریالیست از منافع خلق‌های ستمکش و محروم جهان دفاع می‌کنند. این‌ها اردوئی را می‌سازند که با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن است و برای استقلال آزادی، صلح و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند. تمامی اینها در یک اردو قرار دارند و رکن اساسی اردوی جهانی انقلاب را می‌سازند. هم اکنون امپریالیست‌ها و رژیم‌های دست‌نشانده از عراق پشتیبانی می‌کنند. از سوی دیگر کشورهای سوسیالیست و ترقی‌خواه و ضدامپریالیست از منافع خلق‌های ما و از منافع خلق‌های ستمکش و محروم جهان دفاع می‌کنند. آنها از خلق فلسطین، خلق ظفار و دیگر خلق‌های به‌پا خاسته جهان مدافعه می‌نمایند. آنها هم‌اکنون پشتیبانی خود را از مبارزات عادلانه خلق ما، از انقلاب ما و از حاصل آن یعنی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند. آقای رفسنجانی رئیس مجلس گفته است ما با لیبی و الجزایر و سوریه، محرم اسرار هم هستیم او به‌درستی این کشورها را دوست ایران معرفی می‌کند. آقای رجائی نخست‌وزیر نیز دقیق‌تر و مستقیم‌تر اظهار عقیده کرده‌است. وی گفته‌است تداوم انقلاب ما به سلامت روابط میان ایران و اتحاد شوروی بستگی دارد.

این اظهارات نشان می‌دهد که اکنون در آخرین ماه‌های دومین سال انقلاب ما، جنگ عراق با ایران بیشتر جریان‌های سیاسی درون و بیرون حکومت را بدانجا رسانیده‌است که متوجه شوند انقلاب ما و خلق ما در عرصه جهانی تنها نیست و نمی‌تواند تنها بماند.

جمهوری اسلامی تا امروز فکر می‌کرد در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا به حمایت اردوی جهانی انقلاب هیچ احتیاجی ندارد. اما امروز بیش از هر زمان روشن شده‌است که هیچ یک از ملل در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن "تنها" نیستند و نمی‌توانند تنها باشند.

امپریالیسم آمریکا دشمن مشترک همه ملل ستمدیده جهان و دشمن شماره یک همه رژیم‌های ترقی‌خواه و انقلابی است. حماسه‌آفرینی‌های خلق ویتنام را به‌خاطر باورید که ۳۰ سال دلاورانه در برابر امپریالیست‌های غاریک ایستاد و سرانجام پیروز شد. خلق قهرمان ویتنام در تمام این سال‌ها از کمک‌ها و حمایت‌های همه ملل ترقی‌خواه و بیش از همه از کمک موثر اتحاد شوروی برخوردار بوده‌است.

سوریه، لیبی و الجزایر را در نظر آورید. آنها نیز در پیکار علیه امپریالیسم جهانی هرگز تنها نیستند. اردوی سوسیالیستی نیرومندترین متحد آنهاست. نزدیک‌ترین و بزرگترین پشتیبان لیبی کیست؟ الجزایر با کدام کشورها قراردادهای همکاری‌های اقتصادی امضاء کرده‌است؟ سوریه با کدام کشورها نزدیک‌ترین پیوندها را دارد؟ نظری به ویتنام و کوبا و کره شمالی و بلغارستان و دیگر کشورها بیندازید. مردم این کشورها در برابر تجاوزات امپریالیست‌ها و رژیم‌های ارتجاعی قادرند با قدرت از خود دفاع کنند. زیرا دولت‌های این کشورها مردم کشورهای خود را از پشتیبانی دوستان و متحدان واقعی خلق‌هایشان محروم نساخته‌اند. باید با اردوی انقلاب جهانی گره خورد. این برای

انقلاب مردم ما یک ضرورت حیاتی است. باید سیاست‌های سابق را کنار گذاشت امروز بیش از پیش این حقیقت آشکار شده‌است که برای تأمین استقلال باید کوسه‌های ضدانقلاب جهانی را که انقلاب و خلق ما را در محاصره دارند، درهم شکنیم. شعار نه شرقی نه غربی علیرغم ظاهر استقلال طلبانه‌اش مردم ما را از امکانات بالقوه و بالفعلی که برای تأمین استقلال در اختیار دارد محروم ساخته‌است.

این شعار در عرصه این پیکار جهانی ضدامپریالیستی تنها ماندن انقلاب ما و خلق ما را تبلیغ می‌کند و چنانچه این شعار سرپوشی باشد برای پیشبرد سیاست نزدیکی با غرب هیچ معنایی نخواهد داشت جز خیانت به انقلاب و خیانت به خلق. کارنامه ۹ ماهه آقای قطب زاده در وزارت خارجه تماما حاکی از این خیانت‌هاست. او در تمام طول مدت وزارت خود کوشید بین ایران و پاکستان علیه افغانستان پیمان‌هایی و یا دست کم قول و قرارهایی گذاشته شود. قطب‌زاده در تمام این مدت مزورانه کوشید روابط ایران و آمریکا ترمیم شود و روابط ایران با دولت‌های سوسیالیستی و ترقی‌خواه تخریب شود. او تمام کوشش خود را به کار بست تا ایران با کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن بیوند بخورد. قطب‌زاده تمام این سیاست‌ها را زیر پوشش نه شرقی نه غربی انجام می‌داد.

از آغاز تاسیس جمهوری اسلامی جناح‌های حکومت تلاش بسیار کرده‌اند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مطابق خواست خود تعیین کنند. آنها با اینکه همه خود را طرفدار نه شرقی نه غربی معرفی می‌کنند اما در عمل مشاهده می‌شود که یک جناح خواهان مبارزه و دشمنی با شوروی و از این طریق باز کردن راه برای نزدیکی با آمریکا و دیگر دولت‌های امپریالیست است و جریان دیگر در عین حال که خواهان ادامه مبارزه با آمریکا است، اما تا امروز از گسترش دوستی و اتحاد با شوروی و دیگر ملل سوسیالیستی و ترقی‌خواه امتناع ورزیده‌است.

کدام انقلاب را سراغ دارید که برای دفاع از استقلال میهن در برابر امپریالیست‌ها پایداری کرده باشد و آنان را بطور قطعی شکست داده باشد، اما در این پیکار در کنار سایر کشورهای ضدامپریالیست و ترقی‌جهان قرار نگرفته باشد؟ "امام خمینی" به‌درستی گفت: میزان ملت‌ها هستند و ما در میان ملت‌ها منزوی نشده‌ایم فقط در اینجا باید پرسید در کدام کشورها واقعا حکومت‌ها در دست "ملت" است؟ ایران اولین کشوری نیست که در آن انقلاب رخ داده‌است. چرا ما باید با کشورهایی که مردم حکومت را در دست گرفته‌اند، متحد نباشیم؟

اگر واقعا میزان "ملت‌ها" هستند؟ پس باید دید در کدام کشورها حکومت واقعا در دست مردم است و دست دوستی و اتحاد آنان را فشرود. این یک واقعیت است که بدون اتحاد با اردوی انقلاب جهانی، پیروزی ما بر تجاوزگران و کار ساختن ایرانی آزاد و مستقل و دمکراتیک دچار لطمات و خسارات جدی شده و آئینده آن دچار ابهامات فراوان خواهد شد. حتی یک نمونه هم نمی‌توان یافت که کشوری انقلاب کرده باشد و با سیاست نه شرقی نه غربی نتوانسته باشد در برابر یورش امپریالیست‌های جهان‌خوار ایستادگی کرده و استقلال خود را حفظ کرده باشد.

آقای رئیس جمهور می‌گوید جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب سیاست غلطی را پیشه ساخته و ایران را منزوی ساخته‌است. ظاهرا آقای رئیس جمهور نیز با سیاست نه شرقی، نه غربی موافق نمی‌باشد. اما ایشان اگرچه در حرف گفته‌اند که ما باید نزد توده‌ها در عرصه جهانی وجهت‌کسب کنیم و افکار عمومی را نسبت به خود خوشبین سازیم، لیکن در عمل ایشان طرفدار آن است که ایران با دولت‌های اروپائی و ژاپن اتحاد کند و به آنها نزدیک شود. آیا آقای رئیس جمهور می‌داند واقعا بین انگلیس و آمریکا چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ فرق بین انگلیس و ژاپن با آلمان واقعا در کجاست؟ آقای رئیس جمهور در عرصه سیاست خارجی عملا از نزدیکی با امپریالیسم جهانی و پیمان‌های امپریالیسم آمریکا دفاع می‌کند. آقای رئیس جمهور از اتحاد و

دوستی با کشورهای مترقی و نیروهای ضد امپریالیست در عرصه جهانی شانه خالی می‌کند و در عمل راه را برای نابودی دستاوردهای انقلاب و تأمین سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هموار می‌کند.

اگر واقعا قبول کنیم که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلق ما کار یک روز و دو روز نیست و ادامه خواهد داشت، اگر واقعا فهمیده باشیم که جنگ عراق با ایران یا فعلا تمام نمی‌شود و یا اگر تمام بشود از جای دیگر شروع خواهد شد، اگر فهمیده باشیم که میهنمان قبل از همه نیاز به یک اقتصاد مستقل و نیرومند دارد که بتواند در برابر امپریالیست‌ها مقاومت کند و به آنها وابسته نشود، باید متوجه بشویم که برای شکست دادن امپریالیست‌ها، برای مستقل ساختن اقتصاد ایران و خارج کردن آن از قید وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مطابق تمام نمونه‌های شناخته شده و تجربه شده، مطابق تجربه تمام انقلاب‌های ضد امپریالیستی، مطابق سیاستی که همه دولت‌های ضد امپریالیست پیشه ساخته‌اند، اتحاد با دوستان و متحدان خلق ما در سراسر جهان یک شرط اساسی، ضروری و گریزناپذیر است. باید دست دوستی آنان را بفشاریم و از امکانات و از تجربه آنان در دفاع از میهن در ساختن ایرانی آزاد و مستقل بهره بگیریم. باید خیال‌پردازی را کنار بگذاریم و دست کم از تجربه لیبی، الجزایر و سوریه درس بگیریم. عدم توجه به این تجارب و ادامه همین سیاستی که تا امروز جمهوری اسلامی پیش برده‌است، ضربات بسیار مهلکی به دستاوردهای انقلاب وارد خواهد ساخت. این سیاست تا همین‌جا که ادامه یافته‌است، نیروی خلق ما را برای مقابله با دشمنان خویش و کوسه‌های ضدانقلاب بسیار تضعیف کرده‌است. این سیاست نمی‌تواند ادامه پیدا کند. حیات اقتصادی جامعه و بطور کلی زندگی اجتماعی را به مخاطره می‌افکند و با بن‌بست مواجه می‌کند. سیاست نه شرقی نه غربی چنانچه ادامه پیدا کند بزرگترین ضربات را به قدرت مقاومت مردم در برابر تجاوزگران و امپریالیست‌ها وارد خواهد ساخت.

برای اینکه در این پیکار عظیم ضدامپریالیستی پیروز شویم، برای اینکه ضدانقلاب را طوری شکست دهیم که دیگر قادر به ادامه توطئه علیه انقلاب نباشد برای اینکه از میهن خود در برابر تجاوزگران دفاع کنیم و برای اینکه از پای در نیائیم، برای اینکه اقتصادی نیرومند و مستقل داشته باشیم، برای اینکه بتوانیم پایداری کنیم و پایدار بمانیم، برای اینکه امپریالیست‌ها و ارتجاع وابسته به امپریالیست نتوانند ما را شکست دهند، دو شرط لازم است:

اولا باید مردم همه باهم متحد شوند. نیروهای ضدامپریالیست به تفرقه میان خود پایان دهند. نباید اختلافات داخلی را تشدید کنیم. باید همکاری و همگامی میان نیروهای ضدامپریالیست را که دارای عقاید و ایدئولوژی‌های گوناگون هستند، گسترش دهیم و سرانجام در یک جبهه واحد ضدامپریالیستی متحد شویم. تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی متشکل از تمام نیروهای ضدامپریالیست مقدم‌ترین و ضروری‌ترین شرط پایداری و مقاومت در برابر یکایک توطئه‌های دشمنان خلق ما، در راس آن امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم‌های ارتجاعی از جمله رژیم صدام حسین است.

ثانیا - کشور ما باید با سایر نیروهای ضدامپریالیست در سراسر جهان متحد شود و دست دوستی آنان را بفشارد. اردوگاه سوسیالیستی نیرومندترین حامی ملت‌هایی است که در راه صلح، استقلال ملی و دمکراسی پیکار می‌کنند. بدون اتحاد با این اردوی عظیم، بدون بهره‌گیری از حمایت مادی و معنوی اردوگاه سوسیالیسم که اتحاد شوروی نیرومندترین عضو آن است، چگونه امکان خواهیم یافت، همچون خلق ویتنام، الجزایر، کوبا و دهها کشور دیگر که پیروز امپریالیست‌ها و تجاوزگران را برخاک مالیده‌اند، تلاش‌های ضدانقلاب را در نطفه خفه سازیم. تجاوزات رژیم‌های صدامی را درهم کوبیم و توطئه‌های بیابانی و زمین‌بسته ضد امپریالیسم را خنثی کنیم و ایرانی برپا داریم، آزاد و دمکراتیک؟

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در گروستان وحدت مردم میهنمان را  
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

## تسخیر انقلابی سفارت

### تجلی خشم توفنده خلق علیه امپریالیسم آمریکا

در ۱۳ آبان سال گذشته ، با عمل انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا ، توسط "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و دستگیری جاسوسان آمریکایی ، مبارزات ضد امپریالیستی خلقها گسترش چشمگیری یافت و ضربه سنگینی بر پیکر لرزان امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن وارد آمد .

تسخیر سفارت بر زمینه تعمیق انقلاب نتیجه حادثه شدن اختلافات جناحهای درون حاکمیت یعنی نیروهای معتقد و طرفدار "خط امام" از یکسو و محافل و جریانهای لیبرالی و ضدانقلابی که عمدتاً در دولت موقت مهندس بازرگان گرد آمده بودند ، از سوی دیگر بود . اختلاف بین طرفداران "خط امام" و دولت موقت طرفدار آمریکا از نخستین روزهای قیام و تشکیل دولت موقت وجود داشت . هر چه مبارزات ضد امپریالیستی خلق گسترش یافت و هر چه دولت لیبرال مهندس بازرگان کوشش خود را در جهت بهسازی کشاندن انقلاب شدت بخشید و بیشتر مورد حمایت امپریالیسم قرار گرفت ، این اختلافات شدت بیشتری یافت و سرانجام به دنبال ملاقات بازرگان ، چمران و یزدی با برژینسکی مشاور امنیتی کارتر ، با تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ، یورش همهجانبه نیروهای طرفدار "خط امام" به لیبرالهای مورد حمایت امپریالیسم وارد مرحله جدیدی شد .

نخستین و عمدهترین نتیجه عمل تسخیر سفارت ، سقوط دولت "مهندس بازرگان" بود . سقوط دولت لیبرال بازرگان و افشای اسناد وابستگی و دوستی عناصر طرفدار آن با امپریالیسم آمریکا که پیروزی بزرگی برای انقلاب ایران بود ، حیثیت کاذب این جریان را برملا کرد و حتی موجب دستگیری برخی از نمایندگان آن نظیر "امیر انتظام" جاسوس گردید . در میان تودههای مردم دولت موقت ، بهعنوان دولتی سازشکار و دوست امپریالیسم افشا شد و زحمتکشان میهن ما طی پرشورترین تظاهرات و با حضور میلیونی خود در خیابانها ضمن تأیید عمل دانشجویان مسلمان خشم و نفرت خود را از امپریالیسم آمریکا و لیبرالهای مورد حمایت آن اعلام داشتند . اسامی دوستان آقای بازرگان یکی پس از دیگری از درون مرکز جاسوسی بیرون آمد! امیرانتظام ، مدنی ، مراغهای ، میناجی ، نزیه ، گردانندگان روزنامه بامداد که حالا اکثر در روزنامه "میزان" کار می کنند و ... به جرم دوستی و جاسوسی امپریالیسم افشا شدند و از آن پس موضع لیبرالها در قدرت سیاسی هر روز بیشتر تضعیف شد .

تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا با وسیعترین استقبال تودههای مردم و خصوصاً کارگران و زحمتکشان مواجه گشت و سفارت آمریکا روزهای متوالی شاهد حضور عظیم مردمی بود که خشم انقلابی خود را نسبت به امپریالیسم اعلام می داشتند . استقبال وسیع و بی سابقه تودههای

مردم از دعوتهای "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و دیگر سازمانها و شخصیتهای ضد امپریالیست به خوبی نشان داد که آن مبارزه ای که متوجه دشمن اصلی خلقهای ایران ، - امپریالیسم آمریکا - باشد همواره با استقبال وسیع و شورانگیز مردم روبرو می شود و توده مردم با تمامی توان خود از آن حمایت به عمل می آورند .

تسخیر سفارت و بازداشت جاسوسان درست به همان اندازه که مورد حمایت زحمتکشان و نیروهای انقلابی قرار گرفت ، تنفر و خشم لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم آمریکا را برانگیخت .

از همان نخستین روزهای اشغال مرکز جاسوسی لیبرالها بطور آشکار و پنهان ، ضمن مخالفت با این عمل ، آن را "مضر" به حال انقلاب تلقی کردند! مهندس بازرگان رسماً "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را "دانشجویان پیرو خط شیطان" خواند . قطب زاده - این دوست وفادار امپریالیسم و سرمایه داران - با وقاحتی که خاص خود اوست ، از طریق روزنامهها ، دانشجویان را تهدید به "به کار بردن زور" و حتی "بازداشت و محاکمه" نمود . لیبرالها مودیانه تلاش کردند تا تودههای مردم و همه نیروهای طرفدار عمل دانشجویان را از نتایج تسخیر مرکز جاسوسی بترسانند! برای این کار ماشین تبلیغاتی امپریالیسم نیز به کمک لیبرالهای وطنی آمد . داستان "انزوای ایران در سطح جهان" ساخته و پرداخته شد . از "حقوق و ضوابط بین المللی" سخن گفتند و هیاهو به راه انداختند که بازداشت جاسوسان آمریکایی با حقوق و ضوابط بین المللی مغایرت دارد . تلاش کردند مردم را از نتایج به اصطلاح "فاجعه بار" محاصره اقتصادی امپریالیسم بترسانند ، لیبرالها در تبلیغات گسترده خود تسخیر انقلابی سفارت آمریکا را عمل مشتکی جوان "احساساتی و بدون منطق" که مورد حمایت مردم نیستند ، قلمداد می کردند . تبلیغات امپریالیستها و لیبرالها یکی پس از دیگری افشا شد و مردم با حمایت میلیونی خود از عمل انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی و بازداشت جاسوسان پوچی آنها را به اثبات رساندند . نتیجه این تبلیغات رسوایی هر چه بیشتر لیبرالها بود .

سرمایه داران لیبرال از آن زمان تاکنون کوشیده اند که تمامی مشکلات انقلاب را نتیجه عمل انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی و بازداشت جاسوسان آمریکایی وانمود کرده و چنین تبلیغ می کنند که با آزادی گروهانها همه مسائل انقلاب (که لیبرالها آرزویی جز شکست آن را ندارند) حل خواهد شد . آنها دشمنی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی را نه در نتیجه تداوم انقلاب ما و ماهیت امپریالیسم و متحدان آن ، بلکه نتیجه بازداشت جاسوسان آمریکا که خود برای افشای جنایات آمریکا در ایران صورت گرفته ، می دانند . در همین اواخر بود که یکی از

نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی رسماً اعلام داشت که "همه مشکلات ناشی از گروهان گیری است!"

در طی این مدت سرمایه داران لیبرال دشمنی بسیاری با دانشجویان مبارز مسلمان نشان داده اند و به طرق مختلف کوشیدند از افشاکاری آنها و همچنین افشاکاری انقلابیون کمونیست جلوگیری به عمل آورند . لیبرالها در هر فرصتی کوشیدند ، دانشجویان مسلمان را ساکت و منزوی سازند و آنان را تحت فشار قرار دهند .

سرمایه داران لیبرال پایه پای تبلیغات عوامفریبانه و ضدانقلابی ، تلاشهای عملی بسیاری را نیز به کار بردند تا با استفاده از تزلزلات درون حاکمیت و شورای انقلاب در برخورد با عمل "دانشجویان مسلمان" از افشای اسناد جنایات آمریکا و متحدان آن در ایران جلوگیری کنند و بدین وسیله زمینه نزدیکی با امپریالیسم آمریکا را مهیا سازند .

تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا و بازداشت جاسوسانی که به نام "کارکنان سفارت" به انجام جاسوسی و توطئه علیه انقلاب در ایران مشغول بودند ، ضربه ای بزرگ بر اعتبار و حیثیت کاذب امپریالیسم آمریکا ، ژاندارم بین المللی ، وارد آورد . زحمتکشان سراسر جهان به چشم دیدند که توسط تبلیغات مداوم محافل جنایتکار و ددمنش امپریالیستی سالها تحقیر شده بودند ، بر آنها قانون ضدانسانی "کاپیتولاسیون" تحمیل شده بود و حتی حتی محاکمه قاتلین خارجی هموطنانشان را نیز نداشتند ، مردمی که اگر یک کارشناس آمریکایی دهها تن از آنان را می کشت بازهم حق بازداشت و محاکمه او را نداشتند! اکنون جاسوسان آمریکایی را بازداشت کرده اند و امپریالیسم آمریکا با همه یال و کوبالش و با همه تلاشهای مذبحخانه اش هیچ غلطی نمی تواند بکند . بازداشت جاسوسان آمریکایی و تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا زبونی و عجز این بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان را در برابر اراده نیرومندی خلق به پا خاسته ما ، به عیان نشان داد و موجب افشای بیش از پیش جنایات امپریالیسم آمریکا و اعمال و رفتار ضد مردمی آن در سطح جهان شد .

تسخیر مرکز جاسوسی ، صاحبان انحصارات آمریکایی را دچار آن چنان بحرانی ساخت که علیرغم همه کوششهای مذبحخانه و توطئه گرانه خود هنوز نتوانسته اند از آن خلاصی یابند!

امپریالیسم آمریکا از همان ابتدای بازداشت جاسوسان ، به مخالفت با خواستهای خلق ایران پرداخت . او شاه را تحویل نداد و ثروت های غارت شده توسط شاه را به مردم ایران تسلیم نکرد . امپریالیسم آمریکا می خواست چنین نشان دهد که در برابر اراده خلقها تسلیم نمی شود . او می خواست به دیگر قره نوکران خود نظیر سادات و ملک حسین که به شدت نگران شده بودند که مبادا سرنوشتی همانند شاه فراری در انتظارشان باشد ، اطمینان دهد که امپریالیسم از نوکران وفادار خود حمایت می کند . امپریالیسم آمریکا با کمک دولت های دیگر امپریالیستی پس از بازداشت جاسوسان تهدیدات خود را علیه انقلاب ایران افزایش داد و با بلوکه کردن اموال ایران ، محاصره

بقیه در صفحه ۴

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمگراتیک خلقهای ایران

## جنايات جنگی رژیم صدام نشانه حقارت تجاوزگران در برابر مقاومت حماسه آفرین خلق

خوزستان دلاورانه زیر  
آتش ارتش تجاوزگر رژیم  
جنایتکار صدام مقاومت  
می کند.

در سرتاسر خوزستان  
حماسه های خونین و شورانگیز  
مقاومت مردم ، سربازان ،  
پاسداران ، فدائیان خلق و  
دیگر رزمندگان راه استقلال و  
آزادی ، سرود پایداری  
خلق است که مصمم ، متحد  
و پرخروش علیه تجاوزات  
امپریالیسم آمریکا و رژیم  
جنایتکار صدام پیکار می کند.  
آنچه که در این روزها در  
خوزستان می گذرد نمونه های  
درخشانی از مقاومت  
و پایداری در مقابل  
ارتش های تجاوزگر است که  
بدون تردید تاریخ بشریت  
در حال پیکار با امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا با آن  
آذین خواهد یافت.

در برابر پیکار عادلانه  
خلق های قهرمان ما ، جهان  
شاهد جنايات هولناکی است  
که رژیم ضد مردمی و جنایتکار  
صدام به کمک دولت های  
ارتجاعی و دست نشانده  
منطقه و با تحریک و تشویق  
امپریالیسم آمریکا بدان  
دست یازیده است.

بمباران شهرها و مناطق  
مسکونی ایران ، تخریب  
مدارس ، بیمارستان ها و  
مدارس و مساجد ، اعدام  
وحشیانه اسرای جنگی ،  
به ویژه پاسداران ، چهره  
کریه و جنایتکارانه رژیم  
صدام را بیش از پیش برملا  
ساخته است.

حمله جنایتکارانه رژیم  
صدام به مناطق مسکونی شهر  
دزفول که با موشک های دو  
هزار کیلویی زمین به زمین  
صورت گرفت ، اوج وحشیگری  
این رژیم ارتجاعی و  
فاشیستی را به نمایش  
گذاشت. این حمله به ویژه

پس از نیمه شب که مردم  
اکثرا در خانه های خود به  
خواب رفته بودند ، صورت  
گرفت تا بیشترین تلفات را  
به ساکنین شهر وارد ساخته  
و با مرعوب ساختن مردم ،  
آنان را به ترک شهر وادارد.  
حملات پیاپی موشکها و  
توپها و هواپیماهای رژیم  
صدام به نقاط مسکونی  
شهرهای خوزستان ، از جمله  
دزفول ، صدها زن و کودک  
پیر و جوان را در زیر آوار  
صدها خانه و کاشانه مدفون  
ساخته است. کشتار مردم  
غیر نظامی به گونه ای وحشیانه  
و ددمنشانه همچنان ادامه  
دارد. آخرین اخبار رسیده  
از خرمشهر ، شهر قهرمانی ها  
و حماسه های به یاد ماندنی  
حاکمی از آن است که سطح  
شهر از اجساد رزمندگان  
انباشته شده است بوی  
تعفن اجساد که امدادگران  
زیر آتش بمب های ارتش  
عراق قادر به جمع آوری آن  
نیستند ، فضای شهر را  
مسموم ساخته است.

با این همه مردم ،  
پاسداران ، سربازان ،  
فدائیان و دیگر رزمندگان راه  
استقلال و آزادی مبین با  
پرشکوهرترین دلاوری ها ،  
همچنان در قسمت هایی از  
شهر مقاومت و پایداری  
می کنند.

در خرمشهر خانه به خانه  
نبرد مقاومت و پیکار عادلانه  
مردم ما جریان دارد. طبق  
آخرین خبرها ، رزمندگان  
در محاصره دشمن قرار دارند  
و قسمت های عمده شهر در  
اشغال نیروهای تجاوزگر  
عراقی است. در هر محله  
تعدادی از خانه ها در اشغال  
مزدوران رژیم صدام و  
تعدادی نیز در اختیار  
رزمندگان است. امکان  
شناسایی اینکه کدام خانه و  
سنگر در اختیار کدام یک از

طرفین است بسیار مشکل شده  
است.

هراس رژیم صدام از  
توده های مردم و تلاش آن  
برای ارباب مردم شهرها و  
استراتژی خالی کردن مناطق  
از مردم بومی ، تنها یک  
نشانه از صدها نشانه ماهیت  
تجاوزکارانه و ضد مردمی  
رژیم صدام است و این  
حقیقت که جنگ تحمیلی  
عراق در خدمت استقرار  
سلطه امپریالیسم آمریکا در  
میهن ماست را به روشنی  
اثبات می کند.

همکاری آشکار باند  
بختیار - اویسی با رژیم  
جنایتکار صدام و قول و  
قرارهای ضد مردمی شان برای  
استقرار دولت به اصطلاح  
آزاد در مناطق اشغالی چهره  
کثیف امپریالیسم آمریکا را  
عیان می کند. نقشه های ضد  
انقلاب داخلی ، این ایادی  
امپریالیسم جهانی -  
به سرکردگی امپریالیسم  
آمریکا را برای به شکست  
کشاندن انقلاب مردم ما  
آشکارتر ساخته است.

امپریالیسم آمریکا و  
متحدان آن ، رژیم جنایتکار  
صدام مذبوحانه در صددند  
انقلاب مردم ما را به  
شکست بکشانند. اما تاریخ  
را حکمی دیگر است. حکم  
تاریخ پیروزی خلقها در  
نبرد عادلانه شان علیه  
تجاوزگران و علیه امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا است.

خوزستان و انقلاب مردم  
ما پایدار خواهد ماند و  
پیروزمندان به پیش خواهد  
رفت. آنچه که نابود  
می شود ، رژیم ضد مردمی  
صدام ، رژیم های ارتجاعی  
منطقه و امپریالیسم جهانی  
به سرکردگی امپریالیسم  
آمریکاست. خلق و انقلاب  
پیروز است.

## تسخیر انقلابی ...

بقیه از صفحه ۳

اقتصادی ، حمله نظامی ، طرح  
ریزی کودتا ، ... کوشید خلق ایران را به  
تسلیم وادارد. اما این اعمال ضدانقلابی نه تنها  
او را از بی آبرویی و بدبختی نجات نداد بلکه  
ماهیت تجاوزگرانه و دشمنی کینه توزانه او را با  
خلق های ما بازهم آشکارتر ساخت.  
بازداشت جاسوسان نشان داد که امپریالیسم  
در برابر خواست و اراده مردم ما هیچ غلطی  
نمی تواند بکند!

تسخیر مرکز جاسوسی از سوی نیروهای انقلابی  
خلق نیز پشتیبانی شد و آنها فعالانه از این  
حرکت انقلابی حمایت کردند. انقلابیون  
کمونیست نقش چشمگیری در عمق بخشیدن به  
مبارزات توده ها ایفا کردند. سازمان ما طی تظاهرات و  
میتینگ های متعددی حمایت خویش را از این عمل  
انقلابی اعلام داشت. این تظاهرات و نمایشها  
که مورد حمایت توده های مردم قرار گرفت نقش  
بزرگی در آگاهی مردم نسبت به دشمن اصلی  
خلق های سراسر جهان امپریالیسم آمریکا و  
متحدین داخلی آنها و خصوصا سرمایه داران  
لیبرال - داشت. باندهای سیاه طرفدار  
سرمایه داران کوشش بسیار کردند تا با حمله به  
اجتماعات سازمان ، ضرب و جرح مردم و دیگر  
اعمال ضدانقلابی از بسیج توده های مردم توسط  
سازمان ما جلوگیری به عمل آورند. اما هر بار  
پاسخ صدها هزار تن از مردم به دعوت های  
فدائیان خلق ، مشت محکمی بر دهان  
امپریالیسم و مزدوران وابسته بدان بود و تمامی  
این توطئه ها را خنثی می ساخت.

سازمان ما طی بیانیه ها ، اعلامیه ها و اسناد  
متعددی به افشای وسیع دوستان امپریالیسم  
آمریکا پرداخت ، نقشه های آنان را برای سرکوبی  
انقلاب مردم فاش کرد و راه مقابله با آنان را  
ارائه داد. تجارب یک ساله گذشته صحت گفتار  
فدائیان خلق را به اثبات رسانید. این  
افشاگری ها که برد وسیعی در میان کارگران و دیگر  
مردم زحمتکش یافت گام بزرگی بود که در جهت  
افشای چهره واقعی امپریالیسم و متحدینش و  
شناساندن چهره واقعی آنان به توده های مردم ،  
به جلو برداشته شد.

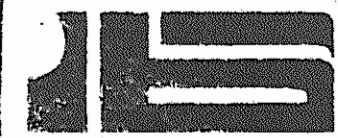
اما بسیاری از گروه هایی که خود را انقلابی و  
پیشاهنگ و طرفدار طبقه کارگر و خلق می دانند  
از همان آغاز چشم خود را بر این واقعیت نیز  
بستند. آنها یک سال پیش با "تحلیل های  
بی نظیر" خویش ، عمل انقلابی تسخیر سفارت  
آمریکا و بازداشت جاسوسان را "توطئه آمریکا"  
، "توطئه هیئت حاکمه" ، "فریب توده ها"  
"انحراف از مبارزه ضد امپریالیستی" و ...  
نامیدند و امروز نیز در کمال بی شرمی و  
عوام فریبی چنین حرف های مسخره ای را تکرار  
می کنند. آنها با اتخاذ چنین "تحلیل های"  
عملا در کنار بازرگان و امیرانتظام و مراغه ای قرار  
گرفتند و آب به آسیاب امپریالیسم ریختند و  
در حد توان خود به مبارزات خلق آسیاب  
رساندند.

این گروه ها نشان دادند که قادر نیستند از  
تاریخ و از تجربه غنی مبارزات توده ها درس  
بگیرند و از مبارزات آنها بیاموزند. اکنون که  
یک سال از تسخیر سفارت آمریکا می گذرد ،  
لیبرال ها همچنان می کوشند این عمل را محکوم  
سازند و همصدا با امپریالیسم آمریکا علیه  
دانشجویان خط امام و نیروهای ضد امپریالیست  
جمهوری اسلامی و شخص آیت الله خمینی که از  
این اقدام حمایت کرده است ، تبلیغ کنند. ما  
در سالگرد این عمل انقلابی ضمن تجلیل از نقش  
تاریخی این اقدام انقلابی ، بار دیگر بر افشای  
وسیع لیبرال ها تاکید می کنیم .

## شرکت در

## کمیته های دفاع از انقلاب

## وظیفه مهم کارگران در دفاع از استقلال میهن است



## هر فدائی، یک گزارشگر انقلابی

### سخنی کوتاه با رفقای هوادار

### پیرامون گزارش‌های تبلیغی

" برای اینکه کارگر بتواند سوسیال - دمکرات بشود، باید طبیعت اقتصادی و سیمای اجتماعی و سیاسی مالک، کشیش، اعیان و دهقان، دانشجو و ولگرد را روشن در نظر خود مجسم کند. جنبه‌های ضعف و قوت آنها را بشناسد... بتواند تمیز دهد که کدام یک از موسسات و قوانین، فلان یا بهمان منافع را منعکس می‌سازند و همانا چگونه منعکس می‌سازند. ولی این "تصور روشن" را از هیچ کتابی نمی‌شود به دست آورد. این را فقط مناظر زنده و افشای بدون فوت وقت آن چیزهایی می‌تواند به دست دهد که در لحظه کنونی در پیرامون ما روی می‌دهد و درباره آن همه و هرکس بنا به سلیقه خود صحبت یا اینکه اقلاً نجوا می‌کند و در فلان و فلان واقعه، فلان و فلان حکم دادگاه و غیره و غیره متظاهر گشته است. این افشاگری‌های همه‌جانبه سیاسی، شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده‌ها می‌باشد.

لنین - چه باید کرد؟

بحث خود را از آن روی با این جملات رفیق لنین آغاز نمودیم تا باردیگر ضمن تاکید بر اهمیت سیاست تبلیغی کمونیست‌ها، وظیفه عملی - انقلابی رفقای هوادار را خاطر نشان سازیم. اگر بپذیریم که ارائه تصویری روشن از وضعیت توده‌های مردم در مبارزه طبقاتی، ارائه تصویری روشن از آن مبارزه ضدامپریالیستی که هم‌اکنون خروشنده در هر گوشه میهنمان جریان دارد، ارائه تصویری روشن از طبیعت اقتصادی و سیمای اجتماعی و سیاسی افشار مختلف مردم، نه از "کتاب‌ها" که از "مناظر زنده" و "آن چیزهایی که در لحظه کنونی در پیرامون ما روی می‌دهد" به دست می‌آید. و اگر بپذیریم که تبلیغ و افشاگری وسیع و همه‌جانبه این وقایع روزمره "شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده‌هاست" آنگاه پی خواهیم برد که فعالیت آگاهانه و مستمر رفقای هوادار برای انعکاس وقایع روزمره‌ای که بی‌وقفه در اطرافشان جریان دارد و در شهر و روستایشان، در محله و مدرسه‌شان، در کارخانه و اداره‌شان اتفاق می‌افتد، چه نقش ارزنده‌ای دارد.

ما اکنون مدت‌هاست از چهارچوب تنگ روابط محفلی و روشنفکری به میان توده‌ها، به‌میان آواج پرخروش مبارزه طبقاتی راه یافته‌ایم و روز به روز با درک عمیق‌تر م - ل، با تصحیح هرچه بیشتر نظرات خود، با اتکاء هرچه وسیع‌تر بر تجارب جهانی جنبش کمونیستی روابط توده‌های و طبقاتی خود را گسترده‌تر می‌نمائیم این سطح رشد یافته از روابط توده‌ای، این درجه از تاثیرپذیری و تاثیرگذاری برجسته کارگری که واقعیت کنونی سازمان‌هاست، وظایف خطیرتری را در برابر ما نهاده است. وظایفی که رفقای هوادار سازمان در پیشبرد و انجام آن نقش مهم و ارزنده‌ای به عهده دارند.

رفقا، هواداران! شما آن شبکه میلیونی و عظیمی هستی که سازمان را با توده‌های مردم پیوند می‌دهید. از آن روی می‌بایست هرچه

عمیق‌تر بر رسالت عظیم و تاریخی خود، وظیفه خطیر آگاه‌نمودن توده‌ها و "پرورش روح فعالیت انقلابی" آنان واقف باشید. تحقق بخشیدن به این رسالت تاریخی و انجام این وظیفه انقلابی به‌همانگونه که خاطر نشان ساختیم، جز با تکیه بر تجارب عملی توده‌ها، جز با انعکاس وقایع روزمره‌ای که در بطن زندگی توده‌ها جریان دارد، جز با نشان دادن تصویری روشن از زندگی، مبارزه و کار توده‌ها ممکن نیست. تنها از این طریق است که می‌توان توده‌ها را در تجزیه و تحلیل مادی و همه‌جانبه مسائل یاری داده و "معرفت حقیقتا طبقاتی" را در آنان پرورش داد.

لنین می‌گوید:

" هرگاه کارگران در وقایع و حوادث مشخص سیاسی و آن‌هم حتماً روزمره (یعنی دارای جنبه فعلی) یاد نگیرند هر یک از طبقات دیگر جامعه را در تمام مظاهر حیات فکری، اخلاقی و سیاسی‌شان مورد مشاهده قرار دهند، هرگاه آنها یاد نگیرند، تجزیه و تحلیل ماتریالیستی و ارزیابی ماتریالیستی را عملاً در تمام جوانب فعالیت و حیات تمام طبقات و قشرها و دستجات اهالی به‌کار برند، در این صورت معرفت توده‌های کارگر نمی‌تواند معرفت حقیقتا طبقاتی باشد.

چه باید کرد؟

بر این اساس و با درک این ضرورت تاریخی است که ما پیوسته از رفقای هوادار خواسته‌ایم که در بطن زندگی و مبارزه توده‌ها باشند، حوادث روزمره زندگی آنان را منعکس نمایند و مبلغ خستگی‌ناپذیر آرمان‌های آنان باشند. از آنجائی که اکنون وظیفه تبلیغ توده‌های عمدتاً از طریق ارگان سراسری سازمان "نشریه کار" سازماندهی می‌شود، می‌بایست تمامی توان و تلاش رفقای هوادار در جهت انعکاس واقعیات

زندگی توده‌ها از طریق این نشریه عملی گردد. برای آنکه نشریه سراسری سازمان بتواند به‌بهرترین نحو در خدمت تبلیغ توده‌های ایران "عملی‌ترین کار انقلابی" قرار بگیرد، می‌بایست به‌گونه‌ای جدی و سیستماتیک از جانب شبکه میلیونی هواداران تغذیه گردد. می‌بایست کار از ابتکارات خلاقه هزاران نویسنده و گزارشگر موشکاف، متعهد و مومن مدافعان توده‌ها تغذیه گردد. می‌بایست هر انقلابی کمونیست، هر فدائی، یک گزارشگر ورزیده باشد. گزارشگری که با دقت و جدیت، با شور و علاقه پیگیر و خستگی‌ناپذیر، وقایع مهم سیاسی - اجتماعی و حوادث مهم و روزمره زندگی توده‌ها را منعکس نماید. انعکاس یک گزارش کوتاه از کار و مبارزه در کارخانه، تهیه گزارش از مبارزه طبقاتی در روستا، ارسال یک عکس از صحنه‌های تکان دهنده جنگ یا سیل و زلزله، انجام یک مصاحبه با کارگران معدن یا بندر، تهیه گزارشی از ماهیگیران شمال یا گلاف‌های جنوب تلاشی مشخص در جهت عملی نمودن این وظیفه انقلابی است. انعکاس این وقایع و صحنه‌ها در نشریه سراسری سازمان تنها بیان ساده واقعیت نیست. این کار که یقیناً در جهت افزایش آگاهی و رشدیابندگی توده‌هاست، خود اولین گام برای تغییر واقعیت و انطباق آن با مصالح و منافع طبقه کارگر است آنگاه که این تصاویر روشن از زندگی و مبارزه توده‌ها بلاواسطه یا توسط خیل عظیم مبلغین سازمانی به میان توده‌ها رود، به آنچنان نیروی عطیه‌بخش تبدیل می‌گردد که قادر به آفرینش معجزات است.

پس باید هر فدائی بساز گزارشگر، انقلابی و ورزیده، پیوسته و مدام، همشده و هم‌دعا در اندیشه این وظیفه سترگ باشد و فراموش نکند که به‌همان گونه که لنین، آموزگار کبیرمان می‌گوید، تنها از این طریق، یعنی انعکاس وقایع و حوادث مشخص و روزمره است که معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده‌ها را می‌توان تربیت نمود.

و اما چگونه باید این وظیفه انقلابی را انجام داد. با توجه به اهمیت کار گزارشگری، با توجه به نواقص و اشکالات و انتقادات که در این باره گزارشگر وجود داشته است، ما به‌منظور طرحی کلی برای تهیه گزارش ارائه کرده‌ایم. باشد که در انجام وظایف انقلابی خود پیروزمندان گام برداریم.



(اکثریت)

## تجار بزرگ با احتکار و ایجاد گرانی مصنوعی

### بمثابه ستون پنجم دشمن

تجار بزرگ با احتکار و ایجاد گرانی مصنوعی، به‌مثابه ستون پنجم دشمن

سعی دارند مقاومت دلاورانه خلق‌های تحت ستم ایران را در برابر رژیم ضد مردمی عراق تضعیف نمایند و تسلط امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا را هموار سازند. ما اعتقاد داریم:

در این شرایط بحرانی که خلق‌های رزمنده ما علیه امپریالیسم جهانی و رژیم ضد خلقی عراق می‌جنگند تا دستاوردهای خونین انقلاب ایران را حفظ نمایند، دولت جمهوری اسلامی ایران باید:

۱- انبارهای تجار غارتگر را که انباشته از کالاهای ضروری است، کشف و به نفع زحمتکشان صادره نماید.

۲- طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، بازرگانی خارجی را ملی اعلام کند تا دست این مفتخواران و جیره‌خواران امپریالیسم جهانی کوتاه گردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - شاخه لرستان

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که  
درواهای ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

جنبش کارگری ایران

اخلال در تولید

سلاح سرمایه دار، علیه انقلاب است

در صفحه ۱۹

طبقه کارگر قهرمان ایران

در صف مقدم دفاع از انقلاب می رزمند

در صفحه ۲۰

مبارزات کارگران

مشهد در مقابل تجاوزات

امیرالیوم و رژیم عراق

در صفحه ۱۹

کارگران مبارز راه آهن خواهان تشکیل و تقویت  
"کمیته های دفاع از انقلاب"

در راه آهن سراسری هستند

کارگران پیشرو راه آهن طی اعلامیه ای تحت عنوان "کارکنان مبارز راه آهن، مصمم و پرتلاش علیه امیرالیوم و جنایتکاران بعثی از میهن انقلابی خود دفاع می کنند" بار دیگر ضمن تاکید بر اهمیت نقش راه آهن در خنثی کردن تهاجمات امیرالیوم و رژیم متجاوز عراق به نارسائی های ستاد بسیج راه آهن در سازماندهی "کمیته های دفاع از انقلاب" در راه آهن اشاره کرده و با ارائه پیشنهادهایی سازنده خواستار رفع آن شدند. سازماندهی "کمیته های دفاع از انقلاب در کارخانه ها و کارگاه ها" (که شامل کمیته

آموزش نظامی همگانی، کمیته های فنی، امداد، آتش نشانی، دفاع مسلحانه از تاسیسات و... می شود) از روزهای نخست تجاوز رژیم عراق، توسط کارگران پیشرو طرح شده بود. در رابطه با ضرورت تشکیل این کمیته ها نیز، تشکل های کارگری (سندیکاها و شوراهای و هم چنین ستاد بسیج، سپاه پاسداران، انجمن های اسلامی و... چه بطور خودبخودی و چه با طرح مشخص توانستند در بسیاری از کارخانجات گام های موثری بردارند. تشکل ها و ارگان های فوق الذکر طی یکماهه اخیر موفق شدند

کارگران و کارمندان برخی از کارخانجات را در این کمیته های ویژه (کمیته های دفاع از انقلاب) حول وظایف انقلابی نوینی که در شرایط جنگ تدافعی به عهده دارند، سازمان دهند. کارگران پیشرو همواره خواهان شرکت فعالانه همه کارگران و کارمندان مبارز در این کمیته های انقلابی بوده و بر ضرورت تقویت و تحکیم این کمیته های دفاع از انقلاب در کارخانه ها و کارگاه ها تاکید ورزیده اند. چه، تشکیل کمیته های دفاع از انقلاب و شرکت فعالانه در آنها، در شرایط کنونی خطرترین و مبرم ترین وظیفه

کارگران و کارمندان مبارز، در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تعمیق و گسترش آن است. کارگران پیشرو راه آهن در اعلامیه فوق الذکر تاکید کرده اند که:

"راه آهن دولتی به دلیل نقش استراتژیکی که دارد، به محور نقل و انتقالات مهمات و تجهیزات نظامی، پرسنل انقلابی ارتش و داوطلبان قهرمان بسیج تبدیل شده است و هر روز که می گذرد بر اهمیت نقش آن افزون می گردد و زحمتکشان مبارز راه آهن هم با تلاش شبانه روزی و فراهم نمودن تسهیلات برای حمل و نقل محمولات جنگی، به وظایف انقلابی خود عمل می نمایند. ستاد بسیج راه آهن باید با استفاده از نیروی کارگران و زحمتکشان به (کانون تمرکز کارگران و کارمندان مبارز راه آهن) تبدیل شود و با برنامه ریزی دقیق بتواند از دستاوردهای انقلاب دفاع نماید. بدین جهت باید پیشنهاد می کنیم که هر چه زودتر جهت حفظ تداوم انقلاب و بهبود کمک زسانی به جبهه نبرد، "کمیته های دفاع از انقلاب" تشکیل شود این کمیته ها موظفند:

۱- حفاظت از راه آهن را زیر نظر گیرد و در این مسئله رعایت دقت بسیار را بنماید (این مسئله شامل تقویت بیش از پیش امکانات دفاع مسلحانه از تاسیسات راه آهن است. استتار کامل مخازن، رعایت اکید رفت و آمدهای شبانه افراد جلوی درهای ورودی از طریق کنترل کارت های شناسائی و... در این امر باید ستاد بسیج بیش از پیش دقت لازم را بنماید.) امر آموزش نظامی کارگران (که وظیفه "کمیته آموزش نظامی همگانی" است باید بیش از پیش جدی گرفته شود) هم چنین حفاظت از خطوط و پلها و مراکز حساس بین راه (که وظیفه "کمیته مسلح دفاع از تاسیسات" کارخانه و مراکز حساس است) بسیار مهم است. در این شرایط هیچگونه تعللی جایز نیست و باید بسیار دقیق تر

از راه آهن حفاظت شود. ۲- با تشکیل "کمیته فنی" اولاً - به کمبود مأمورین فنی مخصوصاً در قسمت ایستگاه تهران رسیدگی نماید که در این مورد می شود از مأمورین فنی بازنشسته صادق دعوت به همکاری کرد. ثانیاً - برای تامین قطعات یدکی مورد نیاز و یا ساختن آنها و تعمیر ماشین آلات و دیزل های از کار افتاده، برنامه مشخصی طرح ریزی کند (این وظیفه اساساً به عهده "کمیته فنی تعمیر و بازسازی ادوات از کار افتاده" است.)

۳- با تشکیل "کمیته امداد" بهداری ایستگاه ها را آماده نماید و به عدهای از کارکنان راه آهن آموزش کمکهای اولیه داده شود تا در صورت لزوم در کمک به مجروحین جنگ که به ایستگاه ها آورده می شوند، موثر واقع شوند. (در این رابطه باید ستاد بسیج، کمیته امدادی مرکب از تعدادی از کارکنان راه آهن جهت آموزش خدمات درمانی و ارائه این خدمات انقلابی و ضرور تشکیل دهد.)

۴- آموزش و خاموش کردن آتش و فنون آتش نشانی به عدهای از کارکنان اطفاء حریق های احتمالی داده شود (که این وظیفه با تشکیل "کمیته آتش نشانی" مرکب از کارکنان تعلیم دیده در امر فرونشانی آتش، توسط ستاد بسیج سازماندهی می شود.) بدیهی است که تشکیل و تقویت چنین کمیته های انقلابی ویژه ای نه تنها در راه آهن سراسری بلکه در تمامی کارخانجات و به ویژه مراکز حساس اقتصادی و صنعتی کشور ضرورت تام دارد و باید بار دیگر تاکید کنیم که همکاری فعالانه تشکل های کارگری (سندیکاها و شوراهای و کارگاه ها با مسئولین بسیج و سپاه و... در امر تشکیل این کمیته های انقلابی و دعوت توده کارگران و کارمندان مبارز به شرکت فعالانه در انجام این وظایف خطیر، ضرورت مبرم دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ماست.

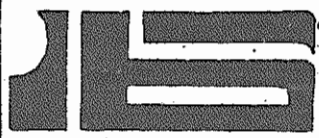
شکوه همبستگی خلق

در مراسم تشییع جنازه شهدای کارگران اراک

روز دوشنبه ۷ مهرماه خبر شهادت ۶ تن از کارگران کارخانه های ماشین سازی و هیکو اراک بسرعت در کارخانه و شهر پیچید. خبر که پخش شد، هزاران کارگر و زحمتکش اندوهگین و کنجکاو از یکدیگر چگونگی واقعه را می پرسند. کارگران و زحمتکشان می خواستند بدانند که شهادت این رزمندگان کارگر توسط رژیم متجاوز عراق چگونه و کجا صورت گرفته است. اما آنها در سنگر تولید با بازوان پرتوان به کار ادامه دادند تا پرخروش، پرتوان همانطور که سنگر مقاومت رزم را برپا داشته اند، سنگر کار و تولید را نیز برپا نگهدارند. در پایان ساعت کار، کارگران از کارخانه های اراک برای پیشواز جنازه همسنگران خود به ملازم می روند و

ساعتی بعد جنازه ها بر دوش جمعیت خروشان و خشمگین به سردخانه بیمارستان منتقل می شود. فردای آن روز کارگران و همه اقشار مردم از کارخانه ها و کارگاه ها و از هر گوشه شهر بسوی محل تشییع جنازه روی می آورند. دانش آموزان نیز که در سوگ کارگران شهید، مدرسه را تعطیل کرده بودند دسته دسته از هر سوی در میدان حاضر می شوند. راهپیمائی ساعت ۹/۵ صبح با رسیدن آمبولانس های حامل شهید، از میدان امام شروع می شود. راهپیمایان در طول مسیر خود از خیابان های طالقانی، آرادگان، خوانساری، شهربانی، امام خمینی و باغ جنت عبور می کنند و به گورستان شهر می روند. شمارهای کربنده همراه راهپیمایان به همراه

سرودهائی که توسط دانش آموزان دختر خوانده می شود شکوه اتحاد خلقی را به نمایش می گذارد که مصمم است تا پیروزی نهائی به مبارزه ادامه دهد و در برابر هیچ تهاجم و تجاوزی از پای ننشیند. راهپیمایان با شعارهای: می کشم، می کشم، آنکه برادرم کشت " این سندجنایت امریکاست " کارتر، کارتر نابود است " برادر شهیدم راهت ادامه دارد " خشم خروشان خویش را از جنایات امیرالیوم به نمایش گذاشتند، خشمی که نابودی کامل دشمنان خلق و پیروزی های هرچه بیشتر خلقهای قهرمانمان را نوید می دهد. راه شهدای کارگر ادامه دارد



## طبقه کارگر ایران در سنگر رزم و در عرصه تولید قاطعانه از انقلاب دفاع می کند

برای این منظور آموزش نظامی می بینند، در بسیج ثبت نام می کنند تا به جبهه اعزام شوند. در تهران، تنها از مجتمع کفش ملی، از ده هزار کارگر و کارمند آن، نزدیک به ۱۰۰۰ نفر و از کارخانه مینو از ۲۸۰۰ نفر کارگر آن، در حدود ۳۰۰ نفر که منقضی خدمت ۵۶ بوده اند، برای اعزام به جبهه روانه سربازخانه شده اند.

در کارخانه مینو، به غیر از اعزام ۳۰۰ کارگر فوق الذکر، ۳۰۰ نفر دیگر نیز با مراجعه به بسیج، داوطلب شرکت در جبهه شده اند. در همه کارخانه ها، کارگاه ها، کارگران با شوری و صف ناپذیر بطور مستقیم و یا از طریق شوراهای سندیکاهای خود به سپاه و بسیج مراجعه کرده و خواهان آموزش نظامی و تسلیح خود شده اند.

تحت نظارت و کنترل "ستاد بسیج" کارکنان اداره راه اهواز صورت می گیرد. کارگران شرکت ساختمانی کیسون نیز به نوبه خود "ستاد مقاومت" تشکیل دادند که این ستاد ضمن آنکه تعدادی از کارگران را برای اعزام به خطوط مقدم جبهه مسلح کرد، به پیشنهاد مقامات استانداری، ساختن استحکامات بتونی در نقاط حساس شهر اهواز و مناطق مسکونی از قبیل زیتون کارمندی و... را نیز برعهده گرفت که با دعوت رادیویی از جوشکاران و آرماتوربند های شهر به همکاری، این استحکامات در سه نقطه ساخته می شوند. در این میان در خونین شهر و آبادان، این دژهای پایداری و مقاومت قهرمانانه، کارگران و به ویژه نفتگران، در کنار سایر رزمندگان، سنگر به سنگر، خانه به خانه،

از آن هنگام که تجاوز گسترده رژیم ضد مردمی عراق با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جهانخوار به میهن انقلابی ما آغاز شد، طبقه کارگر ایران با برآمدی شورانگیز و با به کارگیری همه امکانات و توان انقلابی خود پیشاپیش توده های میلیونی خلق، در همه عرصه های جنگ شرکت جست تا نقش شایسته و در خور خود را در تحکیم، تداوم و تعمیق انقلاب ایران ایفا نماید. کارگران امروز در جبهه و پشت جبهه، در سنگر رزم و در عرصه تولید، سلاح جنگ در گف و ابزار تولید به دست، به دفاع از استقلال و آزادی میهن برخاسته اند تا در پیروزی قریب شالوده جامعه ای عاری از ستم و استثمار را پی ریزند. آنچه در زیر می آید نمونه هایی از شرکت پرشور و گسترده کارگران ایران در مبارزات است که هم اینک توفنده و پرخروش سراسر میهن انقلابی ما را فرا گرفته است:



در تعدادی از واحدهای تولیدی نیز کارگران به نحوی پیگیر در پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن، کمیته های گوناگون "دفاع از انقلاب" نظیر کمیته های نظامی، فنی، امداد و آتش نشانی تشکیل داده اند. در کارخانه پارس الکتریک، شورا، با کمک سپاه ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه را آموزش نظامی داده است. که این امر هم اکنون نیز ادامه دارد. در این کارخانه نزدیک به ۳۰۰ نفر نیز در بسیج شرکت کرده اند. در راه آهن تهران تاکنون بیش از ۴۰۰ تن از کارکنان از طریق بسیج جهت اعزام به جبهه ثبت نام کرده اند. در حال حاضر کارکنان مبارز راه آهن با ایجاد ستاد بسیج و تشکیل گروه های گشت از محوطه راه آهن (در شب) و همچنین پل ها و نقاط حساس بین راه محافظت می کنند. در کارخانه ارج بطور منظم حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ تن از کارگران در کلاس های آموزش نظامی شرکت می کنند و ۴ نفر از کارگران نیز برای حفاظت از کارخانه مسلح شده اند. در پارک دیویس ۶ نفر از کارگران برای نگهبانی از کارخانه تعیین شده اند که هر شب ۲ نفر از آنها مسلح به ژ-۳ پاسداری می دهند. در کارخانه تولیدارو حتی برخی از زنان نیز به فراگیری آموزش های نظامی و شرکت در گروه های مقاومت بقیه در صفحه ۱۷

تن به تن، از انقلاب دفاع می کنند. در این راه حماسه ها می آفرینند و برگ زرین دیگری بر تاریخ جنبش کارگری پرافتخار میهنمان می افزایند. اما کارگران در خوزستان، در اهواز، در آبادان و خونین شهر با جنگ در جبهه و تلاش و کار در پشت جبهه، شایستگی خویش را در دفاع از سنگر انقلاب ایفا می کنند، اگر در خط مقدم جبهه به اعتبار جانفشانی و ایثار خود، استخوانبندی مقاومت دلیرانه در مقابل تجاوزگران را تشکیل داده اند و در چند کیلومتر عقب تر با دست های پرتوان و با ابتکارات خلاق خود، استحکامات بتونی برای دفاع از شهر بنا کرده اند، آری اگر کارگران در آبادان، خونین شهر و اهواز با نیروی اراده و ایمان به پیروزی، ستونی پولادین و استوار به پا کرده اند تا انقلاب را پاس دارند و میهن را به گورستان متجاوزین بدل کنند، در دیگر نقاط ایران، در تهران، در تبریز و گیلان نیز کارگران انقلابی، بخش دیگری از بار سنگین مسئولیتی را که طبقه کارگر ایران در دفاع از انقلاب و پیروزی قطعی آن برعهده دارد، بر دوش گرفته اند. کارگران در نقاط دیگر ایران نیز خود را برای شرکت در سنگرهای نبرد میهن آماده می کنند و

در اهواز، در همان روزهای آغاز جنگ، کارگران صنایع نفت فولاد و نورد، ستاد مقاومت ایجاد کرده و با همکاری سپاه و بسیج و با فراگیری آموزش های نظامی، بیش از پیش در دفاع از تأسیسات صنعتی و شهر، فعالانه شرکت کردند. کارگران صنایع نفت، فولاد و نورد، پس از بمباران های وحشیانه تأسیسات نورد، فولاد و نفت توسط رژیم ضد مردمی عراق و انهدام و از کار افتادن آنها، در ستادهای مقاومت محلی شهر شرکت جستند تا به نقش خویش در دفاع از انقلاب همچنان تداوم بخشند. نفتگران قهرمان در تأسیسات اهواز و آبادان و خطوط لوله بین این دو شهر، در همان روزهای شروع جنگ با تلاش شبانه روزی توانستند با برگرداندن شیرهای خطوط لوله نفت تصفیه نشده موجود در مخازن پالایشگاه آبادان را به مخازن اولیه آن در اهواز و مارون بازگردانده و از نابودی آنها که در نتیجه بمباران های هواپیماهای عراقی امری محتمل و قریب الوقوع بود، جلوگیری کنند. این اقدام انقلابی و مسئولانه نفتگران مبارز و آگاه بیانگر قدرت ابتکار و هشیاری انقلابی این گردان رزمنده بیستاد طبقه کارگر ایران است.

همچنین در تأسیسات نفتی اهواز و سایر مناطق به همت نفتگران مبارز و گروه های ضربتی فنی برای تعمیر و ترمیم صدمات ناشی از بمباران های به وجود آمده، از سوی دیگر به درخواست نفتگران و توسط ستاد مقاومت کارکنان حفاری، خطوط لوله نفت در مقابل خط بمباران های شبانه، به منظور استتار، گل پاشی شد. کارگران شرکت ساختمانی رس (در اهواز) در همان روزهای نخستین جنگ، با ایجاد ستاد مقاومت، آمادگی خود را برای ترمیم ساختمان های ویران شده اهواز و دیگر مناطق جنگ زده خوزستان اعلام داشتند و با کار و تلاش شبانه روزی در این راه قدم های موثری برداشتند. همچنین کارگران اداره راه اهواز با ایجاد "ستاد بسیج مقاومت" و با استفاده از تجهیزات و ماشین آلات ساختمانی نظیر لودر و... امر ایجاد استحکامات و سنگر سازی در شهر را به عهده گرفتند. هم اکنون فعالیت های جنگی و تدارکاتی ادارات راه و ترابری شهرهای مختلف خوزستان که در همین زمینه انجام می شود

### جنبش دهقانی ایران



## ملاحسني درميان زحمتکشان کرد و ترک تخم نفاق و دودستي می پراکند

عمل کرده است. او اکنون بدبوخانه می‌کوشد که جمعی از عناصر ناآگاه را به اصطلاح بسیج کند و هم‌میهن‌ان کرد ما را بار دیگر مورد یورش قرار دهد. ملاحسني درست در لحظه‌ای که خلق ما بیش از هر زمان دیگر به وحدت و یکپارچگی نیازمند است، می‌خواهد هم‌میهن‌ان کرد و ترک ما را با عمده‌کردن اختلافات قومی و مذهبی به جان یکدیگر بیندازد. رادیوی آذربایجان غربی نیز با برنامه‌های تفرقه‌افکنانه خود عملاً در خدمت اقدامات ضد مردمی این روحانی مرتجع قرار گرفته است. هم‌میهن‌ان آذربایجانی ما باید بدانند که:

امروز میهن ما از هر سو مورد تهاجم امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه است. هم‌اکنون رژیم ضد مردمی "صدام حسین" با تمام قوای خود در صدد است که انقلاب مردم ما را به شکست بکشد. در چنین شرایطی وحدت همه اقشار و طبقات زحمتکش برای شکست دشمنان انقلاب یک ضرورت حیاتی است. زحمتکشان همه خلق‌ها چه کرد و چه ترک، چه فارس و چه عرب و ... اکنون باید متحد و مصمم به‌پا خیزند و از استقلال میهن خود در برابر تجاوزگران عراقی دفاع کنند. درست در چنین لحظات حساسی "ملاحسني" این روحانی که به وحدت مردم منطقه آسیب‌های جدی رسانده است همچنان در میان زحمتکشان کرد و ترک تخم نفاق و دودستي می‌پراکند. ملاحسني همواره برخلاف مصالح زحمتکشان میهن ما

#### دهقانان بیدار آمد:

### با مصادره انقلابی زمین‌های "بخشی‌ها" مبارزه ضد امپریالیستی را به پیش ببریم

امپریالیسم چون بختیار، پالیزبان، اویسی و مدنی باز حکومتی مثل سابق برپا کند و باز خان‌وخان‌بازی را رایج سازند. و در کاخ‌های خود به عیش و نوش پردازند. "دهقانان بیدار" آنگاه زحمتکشان روستای "قرق" را طرف صحبت قرار می‌دهند و می‌گویند: زمینداران بزرگ نظیر "بخشی" پایگاه داخلی امپریالیسم‌اند. آنها را باید رسوا کرد. باید جنایات آنها را افشا نمود و در این رابطه از مسئولان جمهوری اسلامی باید خواست که از مبارزات برحق زحمتکشان روستا حمایت کنند و بزرگ مالکان مزدوری چون "بخشی" را دستگیر و محاکمه انقلابی نمایند. "دهقانان بیدار" می‌گویند: با دستگیری، محاکمه انقلابی و مصادره اموال زمینداران بزرگ است که مبارزه ضد امپریالیستی در روستاها به سرعت پیش می‌رود.

"دهقانان بیدار" در اعلامیه‌ای خطاب به دهقانان زحمتکش روستای "قرق" جنایات زمینداران بزرگ منطقه به‌ویژه گل‌بابای بخشی را افشا کرده‌اند. "دهقانان بیدار" از زحمتکشان روستای "قرق" خواسته‌اند که هرچه زودتر شورای واقعی خود را تشکیل دهند. آنها همچنین اهالی "قرق" را تشویق نموده‌اند که از مبارزات روستاهای منطقه نظیر "ماچک پشت" درس بگیرند و برای مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ مبارزه کنند. "دهقانان بیدار" در قسمتی از اعلامیه خود می‌گویند: با وجود آنکه رژیم خونخوار پهلوی به‌گور سپرده شده است، اما به علت ضعف و سستی دولت جمهوری اسلامی در دستگیری و محاکمه فئودال‌ها و سرمایه‌داران اینها هنوز به‌غارت خود ادامه می‌دهند. "دهقانان بیدار" همچنین اعلام کرده‌اند که: "فئودال‌ها و سرمایه‌داران قصد دارند به‌کمک نوکران

## زحمتکشان چهارصد روستای میناب از فقر،

### گرسنگی، بی‌سوادی، بیماری و ستم اربابان رنج می‌برند

می‌توان یافت. هنوز هم که هنوز است بیش از ۸۰ درصد باغ‌ها و زمین‌های منطقه متعلق به کسانی است که نه تنها بر روی آنها کار نمی‌کنند، بلکه در طول عمرشان شاید یکبار هم بیل به دست نگرفته باشند. روستائیان زحمتکش میناب اکنون بیش از هر زمان دیگر خواستار مصادره زمین زمینداران بزرگ هستند. آنها اکنون که انقلاب کرده‌اند، با تمام وجودشان ضرورت تقسیم اراضی کشاورزی به نفع زحمتکشان را احساس می‌کنند. اصلاحات ارضی انقلابی اکنون ضرورت اجتناب‌ناپذیر گسترش و تحکیم انقلاب در این منطقه از میهن ماست. رژیم جمهوری اسلامی باید با انجام وظایف خود در این زمینه توده‌های عظیم دشمنان انقلاب فعال و فعال‌تر کند. رژیم جمهوری اسلامی باید با خلع ید از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ حداقل زندگی سعادت‌مند و شرافتمندانه‌ای برای مردم محروم منطقه فراهم آورد. هر گام کوچک در این زمینه، ضربه‌ای است که بر توطئه‌های امپریالیسم، حامیان داخلی آن در منطقه و در سراسر ایران وارد می‌آید.

تحصیل، اکثر ناچارند به مدارس که چندین کیلومتر با دهشان فاصله دارد بروند. مصرف آب غیر بهداشتی در بسیاری از روستاها، مردم زحمتکش ما را به انواع بیماری‌ها مبتلا کرده است. اکثریت افراد بی‌زمین و یا آنهایی که قطعه‌زمین کوچکی را به علت فقر و نداری رها کرده‌اند، مجبورند در پی لقمه‌ای نان آواره شهرها شوند. بسیاری از آنها در شهر هم کاری دست و بالشان را نمی‌گیرند. به همین علت چه بسیار کسان که برای سیر کردن شکم زن و بچه‌شان خانه و کاشانه خود را ترک می‌کنند و راهی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس می‌شوند. به این ترتیب چند سرمایه‌دار و زمیندار بزرگ در طول سال‌ها به قیمت فقر و گرسنگی و بیماری بخش عظیمی از جمعیت منطقه به زندگی انگلی خود ادامه داده‌اند. اینها همه میراثی است که حکومت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ یعنی رژیم ضد مردمی پهلوی برای هم‌میهن‌ان "مینابی" ما به‌یادگار گذاشته است. به جرات می‌توان گفت که چنین شرایط سخت و چنین روابط ظالمانه‌ای را در کمتر نقطه ایران مثل بلوچستان

حدود ۷۵٪ مردم منطقه "میناب" در روستاهای اطراف آن زندگی می‌کنند. تعداد این روستاها به ۴۰۰ می‌رسد. همه آنها با وجود تفاوت‌هایی که دارند، در یک چیز مشترک هستند. فقر شدید و بیماری و بی‌سوادی هزاران انسان زحمتکش. در روستاهای میناب مثل اکثر روستاهای میهنمان جامعه سرمایه‌داری چهره واقعی و کریه خود را بوضوح به ما نشان می‌گذارد: ظلم و ستم ارباب‌ها در این منطقه موجب بی‌خانمانی و سیه‌روزی اکثریت عظیمی از روستائیان زحمتکش گردیده است. در اکثر روستاهای میناب قسمت عمده باغ‌ها و سرهای، زراعی متعلق به چند نفر مالک و فئودال است که به هیچ وجه کار نمی‌کنند. اکثریت اهالی روستاها یا اصلاً زمینی ندارند و یا اگر هم دارند آنقدر کوچک است که نگهداری آن برایشان فایده‌ای ندارد. زحمتکشان روستاها اکثراً مجبور شده‌اند که زمین‌هایشان را در مقابل طلب اربابان به قیمت‌های بسیار ناچیز به آنها بفروشند. مردم این روستاها از امکانات رفاهی از قبیل آب لوله‌کشی، برق، حمام و دیگر دوا بی‌بهره‌اند. روستاهای آنها برای

## دهقانان زحمتکش روستای (فاراب) به همراه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از ثمرات انقلاب خود دفاع می‌کنند

دهقانان زحمتکش روستای "فاراب" اکنون به همراه کارگران و سایر زحمتکشان در سراسر ایران به دفاع از دستاوردهای انقلاب خود برخاسته‌اند. هر روز که می‌گذرد، آنها به نقش انقلابی "شورا" در این زمینه بیشتر آگاه می‌شوند. زحمتکشان روستای "فاراب" مصممند که با حمایت پیگیر از شورای انقلابی‌شان هرچه فعال‌تر در مقاومت عادلانه‌ای که هم‌اکنون در سراسر میهنمان جاری است، شرکت کنند.

چشمه روستا به کمک اهالی ده بوده است. هم‌زمان با تهاجم رژیم ضد مردمی "صدام حسین" به ایران، شورای روستای "فاراب" فعالانه کوشیده است تا مقاومت زحمتکشان محلی را در برابر متجاوزین عراقی سازمان دهد. در این رابطه "شورا" کنترل خاموشی روستا را برعهده گرفته است و هر شب چهار نفر از اهالی را برای مراقبت در اطراف روستا مامور می‌کند. آنها وظیفه دارند که با هوشیاری از اقدامات خرابکارانه ضد انقلابیون در منطقه جلوگیری کنند.

"فاراب" از روستاهای اطراف "سراب" است. زحمتکشان این روستا در شهریور ماه ۵۹ شورای ده خود را تشکیل دادند. دهقانان زحمتکش روستای "فاراب" نمایندگان واقعی‌شان را انتخاب کردند. آنها به این ترتیب قدم دیگری در راه شرکت هرچه فعال‌تر در اداره امور روستا برداشتند. شورای ده از آغاز کار بطور فعال در جهت عمران و آبادی روستا حرکت کرده است. از جمله اقدامات شورا در این زمینه کوشش برای بازسازی و ترمیم



اخبار شهرستان ها

اعلام آمادگی

معلمین مبارز سمنانی و قزوینی برای اعزام به جبهه

جان اعلام می نمایم ،  
جمعی از تعلیقین اداره  
آموزش و پرورش استان  
سمنان  
هم چنین گروهی از معلمان  
مبارز قزوین که بخاطر عقاید  
سیاسی شان اخراج شده اند ،  
طی نامه ای به آموزش و  
پرورش ناحیه آمادگی خود  
را برای عزیمت به جبهه  
جنگ اعلام داشتند . آنان  
در نامه خود خواسته اند  
تسهیلات لازم برای اعزام  
آنان فراهم شود . بدنبال  
مذاکره آموزش و پرورش با  
سپاه پاسداران ناحیه ، این  
معلمان مبارز دعوت به  
همکاری شده اند .

ایران در برابر تجاوزات رژیم  
ارتجاعی عراق و توطئه های  
گسترده امپریالیسم امریکا به  
دفاع از جمهوری اسلامی  
ایران برخاسته اند ، ما گروهی  
از معلمان و کارکنان تعلیقی  
اداره آموزش و پرورش استان  
سمنان که برخلاف قانون  
اساسی جمهوری اسلامی ایران  
به علت داشتن عقاید سیاسی  
از ادامه خدمت محروم  
شده ایم ، ضمن پرداخت یک  
روز از حقوق تقلیل یافته مان  
به حساب شماره ۲۶۸۶ جهت  
کمک به دلاوران غرب کشور ،  
آمادگی کامل خویش را جهت  
اعزام به غرب کشور و حفظ  
استاوردهای انقلاب تا پای

سمنان - جمعی از معلمین و  
کارکنان مبارز و انقلابی اداره  
آموزش و پرورش استان سمنان  
که در شروع سال تحصیلی  
امسال از کار برکنار شده و  
بلا تکلیف هستند در تاریخ  
۱۹ مهرماه با ارسال تلگرافی  
به دفتر امام خمینی  
آمادگی کامل خود را جهت  
اعزام به جبهه جنگ در غرب  
کشور اعلام نموده اند . متن  
این تلگراف به شرح زیر  
است :  
تهران - دفتر امام  
خمینی بنیانگذار جمهوری  
اسلامی ایران  
اکنون که توده های متحد  
و یکپارچه میهن عزیزمان

اعلام آمادگی کارگران  
برای کار در مناطق جنگی

تهریز - اخیرا تکسین های  
مبارز قسمت ارتباطات راه  
آهن تهران - تهریز به  
پیشنهاد کارگران پیشرو بعد  
از تماس و مشاوره با  
تکسین های ناحیه زنجان و  
راه آهن تهران اعلام آمادگی  
نموده اند که بدون دریافت

حرکت مردمی

جهاد سازندگی یزد

یزد - جهاد سازندگی یزد  
که در امور مربوط به خدمات  
منطقه بسیار فعال می باشد ،  
تاکنون توانسته است با  
اقدامات مردمی خود و  
پشتیبانی توده های زحمتکش  
به موفقیت های قابل توجهی  
دست یابد .  
اخیرا دو پزشک متخصص  
یزد روبرو شده است

این شهر که با جهاد همکاری  
نزدیکی دارند ( یکی از آنها  
رئیس بیمارستان و دیگری  
مدیرعامل بهداشت است )  
بنا به پیشنهاد جهاد  
سازندگی به درمان رایگان  
بیماران پرداخته اند که این  
اقدام با استقبال مردم  
زحمتکش یزد روبرو شده است

زحمتکشان خواهان

توزیع عادلانه مایحتاج عمومی هستند

کرج - اخیرا اتحادیه خوار و  
بار فروشان در کرج با همکاری  
فرمانداری این شهرستان  
مسئولیت توزیع مواد سوختی  
و مایحتاج عمومی را به عهده  
گرفته است .  
این اتحادیه توانسته است در  
اولین گام های خود با کمک  
نهادهای انقلابی تعدادی از  
جوانان را بسیج کند و با  
فرستادن آنها به منازل  
مسکونی ، آمارگیری های لازم  
جهت توزیع مایحتاج عمومی  
را انجام دهد . این موضوع  
با استقبال توده های زحمتکش  
بخصوص کارگران روبرو شده  
است . بطوریکه اغلب  
زحمتکشان می گویند شاید به  
این ترتیب در توزیع مایحتاج  
عمومی تبعیض از بین برود .

هفت اتوبوس حامل رفقای هوادارو

جوانان رزمنده شمال به جبهه رفتند

چندی پیش ۷ اتوبوس  
حامل رفقای هوادار سازمان و  
گروهی از جوانان رزمنده  
شهرهای شمالی میهنمان  
برای پیوستن به همرزمان  
خود راهی جبهه های جنگ  
در غرب کشور شدند . آنها با  
قلبی سرشار از عشق به  
زحمتکشان برای درهم

تکذیب می شود

در شماره ۴۶ نشریه "راه کارگر" خبری مبنی بر  
محکومیت رفیق فدائی ، حشمت الله رئیسی به ده سال  
زندان درج شده بود . این خبر نادرست است و از طرف  
سازمان تکذیب می شود .  
در همین رابطه از نشریه "راه کارگر" می خواهیم که پس  
از اطمینان کامل از صحت و سقم اخبار به درج آن اقدام  
نمایند .

تأمین مایحتاج حیاتی مردم

به نفع انقلاب است



تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و محاصره اقتصادی امپریالیسم جهانی ، هر لحظه  
فشار بیشتری بردوش زحمتکشان میهنمان وارد می آورد . گرانی ، بیکاری و کمبود  
کالا های ضروری و مورد نیاز مردم افزون می گردد و از طرفی تجار بزرگ برای حفظ  
منافع خود و اربابانشان به احتکار این کالاها می پردازند .

ما اعتقاد داریم :

برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمند میهنمان ، برای مقابله با  
تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و برای خنثی ساختن توطئه های امپریالیسم جهانی  
به سرکردگی امپریالیسم امریکا و مزدوران داخلی اش ، دولت جمهوری اسلامی باید  
هر چه سریعتر موارد زیر را به مورد اجرا گذارد :

- ۱- توزیع مایحتاج عمومی توسط دولت و شوراهای محلی صورت گیرد .
- ۲- بعضی از کالا های ضروری و اولیه زحمتکشان باید جیره بندی شود .
- ۳- انبارهای تجار بزرگ که انباشته از کالاهای مصرفی مردم است ، کشف و  
به نفع زحمتکشان مصادره گردد .
- ۴- طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بازرگانی خارجی ملی اعلام شود .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

شاخه لرستان

## رژیم عراق

### مردم ایران را گروگان می گیرد

گزارش زیر سندی از جنایات وحشیانه رژیم ضد مردمی عراق است که با یورش به میهن انقلابی ما در صدد نابودی دستاوردهای انقلاب خونین زحمتکشان ایران برآمده است. گزارش زیر پرده از اعمال فاشیستی جنایتکاران عراقی برمی دارد و به خوبی ماهیت جنگ تجاوزگرانه آنها را نشان می دهد. رژیم عراق علی رغم همه ادعاهای دروغینش با زحمتکشان ایران می جنگد و وحشیانه ترین جنایات را در مورد آنان به کار گرفته و آنان را بیرحمانه کشتار می کند.

گزارشی که در زیر می آید، توسط یکی از رفقای دختر هوادار سازمان برای ما فرستاده شده این رفیق که با خانواده اش قصد سفر به اصفهان را داشته است، در راه به وسیله ارتش تجاوزگر عراق بازداشت می شود. ۵ تن از اعضای خانواده او را همراه با سایر مردان بازداشت شده به عراق فرستاده اند و هنوز هیچگونه اطلاعی از سرنوشت آنها در دست نیست.

دو سببه ۱۸ مهر:

جلوی راهمان را گرفتند. ساعت تقریباً بین ۷/۱۵ تا ۷/۳۰ دقیقه بود. پسرده اتوبوس را کنار زدیم و به آنها نگاه کردم، سربازهای خودمان نبودند. اتوبوس ما نایستاد. اما آنها با شلیک گلوله لاستیک اتوبوس را سوراخ کردند. یکی از آنها در را باز کرده، داخل اتوبوس شد و گفت:

همه بیائید پائین. یک نفر که در ردیف جلو نشسته بود، اعتراض کرد. آنها بی درنگ با شلیک یک گلوله به سینه اش او را به قتل رساندند. رفتارشان وحشیانه بود، ما را مجبور کردند که از روی جنازه مسافری که به قتل رسیده بود رد شده پائین را روی سینه اش بگذاریم و پائین بیاییم.

در اتوبوس ما دو نفر سرباز بودند. یک گلوله در کتف یکی از آنها و گلوله دیگری به پای نفر دوم زدند. پاسداری را که با ما مسافرت می کرد با کینه و نفرت زیادی پائین کشیده و بردند. عراقی ها با پاسداری که اسیر می شوند، بسیار وحشیانه و ناجوانمردانه رفتار می کنند. به راستی چرا پاسداران این قدر مورد تنفر امپریالیست ها و رژیم عراق هستند؟

هنگام بازرسی بدنی از جیب یکی از مسافرین اعلامیه ای یافتند که به همین سبب بدون کلامی حرف او را تیرباران کردند (قبلاً نیز

ما به قصد اصفهان، شهر آبادان را ترک کردیم وقتی از "مرد" نقطه ای در حاده آبادان - اهواز گذشتیم، خیالمان نا حدودی راحت شد. فکر می کردیم خطر را پشت سر گذاشته ایم. در همه جا آثار خرابی و جنایت ناشی از جنگ پیدا بود.

با خود فکر می کردم، بین، این همه جنایات یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی عراق از زحمتکشان میهن ما چه می خواهند؟ برای چه اینگونه وحشیانه مدارس، بیمارستان ها، آمبولانس ها و خانه های مردم را بمباران می کنند؟ حتماً آنها برای برقراری دیکتاتوری سیاه دیگری نقشه می کشند. حتماً امپریالیست ها می خواهند به قیمت بدبختی و مرگ میلیون ها تن از هموطنانم یک بار دیگر ما را به بند بکشند...

آیا موفق خواهند شد؟ نه! قدرت زحمتکشان ما و دوستان انقلابیمان بسیار عظیم تر از آن است که این جنایتکاران بار دیگر به آرزوهای شوم خود تحقق بخشند... امپریالیسم دیگر دوران مرگ خود را می گذراند. در دستان توانای زحمتکشان ما، آزادی و استقلال خواهد شکفت. حتماً خواهد شکفت...

افکارم از هم گسست، چند سرباز مجهز به مسلسل

در جیب دو نفر هوادار اعلامیه یافته و تیرباران کرده بودند (و سپس جسدش را به جای نامعلومی بردند. رفتار سربازان رژیم صدام، انسان را به یاد جنایتکاران نازی می اندازد. آنها اوج بی رحمی و شقاوت خود را نسبت به مردم ما نشان می دهند و حتماً این تنها نمونه ای از "آزادی" ای است که بختیار و اویسی و پالیزبان که امروز دست در دست رژیم عراق گذاشته اند، به مردم ما وعده می دهند.

بعد از ما جلوی ماشین های زیادی را گرفتند، چه آنهایی که از اهواز به طرف آبادان حرکت می کردند و چه آنهایی که مسیر عکس را می پیمودند. از مردها می خواستند که اگر چاقو دارند، تحویل دهند. بعد از ۱۵ دقیقه ما را توسط شناورهایی که همراه داشتند، به آن سوی کارون بردند.

قبل از اینکه به سوی اتوبوس ما شلیک کنند، خیال می کردم اشتباه کرده ام و اینها سربازان ایرانی هستند، اما آنها در عرض چند دقیقه ۲ نفر را به قتل رسانده ۲ نفر را مجروح ساخته و یک نفر را با خود برده بودند. برایم دشوار بود باور کنم که ارتش متجاوز عراق تا این حد به آبادان نزدیک شده باشد. آن هم با این همه تجهیزات. بیشتر از ۲۰ تانک و توپ و در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر با سلاح های مختلفی که در دست داشتند، دور ما را گرفته بودند. بعضی از آنها کلاشینکف، بعضی آر پی جی و تعدادی تیربار داشتند یک بولدوزر چند خندق بزرگ کنده بود و تعدادی از عراقی ها در آن مستقر شده بودند. نمی توانستم باور کنم.

نظامیان عراقی تمام و کمال احساس پیروزی می کردند. بعد از مدتی خواستند زنها و مردها را از هم جدا کنند. زنها و بچه های خردسال شروع به گریه و زاری کردند. موقعی که عراقی ها گفتند: "زنها را آزاد می کنیم تا به شهر

خودشان باز گردند، تعدادی از مردها روی هر چیزی که پیدا می کردند، آدرشان را می نوشتند و به ما می دادند تا به خانواده هایشان خبر دهیم. منظره دلخراشی به وجود آمده بود. مردها را دسته دسته کرده و گفتند که سوار کامیون های غیر نظامی شوند روی کامیون ها و جنگ افزارهای نظامی عکس صدام حسین و پرچم عراق نصب شده بود. یک اکیلیت فیلمبرداری نیز با عراقی ها بود که از همه وقایع فیلم تهیه می کرد. ارتشیان مزدور عراقی خوشحال بودند و دستشان را به علامت پیروزی بالا می بردند.

کامیون های حامل اسرا که شروع به حرکت کرد، شلیک سلاح های مختلف عراقی شروع شد و دائماً نیز شدت می گرفت. زنها و بچه ها روی خاک می غلطیدند و حاضر نبودند از آن محل دور شوند. بعد از مدتی ما را به طرف شناورها باز گرداندند. سوار شناورها که

شدیم، ما را توی آب چرخ می دادند و دائماً می خندیدند. بعد از اینکه چند بار ما را سوار و پیاده کردند، آن سوی کارون پیاده شدیم. از این محل تا محل اتوبوس ما را دواندند. بعضی از زنها را کله رانندگی می دانستند پشت چند ماشین نشاندهند و روانه آبادان نمودند...

پس از اینکه از سربازان عراقی فاصله گرفتیم، از رانندگانی که به طرف اهواز می رفتند، می خواستیم باز گردند. در مسیر به چند پاسدار و سرباز رسیدیم و جریان را به آنها گفتیم. آنها اظهار بی اطلاعی کردند و می گفتند "کسی به ما خبر نداده است". شهربانی تا ساعت ۴ بعد از ظهر از جریان اطلاع نداشت! و همه اینها در حالی است که ارتش متجاوز عراق به اندازه یک پادگان تانک، کامیون، نفربر، سلاح سنگین، خمپاره آر پی جی و غیره... وارد خاک ما کرده بود!

### از پیشنهاد کارگران انقلابی کارخانه ناست حمایت کنیم!

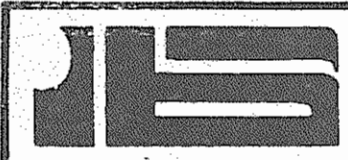
کارگران رزمنده کارخانه تیغ ناست برای جواب گویی به احتیاجات مردم و رفع کمبود تیغ در بازار میزان تولید را افزایش دادند. با وجود این تیغ در بازار هنوز کمیاب بود. آنها در پی علت یابی این مسئله، رد پای محتکران و سرمایه داران، این همدستان داخلی امپریالیسم آمریکا را دیدند. آنان برای حل این مشکل می گویند:

"در شرایط کنونی که یکی از تلاش های ضد انقلاب احتکار کالاهای ضروری است، باید شرکت های تعاونی به کمک شوراهای محله ها توزیع کالاهای مورد نیاز مردم را وسیعاً عملی کنند."

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

شاخه آذربایجان

۴۲ مهر ماه ۱۳۵۹



## شرکت در پیکار مقدس خلق

علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام

## وظیفه هر دانش آموز آگاه و مبارز است

در سیزدهم آبان سال ۱۳۵۷، فرماندهان مزدور شاه به دستور کارشناسان و دیپلمات‌های آمریکایی گشتار دانشگاه تهران را پدید آورده و دانشجویان و دانش‌آموزان بسیاری را به خون کشیدند. از آن پس ۱۳ آبان، شنبه سرخ به پاس جانبازی و فداکاری میلیون‌ها دانش‌آموز زحمتکش و انقلابی ایران "روز دانش‌آموز" نامیده شد.

۱۳ آبان تجلی مبارزات پرشور میلیون‌ها دختر و پسر دانش‌آموزی است که با شرکت گسترده در اعتصابات، تظاهرات خیابانی، سنگربندی و قیام مسلحانه بهمن‌ماه به پیروزی بزرگ خلق، یعنی سرنگونی رژیم منفور پهلوی یاری رساندند. ۱۳ آبان روز تجدید عهد با شهدای بی‌شمار جنبش دانش‌آموزی میهنمان است که با نثار خون خود، در بارور ساختن انقلاب مردم ما نقش شایسته‌ای ایفا نمودند و نمونه درخشانی از عشق به خلق و از جان گذشتگی در راه آرمان‌های والای زحمتکشان به‌نمایش نهادند.

آگاهی در بین مردم بودند. آنها در ارتقا دانش سیاسی توده‌ها، در پخش پیام‌ها اعلامیه‌ها و رهنمودهای رهبران جنبش و سازمان‌های انقلابی، در زیر سر نیزه فرماندهان ارتش مزدور شاه فداکاری بسیاری نشان دادند. در یک کلام دانش‌آموزان میهن با تلاشی انقلابی و با تقدیم شهدای بسیار سهم بزرگی در طول انقلاب از روزهای پیش از قیام بهمن و از قیام تا به امروز برعهده داشته‌اند. آنها امروز نیز در ادامه انقلاب زحمتکشان میهن علیه امپریالیسم آمریکا وظایف سنگینی برعهده دارند. در صدر این وظایف یاری رساندن به پیکار مقدس خلق در دفاع از میهن انقلابی و درهم شکستن تهاجم رژیم جنایتکار عراق قرار دارد. امروز وظیفه مقدس دانش‌آموزان شرکت گسترده و فعالانه در پیکار با رژیم است که مورد حمایت امپریالیسم آمریکا قرار گرفته و جبهه ضدانقلاب جهانی از طریق آن قصد نابودی انقلاب ایران را در سر می‌پروراند. دانش‌آموزان در طول مدتی که جنگ تجاوزگران عراق به میهنمان آغاز گشته است، نشان داده‌اند که این وظیفه را به خوبی شناخته و اکنون با شور انقلابی در صفوف مقاومت خلق شرکت دارند. دانش‌آموزان انقلابی باید

دانش‌آموزان میهن ما در مبارزه عظیمی که مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا و برای تحقق استقلال، کار، مسکن و آزادی انجام می‌دهند، نقش شایسته‌ای را برعهده داشته و دارند. آنها پایه‌ی اوج‌گیری مبارزات توده‌های تحت ستم بر فعالیت و کوشش خود افزودند. اعتصابات گسترده و تظاهرات بزرگ و کوچک خیابانی آنان یکی از علل تعمیق و گسترش مبارزات مردم بود. پس از هر سرکوب خونینی که رژیم شاه به‌قصد درهم کوبیدن جنبش توده‌های به‌راه می‌انداخت، دانش‌آموزان جزو نخستین گروه‌هایی بودند که به خیابان‌ها می‌ریختند و با مشت‌های گره کرده و با فریادهای "مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا" ادامه مبارزه را نوید می‌دادند. هم‌زمان با اعتصابات گسترده و سراسری کارگران قهرمان میهنمان، دانش‌آموزان با شرکت در کمیته‌ها و شوراهای محلی در تقسیم آذوقه و خواروبار فعالانه شرکت کردند. در روزهای بزرگ قیام، دانش‌آموزان در سنگرهای نخستین رزم بودند. آنها با کندن سنگر، ساختن کوکتل و سه راهی و با شرکت مستقیم در نبرد، از ارگان جنبش خلق در پیروزی انقلاب بهمن ماه بودند. دانش‌آموزان پیام‌آوران

توجه داشته باشند که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی نیز در طی این مدت بیکار ننشسته‌اند. آنها پا به پای انواع توطئه‌های گوناگون خود کوشش می‌کنند از شرکت فعال مردم در جنگ جلوگیری کنند. امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی او که از شرکت گسترده دانش‌آموزان در قیام بهمن ماه ضربات سختی خورده‌اند، می‌خواهند این نیروی عظیم و فعال را از شرکت در مبارزه بازدارند و با دامن زدن به تضادهای فرعی نیروهای آنها را به هرز بردن. گروه‌هایی که واقعیات زندگی و رشکستگی تئوری‌های سراپایی‌آسایش را به اثبات رسانده نیز در این مورد یار و یاور امپریالیسم شده‌اند. آنها بدون آنکه به منافع توده‌ها، به سرنوشت خلق و پیکار عظیم آن بیندیشند، تنها برای نجات تئوری‌های درهم برهمشان، کوشش دارند دانش‌آموزان میهن ما را از شرکت در این پیکار عادلانه بازدارند. آنها با دامن زدن به اختلافات فرعی، با همصدا شدن با شایعه‌پراکنی‌های ضدانقلاب با تضعیف روحیه دانش‌آموزان، با طرح سئوالات و نظرات انحرافی همچون "برای چه بجنگیم؟" "ما مبارزه کنیم تا حکومت ضد خلقی (!) پیروز شود؟" "باید این جنگ ارتجاعی را محکوم کنیم"، "باید از مردم بخواهیم که از شرکت در جنگ خودداری کنند"، و حتی "باید جنگ را به جنگ بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم" و ... عملاً همان را می‌گویند که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی می‌گوید. آنان زیرپوشش لفاظی‌های به‌ظاهر انقلابی، دانش‌آموزان را به تسلیم و انفعال دعوت می‌کنند. اما هرگاه فکر کنیم که امروز سرنوشت یک خلق مطرح است هرگاه فکر کنیم که امروز خلق ما با جبهه ضدانقلاب جهانی می‌ستیزد و این در واقع جنگی است بین انقلاب و ضد انقلاب در

این جنگ تاریخی زحمتکشان سراسر جهان چشم به ما دوخته‌اند، هرگاه فکر کنیم که جلادانی چون ازهاری و اوپسی و هزاران ضدانقلابی فراری دیگر منتظرند تا خلق ما به‌زانو درآید تا به میهن ما یورش آورده و دیکتاتوری سیاه دیگری را به زحمتکشان ایران اعمال کنند، آنگاه در می‌یابیم که برای چه می‌جنگیم. در می‌یابیم که چرا امروز دفاع از میهن انقلابی وظیفه مقدس ماست، در می‌یابیم که علیرغم همه این موانع و اشکال‌تراشی‌ها باید پیگیرانه و تا پای جان به مبارزه برخاست! باید تجاوز امپریالیسم آمریکا را که امروز از کانال رژیم عراق صورت گرفته، درهم کوبید. درست‌به‌همین دلایل است که دانش‌آموزان میهن نیز باید ضمن شرکت در این پیکار مقدس:

۱- برای تحکیم صفوف خود کوشش کنند:

امروز بیش از هر زمان دیگری ضروری است که وحدت صفوف خود را تحکیم بخشیم، برای پیروزی در جنگ تحمیلی دشمن، باید که خلق چون تنی واحد پیکار کند، دانش‌آموزان انقلابی همانگونه که دست در دست هم حماسه ۱۳ آبان را آفریدند و در انقلاب بهمن نقش تاریخی خود را ایفا کردند، این بار نیز، باید بر اختلافاتی که جز تضعیف مبارزه مشترک علییه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار عراق نمی‌کنند، با نیروهای می‌کوشند، مبارزان راه رهایی خلق را در مقابل هم قرار دهند، مقابله کرده، شایعات ضدانقلابی آنان را خنثی کنند و بکوشند وحدتی را که از میان سنگرهای مقاومت و از درون خون‌های پاک به زمین ریخته، جوانه می‌زند پاس دارند و آن را تحکیم بخشند.

۲- در ارگان‌ها و نهادهای ضد امپریالیستی و انقلابی شرکت کرده و فعالانه با آنها همکاری کنند:

پیکار در صفوف مقدم و در پشت جبهه هر دو از اهمیت بسیاری برخوردار است. در صفوف مقدم جبهه باید با همکاری با نیروهای سیاسی، سپاه پاسداران،

پرسنل انقلابی و در پشت جبهه با شرکت در ارگان‌هایی همچون بسیج مستضعفین، جهاد سازندگی، اکیپ‌های امداد و ... انقلاب مردم میهنمان را قدرت بیشتری بخشیم. امروز باید با دست دست بجنگیم و با دست دیگر بسازیم!

۳- فنون و آموزش‌های نظامی را برای مقابله با تهاجم دشمن فراگیرند:

دانش‌آموزان باید با فراگرفتن شیوه‌های مختلف مقاومت و آگاه شدن بر تجربیات مبارزاتی خلق‌هایی که سالها با امپریالیسم پیکار کرده‌اند، خود را آماده مقابله با تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدینش سازند. به دشمن بگوییم که در مقابل تهاجم نظامی، همانگونه که امروز زحمتکشان قهرمان جنوب عمل می‌کنند، شهرمان، مدرسه‌مان و خانه‌مان سنگری خواهد بود برای دفاع از انقلاب.

۴- در کمیته‌ها و شوراهای محل شرکت کنند:

امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق پایبند برافروختن آتش جنگ تجاوزگرانه در مناطق جنوب و جنوب‌غربی میهنمان، کوشش دارند که با تحمیل انواع فشارها، فلج کردن اقتصاد و تولید، ایجاد قحطی و ... اراده مردم ما را درهم شکسته و خلق ما را به‌زانو درآورند. شرکت فعالانه در شوراهای انجمن‌های محله‌ها که برای غلبه قحطی و گرانی و کمبود و توزیع مواد ضروری زندگی مردم پدید آمده، وظیفه هر دانش‌آموز انقلابی است. کمک در جهت توزیع عادلانه مواد ضروری زندگی، کالاهای مصرف کمتر و ... گامی است در جهت تعمیق انقلاب و مبارزه برعلیه امپریالیسم آمریکا. بگذار دشمنان بدانند که دانش‌آموزان میهن ما مصممند تا برادران کارگر و زحمتکشان را در این پیکار پیروزمند یاری رسانند تا انتقام خون دانش‌آموزان قهرمانی را که در سنگرهای مقاومت شهید می‌شوند، کودکائی را که در کودکان‌ها و دبستان‌ها طعمه بمب‌های جنایتکاران عراقی می‌شوند و مردمی را که می‌میرند، اما تسلیم نمی‌شوند، از دشمن خونخوار بازگیرند!

## ما با امپریالیسم امریکا در جنگیم

برای کاهش بحران و فرار از مرگ محتوم خود ، به اقتصاد میلیتاریستی ، به مسابقه بی سابقه تسلیحاتی ، به تبلیغات عوامفریبانه علیه اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای ترقیخواه جهان و به سر اقدام جنایتکارانه‌ای که از شدت و حدت بحران سرمایه‌داری ولو برای چند صباحی بکاهد ، متشبث می‌شود .

امروز این دراکولای پیر و نفرت‌انگیز برای مقابله با تشدید فزاینده بحران‌های درونی خود ناچار است صنایع نظامی خویش را گسترش دهد ، در جهان کانون‌های جنگ و تشنج بیافریند و وضعی را پدید آورد که بر زمینه آن قادر شود با فروش جنگ‌افزارهای مدرن ، همچنان برای حفظ حیات خود خون صدها میلیون زحمتکش جهان را ببلعد . از همین رو است که می‌بینیم برخلاف تصور کسانی که خیال می‌کنند می‌شود امپریالیسم را نصیحت کرد تا دست از تجاوز ، غارت و توطئه علیه دولت‌های ترقیخواه و مستقل بردارد و برخلاف ادعای همه محافلی که برخی دانسته و برخی ندانسته روابط " معقول " و " دوستی متقابل " با امپریالیسم را تبلیغ می‌کنند ، برخلاف ادعای لیبرال‌ها که بی‌شرمانه می‌گویند امپریالیسم با ما در جنگ نیست ، امپریالیسم برای ادامه حیات خود مجبور است به هر نحوی که شده به جنگ علیه جنبش‌های آزادیبخش جهان ، به تلاش برای سرنگونی دولت‌های ملی و مستقل جهان که منافع حیاتی امپریالیسم را در خطر نابودی قرار داده و می‌دهند ، با همه قدرت خود ادامه دهد ، علیه اردوگاه سوسیالیسم و رشد خارق‌العاده معنوی و مادی آن بستیزد ، بازار فروش جنگ‌افزارهای مدرن و گرانقیمت را داغ نگهدارد ، کانون‌های تشنج در جهان ایجاد کند و با همدستی دولت‌ها و محافل ارتجاعی ، ضدزمدمی و وابسته جهان علیه دولت‌های ترقیخواه ، ملل آزاد شده و جنبش‌های ترقیخواه جهان با شعارهای ملیت پرستانه ، نژادپرستانه شوونیستی ، تجزیه‌طلبانه و غیره ، جنگ تجاوزکارانه براه اندازد .

وقتی با توجه به این واقعیات جهان معاصر به تحولات جاری بنگریم ، درمی‌یابیم که چرا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا بر دامنه تجاوزات و توطئه‌های جنایتکارانه علیه دولت‌های ترقیخواه و ملل جهان افزوده است و در می‌یابیم که چرا امپریالیسم در ترکیه دست‌راستی‌ترین و ارتجاعی‌ترین محافل نظامی را به قدرت می‌رساند . رژیم سرسپرده ضیاءالحق را همچنان علیه انقلاب افغانستان تجهیز می‌کند رژیم ارتجاعی سومالی را به تجاوز علیه اتیوپی انقلابی و رژیم قاشیستی و نژادپرست آفریقای جنوبی را به جنگ علیه انگولای انقلابی برمی‌انگیزد ، یونان را دوباره به پیمان ناتو باز می‌گرداند ، صهیونیست‌ها را به تشدید خشونت و تهاجم علیه خلق فلسطین تشویق می‌کند ، با همدستی رژیم سرسپرده تایلند نیروهای ارتجاعی و مزدور را علیه دولت انقلابی کامبوج بسیج می‌کند ، رهبران شوونیست چین را که به منافع سوسیالیسم خیانت کرده‌اند ، به ادامه تجاوز علیه وینتام قهرمان فرا می‌خواند ، در امریکای لاتین پی‌درپی کودتاهای نظامی به راه می‌اندازد علیه تلاش‌های صلح‌طلبانه اردوگاه سوسیالیسم به شدت و با تبلیغات عوامفریبانه به مقابله برمی‌خیزد ، با شعار دفاع از منافع حیاتی امریکا و جهان غرب ناوگان‌های جنگی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس متمرکز می‌سازد ، سپاه واکنش سریع تشکیل می‌دهد و به خاورمیانه اعزام می‌دارد .

بقیه در صفحه ۱۳

سلطه و به برکت مرگ تدریجی ، فقر دردناک بیماری ، بی‌سوادی و درد و رنج و حرمان صدها میلیون نفر از خواهران و برادران زحمتکش ما در آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین ، می‌توانست از رشد سریع تضادهای ذاتی خود بکاهد و رشد سرمایه را کم و بیش در حد مطلوب نگهدارد ، اگر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در دهه گذشته با غارت و استثمار زحمتکش وینتامی ، سیاه ستمش آفریقای و کارگر و دهقان ایرانی و افغانی و غیره همچنان سیادت خویش را امری جاودانه جلوه‌گر می‌ساخت و در صحنه‌های اقتصادی ، سیاسی و نظامی هنوز تا اندازه‌ای یکه‌تازی می‌کرد ، امروز به برکت رشد فزاینده سوسیالیسم در عرصه گیتی ، و به موهبت پیکار تاریخساز کارگران و زحمتکش وینتامی ، اتیوپیایی ، انگولایی ، افغانی ، ایرانی و ... و به خاطر شدت یابی تضادها و بحران‌های ذاتی خود ، بسی فرتوت‌تر و پوسیده‌تر از آن شده است که بتواند از سرعت تلاشی خود کاهد . اردوگاه سوسیالیسم در همه عرصه‌های اقتصادی ، ایدئولوژیک ، سیاسی و علمی و فنی امپریالیسم جهانی را عقب زده است . حقانیت تاریخی سوسیالیسم بر صدها میلیون زحمتکش جهان سرمایه‌داری آشکارتر شده و هر روز توده‌های وسیع‌تری به آن جلب می‌شوند . صدها میلیون انسان تحت ستم در همین دو دهه اخیر یوغ امپریالیسم را از گرده خویش فرو افکنده‌اند و هر سال سرزمین‌های جدیدی از یوغ امپریالیسم آزاد می‌شوند و هم‌اکنون در راستای این تحولات عظیم ، صدها میلیون انسان تحت ستم آسیایی ، آفریقای و آمریکائی به صحنه پیکار تاریخساز آمده‌اند تا بر تلاشی نظام‌های کهنه و ارتجاعی آزادی خویش را جشن گیرند .

امپریالیسم بر دامنه تجاوزات و توطئه‌های خود می‌افزاید .

پس عجب نیست اگر سرمایه‌داری جهانی در سراشیب زوال خود ، با بیکاری دهها میلیون کارگر ، با تورم و گرانی سرسام‌آور ، با ورشکستگی انحصارات عظیم صنعتی با بحران بزرگ پولی و مالی ، با دزدی ، رشوه‌خواری ، آدمکشی ، فحشا و اعتیاد ، با تلاش مذبوحانه محافل امپریالیستی برای جنگ‌افروزی و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان و با عظیم‌ترین ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیک دوران حیات خویش رو به رو باشد .

همچنان که رشد سریع سوسیالیسم ، سرمایه‌داری جهانی را در عرصه گیتی با شکست‌های پیاپی و عظیم‌تر اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک روبرو می‌سازد ، همچنان که مبارزات درخشان زحمتکش جهان ، رژیم‌های سرسپرده رایکی پس از دیگری به گورستان تاریخ می‌سپرد و خلق‌های دربند یکی پس از دیگری آزاد می‌شوند ، بحران در جهان سرمایه‌داری و جامعه و اقتصادی که متعلق به سرکرده همه تجاوزگران و غارتگران جهان امپریالیسم امریکا است ، شدت و حدت بیشتری می‌یابد و امپریالیسم در تلاش

چهل روز از تهاجم گسترده ارتش متجاوز عراق علیه ایران می‌گذرد ! در جبهه‌های به طول ۷۰۰ کیلومتر جنگ ادامه دارد . از سرزمین داغ خوزستان تا دره‌ها و کوهپایه‌های سرد کردستان ، همه‌جا در آتش جنگی که به دست رژیم عراق و با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و همه سرسپردگان آن در منطقه در گرفته ، می‌سوزد .

تا امروز ، هزاران کشته و زخمی ، دهها هزار خانواده بی‌خانمان ، تخریب صنایع نفت و بندرگاه‌ها ، تخریب هزاران خانه و ساختمان و غیره و حتی تخریب بیمارستان‌ها و مدارس ثمره این جنگ نفرت‌انگیز تحمیلی بوده است .

همراه با همه مصائب و رنج‌های این جنگ ، پرشکوه‌ترین حماسه مقاومت کارگران و زحمتکشان وجوانان پر شور انقلابی ایران و دلاورانه‌ترین پایداری پاسداران و فدائیان ، پرسنل انقلابی و سربازان ، امید امپریالیسم امریکا ، تجاوزگران و همه رژیم‌های مرتجع منطقه و ضدانقلاب داخلی را ناامید ساخته و شورانگیزترین پیکار مسلحانه توده‌های خلق ما را علیه امپریالیسم امریکا و متحدان آن به نمایش گذاشته است . صدها هزار زحمتکش مناطق درگیر و میلیون‌ها زحمتکش سراسر ایران همه نیروی خود را برای درهم شکستن تجاوز بسیج کرده‌اند خون مردم مبارز و زحمتکش سراسر میهن ما ، از هر مذهب ، عقیده و مسلکی ، از هر ملیتی و از هر نقطه سرزمین ایران ، در سنگرهای مقاومت غرب و جنوب ایران بار دیگر درهم می‌آمیزد تا استقلال میهن و شرف انقلابی خلق کبیرمان پاسداری شود و انقلاب که همه امپریالیست‌ها و مرتجعان جهان مذبوحانه به نابودیش کمر بسته‌اند در تداوم خود در تمامی کوه‌ها ، دره‌ها و دشت‌های ایران همچنان جریان یابد .

امپریالیسم فرتوت‌تر از همیشه در سراشیب زوال

حتی جیمی کارتر و رونالد ریگان ، این جهان‌سردمداران امپریالیسم نیز در جریان مبارزات انتخاباتی‌شان اعتراف می‌کنند که اقبال امپریالیسم امریکا رو به افول است . آنها نیز نمی‌توانند به‌رغم تبلیغات عوامفریبانه‌شان این واقعیت را از انظار میلیاردها مردم جهان پنهان دارند که در دهه گذشته اقتصاد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا مدام در وضعیت بحران و رکود سیر کرده و روند رشد اقتصادی امپریالیسم مدام سیر نزولی می‌پیماید . به برکت رشد حیرت‌انگیز اردوگاه سوسیالیسم و مبارزات درخشان خلق‌های زیر ستم و کارگران کشورهای امپریالیستی در دو دهه گذشته ، امپریالیسم جهانی در صحنه‌های اقتصادی ، ایدئولوژیک و سیاسی جهان شکست‌های مرگباری متحمل شده و سال به سال حتی اگر درست‌تر بگوئیم ، لحظه به لحظه از مواضع خود عقب‌رانده می‌شود .

اگر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی با غارت و استثمار وحشیانه مردم سرزمین‌های زیر

## بسیج مسلحانه توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست



بقیه از صفحه ۱۲

## ما با امپریالیسم

● چرا امپریالیسم از کانال رژیم صدام علیه ما می‌جنگد؟

آری وقتی با توجه به این واقعیت‌های جهان معاصر، به تحولات جاری بنگریم، در می‌یابیم که چرا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، عراق را به تهاجم جنایتکارانه علیه انقلاب ایران برمی‌انگیزد، عربستان سعودی، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، اردن و مصر و دیگر رژیم‌های مرتجع منطقه را به پشت جبهه رژیم تجاوزگر عراق بدل می‌کند و ...

درست با توجه به همه این واقعیات است که هم‌اکنون نه فقط با رژیم عراق بلکه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با رژیم‌های سرسپرده به امپریالیسم و نیز با رژیم ارتجاعی صدام و در یک کلام با جبهه ضدانقلاب جهانی در جنگیم

به نظر می‌رسد که پس از تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه خلق قهرمان ویتنام که وسیع‌ترین خشم و نفرت مردم جهان را علیه امپریالیسم برانگیخت و در درون آمریکا نیز امپریالیسم با مخالفت‌های وسیع مردم علیه نقش ژاندارمی آمریکا در جهان و علیه دخالت آمریکا در امور داخلی کشورهای دیگر روبرو گشت، اینک دولت آمریکا می‌کوشد حتی الامکان جنگ علیه دولت‌های ملی و ترقیخواه جهان و علیه جنبش‌های آزادیبخش جهان را از کانال دولت‌های ضد مردمی و ارتجاعی به پیش‌راند، چرا که با این سیاست هم هزینه جنگ، یعنی هزینه دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا به گزیده زحمتکشان سرزمین‌های زیر سلطه دولت‌های ارتجاعی و وابسته می‌گذارد و هم از عوارض سیاسی دخالت مستقیم که خشم جهانیان و خشم کارگران، زحمتکشان و روشنفکران کشورهای امپریالیستی را به شدت علیه امپریالیسم برمی‌انگیزد، مصون می‌ماند. و مهم‌تر از همه امپریالیسم آمریکا امیدوار است با این شیوه فرصت یابد شور و احساسات ضد امپریالیستی زحمتکشان جهان را که باید در اتحاد هر چه بیشتر با هم و علیه امپریالیسم آمریکا بسیج شود به ناسیونالیسم کور و دشمنی میان خلق‌های جهان بدل سازد و افکار عمومی جهان را با اعلام "بی‌طرفی" و حتی در صورت لزوم با محکوم کردن جنگ یفریبد.

استراتژی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قطعاً سرنگونی رژیم ضد امپریالیست جمهوری اسلامی ایران است اما با توجه به همه واقعیات فوق می‌توان دریافت که چرا امپریالیسم آمریکا از کانال رژیم صدام حسین جنگ تجاوزکارانه علیه انقلاب ایران را وسعت و شدت بخشیده است. طراحان استراتژی امپریالیسم آمریکا به خوبی می‌دانند که دخالت مستقیم در ایران از یک سو برای آنان ویتنام دیگری در پی خواهد داشت و از سوی دیگر اعتراضات وسیع اردوگاه سوسیالیسم، دولت‌های ترقیخواه و زحمتکشان جهان سرمایه‌داری را به دنبال خواهد داشت. شور و احساسات ضد امپریالیستی توده‌های میلیونی ایران و آمادگی مبارزه علیه امپریالیسم به حدی است که بدون

تردید هرگونه دخالت مستقیم نظامی در ایران، منافع امپریالیسم را در تمام منطقه به خطر خواهد انداخت، بنابراین بهترین راه برای امپریالیسم آمریکا دخالت غیرمستقیم نظامی در ایران است.

چنین دخالتی از یک سو همان هدف عاجل سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی را که امپریالیسم در سر دارد، دنبال می‌کند، از سوی امپریالیسم جهانی به کمک رسانه‌های گروهی خود به ویژه به کمک برنامه‌های فارسی رادیوهای متعدد تبلیغاتی خویش، هماهنگ و همصدا با لیبرال‌های ایران و برخی محافظل ارتش، فرصت می‌یابد در جهت تغییر و تبدیل شور و احساسات ضد امپریالیستی توده‌های ایران و منطقه به احساسات ناسیونالیستی کور، به تمایلات تجزیه‌طلبانه و به دشمنی میان زحمتکشان عرب، فارس و کرد تبلیغ کند که اگر در این راه به موفقیت نسبی نیز نایل آید، باز هم باید آن را بزرگترین موفقیت برای امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه دانست.

این بزرگترین موفقیت برای امپریالیسم آمریکاست که رژیم جنایتکار صدام با موشک‌های نیرومند زمین به زمین محله‌های مسکونی شهر دزفول را بر سر ساکنین زحمتکش آن خراب کند تعداد زیادی را شهید و زخمی کند و چنان خشمی در زحمتکشان داغ‌دیده برانگیزد که برخی از آنها خواهان مقابله به مثل و تخریب شهرهای عراق شوند و خشمگینانه فریاد برآورند: "بني صدر، بني صدر موشک‌جواب موشک" و برخی از سیاستمداران نیز به جای آنکه به مردم توضیح دهند که این دسیسه امپریالیسم آمریکا است که می‌خواهد وحدت ضد امپریالیستی زحمتکشان منطقه را به کینه و دشمنی میان آنان بدل کند به جای آن که بگویند زحمتکشان عراق در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام با ما متحدند، به کینه و دشمنی میان خلق‌های ایران و عراق و به ناسیونالیسم کور دامن می‌زنند.

● تلاش امپریالیسم برای تضعیف پیکار توده‌ای و تقویت ارتش کلاسیک

از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا به این می‌اندیشد که اگر دخالت عراق نتواند رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازد - که هم اینک کم و بیش به همین نتیجه رسیده است - با پیشنهاد فروش جنگ‌افزار و وسایل یدکی به ایران از گسترش نقش سازمان‌های مسلح توده‌ای که از آن به شدت می‌ترسد، جلوگیری کند و با فروش اسلحه به ایران وابستگی نظامی ایران ادامه یابد و نقش فرماندهان و کارشناسان نظامی نزدیک به امپریالیسم که آموزش‌های لازم را برای استفاده از سلاح‌های پیشرفته آمریکائی و رهبری جنگ‌های کلاسیک را در آمریکا، عمان و ویتنام دیده‌اند افزایش یابد و به تدریج با کسب محبوبیت برای فرماندهان نظامی نزدیک به آمریکا و لیبرال‌ها و با هرچه وابسته کردن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به جنگ‌افزار و وسایل یدکی ساخت آمریکا و دیگر ممالک امپریالیستی از نقش زحمتکشان، پاسداران و سایر نیروهای انقلابی خلق در دفاع از استقلال ایران بکاهد و از توده‌های شدن مبارزات مسلحانه که مهمترین شرط پیروزی علیه تجاوزات امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه است، جلوگیری کند و به تدریج از یک سو با اصولی و درست جلوه دادن سیاست‌های لیبرال‌ها

و دیگر محافظل مورد حمایت امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر با تقویت نقش فرماندهان نزدیک به آمریکا در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی زمینه تضعیف نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی و در غایت طرد آنان را فراهم سازد. روزنامه‌های میزان و کیهان همصدا با تبلیغات رادیوها و مطبوعات امپریالیستی هم‌اکنون رندانه این سیاست را به پیش می‌برند. از این گذشته امپریالیسم امیدوار است با این سیاست جدید، فرصت یابد نقش یک ناظر به اصطلاح "بی‌طرف" را بازی کند، به طرفین جنگ از کانال‌های مستقیم و غیر مستقیم میلیاردها دلار سلاح بفروشد، کشورهای منطقه را به پیمان‌های تجاوزکارانه نظامی بکشاند و با تخریب صنایع طرفین درگیر در جنگ، میلیاردها دلار لوازم و وسایل لازم برای بازسازی و تعمیر تاسیسات نفتی و سایر صنایع این کشورها به فروش رساند و در لحظه معین بسته به تحولاتی که در وضع جنگ و یا در وضعیت داخلی هر یک از این کشورها در اثر جنگ پیش می‌آید سیاست خود را در قبال هر یک از طرفین جنگ تغییر دهد و اگر برای "دفاع از منافع حیاتی آمریکا" ضروری تشخیص داد، مستقیماً در جنگ دخالت کند.

● امپریالیسم در دو چهره با انقلاب می‌جنگد. ماجرای "فانتوم آمریکائی" و "میگ‌های روسی"

اگر رژیم ارتجاعی صدام فرصت می‌یافت در نخستین روزهای حملات به اصطلاح "برق‌آسی" خود با حمایت ضدانقلاب داخلی و بدون روبرو شدن با مقاومت فشرده و سرسختانه توده‌ای که در این حد انتظارش را نداشت، حکومت جمهوری اسلامی را سرنگون سازد، بی‌تردید مورد حمایت رسمی و آشکار امپریالیسم آمریکا و همه رژیم‌های مرتجع منطقه قرار می‌گرفت و حکومت ضدانقلابی جدید از جانب آنان به رسمیت شناخته می‌شد. اما حالا که به رغم آرزوی محافظل امپریالیستی و ارتجاع منطقه چنین نشده، امپریالیسم آمریکا همچنان می‌تواند به مانورهای سیاسی و نظامی و به سیاست دودوزه‌بازی خویش ادامه دهد.

آری. هم‌اکنون دست امپریالیسم آمریکا برای آنکه در منطقه و در قبال ایران به سیاست دودوزه‌بازی ادامه دهد، باز است و این از مزایای سیاست رندانه جدیدی است که ورزیده‌ترین کارشناسان امپریالیسم در سیا، پنتاگون و کاخ سفید تدارک دیده و براساس آن دخالت غیر مستقیم در ایران را برگزیده‌اند. نکته ظریف دیگری که در اینجا باید بدان اشاره کنیم، بهره‌برداری رندانه امپریالیسم و ارتجاع منطقه از آمریکائی بودن جنگ‌افزارهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مجهز بودن ارتش عراق به تسلیحات ساخت اتحاد شوروی است. امپریالیسم آمریکا و لیبرال‌های مورد حمایت آن و طرفداران نظریه ارتجاعی سه‌جهان برای این ویژگی نیز حساب باز کرده‌اند. آنها می‌کوشند این واقعیت که عراق در سال‌های گذشته رژیم ضد امپریالیستی داشت و دارای روابط نزدیکی با اتحاد شوروی بود و ارتش آن در آن زمان عمدتاً به سلاح‌های ساخت شوروی مجهز شد، را از مردم ایران بیپوشانند و نیسز می‌کوشند این حقیقت را که ارتش ما در اوج قدرت شاه خائن به بهای فقر میلیون‌ها هموطن ما برای ایفای نقش ژاندارمی منطقه به

بقیه در صفحه ۱۸

مردم میهن ما قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

## از یادداشت های فدائیان خلق

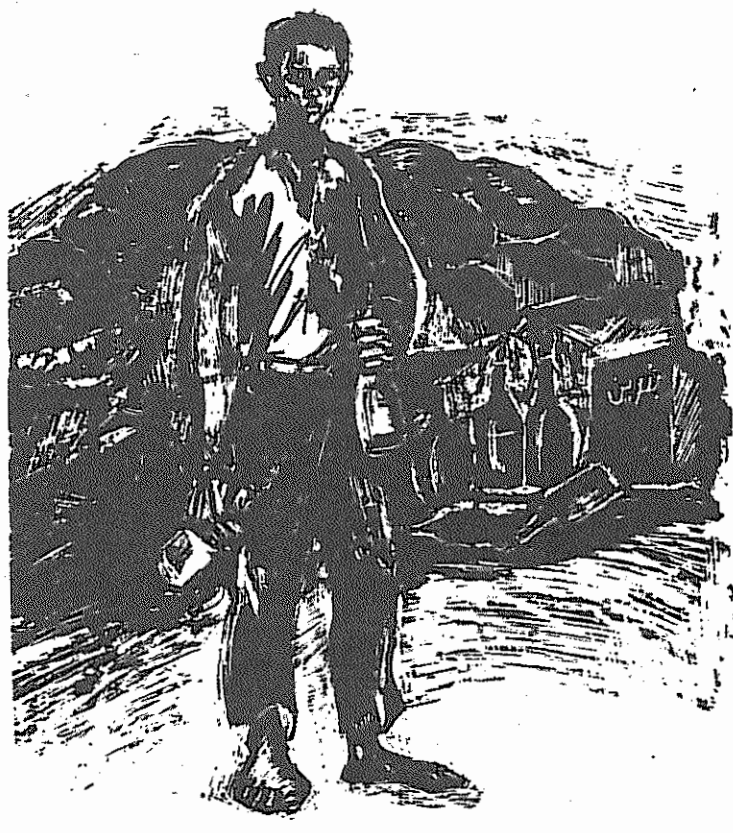
### امپریالیسم محتضر بر دیوار محال شاخ می کوبد

خوزستان : شوستر ، بهبهان  
مسجد سلیمان آغا جاری ،  
ملائانی متمرکز شده اند .  
مسجد سلیمان :

شهر چند بار بمباران شده  
است . بمباران محله فقیر  
نشین " پشت برج " موجی از  
خشم و نفرت در میان مردم  
مسجد سلیمان به وجود  
می آورد . هواداران سازمان  
در اعلامیه ای از این بمباران  
به عنوان " گوشه ای از  
جنایات امپریالیسم آمریکا ،  
رژیم فاشیستی عراق ،  
بختیار و طرفداران وی " یاد  
می کنند . در این اعلامیه  
رفقا شدیداً علیه اقدامات  
وابستگان محلی شاهپور  
بختیار و فعالیت های مشکوک  
عناصر لیبرال هشدار دادند  
فعالیت رفقای هوادار سازمان  
و اطلاعیه هایی که در رابطه با  
مسائل جنگ پخش می کنند ،  
نقش مهمی در تقویت روحیه  
مردم شهر و افشای ستون  
پنجم دشمن ایفا می کند .

خرمشهر :  
۲۲ مهرماه

آتش توپخانه عراقی ها  
شدیدتر شده است . ولی  
روحیه مدافعین شهر نیز رو به  
افزایش است . مرگ در اینجا  
کاملاً تحقیر شده است خبر  
رسید که در اطراف شادگان  
عراق نیروی زیادی را از  
طریق پل شناور وارد منطقه  
نموده است و عده زیادی  
غیرنظامی را به گروگان  
گرفته اند . برخی از شیوخ  
منطقه کماکان نقش ستون  
پنجم عراق را بازی می کنند .  
به رفقا دستور داده می شود  
که شدیداً مواظب جاسوسان  
باشند . مردم شهر همچنان  
مستاقانه منتظرند تا همگی  
مسلح شوند . پاسداران ،  
مردم و هواداران سازمان که  
از جبهه برمی گردند ، همگی  
از سنگینی آتش توپخانه و  
زرهی ارتش جنایتکار عراق  
و از مشکلات و نارسائی های  
نیروهای خودی سخن  
می گویند . آنها شجاعانه با  
اسلحه سبک و نهایت  
آر پی جی به قلب  
نیروهای دشمن می تازند .  
لیکن بیش از هر چیز به  
سلاح سنگین احتیاج است .



پل اصلی شهر پیشروی کرده  
بود ، با یورش حماسه آفرین  
مدافعین شهر مواجه می شود .  
حماسه پاسداران ، پرسنل  
انقلابی ، مردم و هواداران  
جان بر کف سازمان که همگی  
با عشق به استقلال و رهائی  
میهن بی پاک و شجاعانه به  
قلب دشمن می زنند از  
اینجا آغاز می شود . خرمشهر  
واقعا " خونین شهر " شده  
است . خرمشهر در  
جویبارهای خود ، خون  
عاشقانه دلوران خلق را  
شاهد است .

۲۷ مهرماه

امروز نیز خرمشهر  
موشک باران می شود . آتش  
گلوله های توپخانه که از سوی  
مزدوران عراقی بر شهر  
می بارد ، حتی تعویض کردن  
سنگرها را نیز دچار مشکل  
ساخته است . مسجد جامع  
نیز زیر آتش قرار می گیرد .  
اینجا مرکز تدارکاتی و  
فعالترین مرکز کمرسانی  
است .

امروز همچنین یکی از  
رفقای تشکیلات سازمان در  
خرمشهر ، رفیق قاسم . . .  
که از اولین روزهای جنگ  
شجاعانه به دفاع از استقلال  
میهن و انقلاب برخاسته  
بود ، به شهادت می رسد .  
یادش در قلبمان جاودانه  
خواهد ماند . او با ایمان به  
کارگران و زحمتکشان میهنش  
و با عشق عمیق به  
سازمانش به شهادت رسید .

۲۸ مهرماه

گمرک ، جاده کمربندی ،

رفقای خرمشهر برای سازمان  
نوشته اند :

" رفقا ! هرکاری که  
می توانید بکنید . با  
دولت ، با امام ، با سپاه  
تماس بگیرید . خرمشهر و  
آبادان حیثیت ایران  
هستند . دفاع از این  
شهرها احتیاج به سلاح  
سنگین دارد . این فریاد  
مدافعین شهر است :  
" سلاح سنگین ! "

۲۳ مهرماه

کمبود دارو و وسائل  
پزشکی کاملاً به چشم می خورد  
بعضی از مجروحینی که  
جراحات سطحی برداشته اند  
پس از چند روز به شهادت  
رسیده اند . نیروهای بسیج ،  
مردم و هواداران سازمان  
به منظور مقابله با پیشروی  
عراقی ها همچنان به خرمشهر  
عزیمت می کنند .

۲۴ مهرماه

جنگ ، خیابان به خیابان  
و کوچه به کوچه ادامه دارد .  
در حالی که خرمشهر به مثابه  
دژ پایداری همچنان می رزمند  
بلندگوهای امپریالیسم ،  
بی بی سی ، صدای آمریکا  
و . . . همصدا با رژیم  
فاشیستی عراق مرتباً خبر  
اشغال شهر را اعلام می کنند  
خشم مردم قهرمان مدافع  
شهر از دروغ پردازی های  
خائنانه امپریالیسم  
دوچندان می گردد .

۲۶ مهرماه  
ارتش متجاوز عراق که تا

امپریالیسم فرتوت به عیث می گوشت یوغ هزاران ساله  
بردگی و بندگی را دیگر بار بر گردن زحمتکشان  
میهنمان زند .  
ضدانقلاب جهانی طبل شوم مرگ و ویرانی را به صدا  
در آورده است .

رژیم جنایتکار صدام در اندیشه تباهی و نیستی  
" انقلاب " بر آنچه در آن نشانی از کار و زحمت است ،  
بر آنچه در آن نشانی از زیبایی و زندگی است ،  
جنایتکارانه یورش برده است .

ضدانقلاب داخلی ، لیبرال های خائن ، آغوش باز  
کرده ، ژانژخانی آغاز نهاده اند . و تهیدستان ،  
کارگران و زحمتکشان ، پاسداران و فدائیان ، سربازان  
و رزمندگان راه استقلال و آزادی در دفاع از انقلاب ،  
در دفاع از آنچه که با خون و در خون به چنگ آمده ،  
سنگر به سنگر ، خانه به خانه ، نخل به نخل ، صخره  
به صخره به نبرد مرگ و زندگی برخاسته اند .  
آبادان قلب کارگری ایران و خرمشهر ، شهر خونین  
کارگران بندر ، شهر زحمتکشان خلق عرب همچنان  
می رزمند .

آبادان اکنون در قلب هر کارگر و خرمشهر اکنون در  
قلب هر زحمتکش و دیگر قهرمانشهرهایمان در سینه هر  
مادر و خواهر رنج دیده می تپد .  
نبرد عادلانه مان تا شکست اشغالگران ادامه خواهد  
یافت .

۲۳ مهرماه

شوش

۲۲ مهرماه ۱۳۵۹

امروز دو تن از رفقای  
فعال و پرکار تشکیلات اهواز  
در نزدیکی پل نادری بر اثر  
اصابت گلوله توپ به  
شهادت می رسند . رفقا  
عبدالحسین شادمهر  
دانش آموز ۱۷ ساله و رفیق  
رحمت اله اسفندیاری پور از  
رفقای مبارز و جان بر کف  
سازمان بودند .

یادشان گرمای باد .

۳۰ مهرماه

در جبهه نورد ، نیروهای  
ارتش به همراه افراد بسیج و  
هواداران سازمان به طرف  
پاسگاه حمید پیشروی  
می کنند و با موفقیت نیروهای  
عراقی را عقب می رانند .

شادگان :

۲۱ مهرماه

هزاران نفر از مهاجرین  
شهرهای مختلف در این شهر  
ویرانه گرد آمده اند و جمعیت  
شهر به چندین برابر افزایش  
یافته است . خشم و نفرت از  
جنایت های رژیم عراق در  
همه جا موج می زند . علاوه بر  
شادگان مهاجرین در بسیاری  
از شهرهای شمالی و شرقی

امروز کرخه خروشان و زیبا  
شاهد دلآوری های بی شماری  
بود . افراد جان بر کف سپاه  
بسیج ، پرسنل انقلابی ارتش  
و مردم مسلح ۱۵ کیلومتر  
عراقی ها را عقب راندند .  
پایگاه وحدتی - شوش ،  
دزفول و اندیمشک همچنان  
زیر آتش توپخانه عراق قرار  
دارد .

اهواز :

۲۳ مهرماه

حملات گاه و بیگاه  
توپخانه و هواپیماهای عراقی  
به شهر ادامه دارد . و شهر  
در حالت کاملاً دفاعی قرار  
دارد . مردم آماده اند تا  
حماسه خرمشهر را در اهواز  
تکرار کنند .

۲۳ مهرماه

کارگران قهرمان شرکت  
کیسون و رُ د با مراجعه به  
بسیج عمومی آمادگی خود را  
برای تهیه سنگرهای بتونی  
اعلام می کنند و بلافاصله  
اقدامات خود را برای برپا  
کردن سنگرهای مستحکم  
بتونی آغاز می کنند .

### از یادداشت های فدائیان خلق

## امیر یا لیسم محتضر...

بقیه از صفحه ۱۴



شهرهای خرمشهر و آبادان همچنان ادامه دارد. زحمتکشان قهرمانشهرهایمان پیروزی را به انتظار نشسته اند. ما توپ و تانک دشمن را درهم خواهیم کوبید زنجیر نامردمی محاصره نظامی و اقتصادی را درهم خواهیم شکست. ما مرگ خونین را پذیرائیم. پیروزی با ماست



شلیک قرار می گیرد. این روزها انتظار رسیدن نیروهای کمکی در مردم به چشم می خورد. هفته قبل یعنی صدر قول داده بود که ۷۲ ساعت دیگر نیروی کمکی می رسد. با آنکه راه آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز بسته است، لیکن مردم مبارز سراسر ایران برای کمک رسانی به شهرهای آبادان و خرمشهر مسافت بین شهرها را که بیش از ۱۰۰ کیلومتر است، پیاده طی می کنند.

پادگان دژ و شلمچه خیابان طالقانی و عباره در دست نیروهای اشغالگر عراق است. دفاع قهرمانانه و خانه به خانه همچنان ادامه دارد. در آبادان و جزیره مینو دار و دسته وابسته به عراق "حرکت الجماهیریه" با همکاری زمین داران بزرگ و شیوخ مرتجع منطقه و روسای عشایر به عنوان ستون پنجم متجاوزین عراق عمل می نمایند. آنها بش از هر چیز بر پخش تبلیغات دروغ تکیه دارند شایع می کنند که عراقی ها در حال پیشروی اند قدرتمند هستند و دفاع بی فایده است

۲۸ مهرماه

سازمان ما قبلا در این مورد به مسئولین امر هشدار داده بود و ماهیت این جریان را (الجماهیریه) را افشا نموده بود.

آبادان  
۲۳ مهرماه

امروز اعلامیه سپاه پاسداران از رادیو پخش شد. در اعلامیه وضعیت را خطرناک اعلام کرده و خواهان حضور فعال مردم در سنگرها شده بود. چند لحظه بعد سیل خروشان جوانان، مدافعین جان بر کف شهر به سوی مراکز سپاه و سنگرها روانه شد. صحنه های امروز و آمادگی مردم پس از حدود یکماه مقاومت و تحمل آتش توپخانه عراق اشک شوق در چشمان هر بیننده ای جاری می کرد.

آبادان! شهر محبوب! خون آذین بخش وجب به وجب خاک مقدست خواهد بود.

۲۵ مهرماه

خبر می رسد که رفیق محمدرضا آذرین که دیروز از آبادان به جبهه خرمشهر اعزام شده بود، به شهادت رسیده است. خبر شهادت رفیق همرزمان کینه ما را دوچندان می سازد. باید پرکینه و پرخروش جنگید.

۲۶ مهرماه

امروز آبادان در آتش توپخانه عراق که از سه سو جریان دارد، می سوزد. در ساعت ۸/۵ صبح بازار بیستگانه، ساعت ۹/۵، نیایان مهدی رضائی زیر

دیشب آبادان نسبتا آرام بود. اما امروز چند خانه در کوی مصدق مورد اصابت خمپاره قرار گرفت. روحیه مردم همچنان بالاست.

اکنون دیگر همه می دانند که فدائیان خلق همراه با پاسداران، پرسنل انقلابی و مردم همچون تنی واحد در سنگر بر علیه متجاوزین عراقی می جنگند.

به علت احتکار کالا توسط سرمایه داران بازار و نرسیدن مواد مصرفی به مردم، توزیع مایحتاج عمومی به سختی انجام می شود. "تعاونی های محل" که با کوشش همه جانبه جوانان پرشور و پیشرو محلات به وجود آمده اند، فعلا نه به تامین احتیاجات مردم مشغولند.

آبان

امروز پشت مسجد صاحب الزمان - کمیته اوراق (در احمدآباد) آمواج حملات توپخانه عراق قرار می گیرد.

هدف توپخانه دور زن ارتش عراق عمدتا خانه های مردم زحمتکشان که با مقاومت شورا نگیز و دلیرانه خود عرصه را بر جنایتکاران رژیم ارتجاعی صدام حسین تنگ کرده اند. تکه های گوشت، مغز و خون منجمد مردم بی دفاع بر دیوارهای خانه ها و درخت ها، پس از هر انفجار و حمله هوایی نشان از ددمنشی رژیم جنایتکار صدام حسین دارد.

به واسطه امراض واگیرداری که در سطح شهر شایع شده است، هواداران سازمان با همکاری جهاد کار سمپاشی شهر را آغاز می کنند. رزم دلاورانه مدافعین

### نامه یک دانش آموز

#### سال اول راهنمایی

ما در شهر جنگ زده آبادان سکونت داریم. بچه های هوادار فدائی اینجا خندق زده اند و با بیل و کلنگ برای حفظ جان مردم جان می کنند و زحمت می کشند. روزی در کوچه نشسته بودیم و درباره حزب بعث حرف می زدیم که صدای وحشتناکی شنیدیم. بلافاصله خوابیدیم و بعد به سرعت به سنگر رفتیم. همه به سنگرها آمدند. پدرم که کارگر شرکت نفت است و مادرم هم آمدند. همین روز دونفر آمدند و برای ما صحبت کردند. به ما آموزش دادند که چکار کنیم. زنی از آنها پرسید آقا شما پاسدار هستید؟ گفت: نه ولی ما همه با هم متحد هستیم. صدای انفجارها که شروع شد آنها برای ما گفتند که این صدای خمپاره است. همان شب عراقی ها با خمپاره تعاونی شرکت را خراب کردند. در احمدآباد خانه کارگر نشین را خراب کردند. ما در آنجا هم جانبازی رفقای فدائی را دیدیم و متشکریم. کو این چماق داران رژیم شاه؟ پدرم می گفت در شرایطی که بعضی از فرماندهان ارتش فرار می کردند من به چشم خودم دیدم که پاسدارها و فدائی ها بودند که می جنگیدند و به استقبال جنگ می روند. ما هم آماده ایم هر کاری بکنیم.

مرگ بر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مرگ بر رژیم تجاوزگر عراق

### از سخنان فتگر ۵۷ ساله



در شبی که خمپاره های عراقی به سرمان فرود می آمد، بهت زده بچه هایمان را در آغوش گرفته بودم. بچه هایمان از ترس فریاد می کشیدند. پناهگاهی نداشتیم. بیرون آمدم شاید پناهگاهی پیدا کنیم که دو نفر به ما کمک کردند و ما را در سنگر خواباندند و خودشان روی ما خوابیدند تا بهما آسیبی نرسد. فقط به ما گفتند گوشها بسته، دهان باز.

حمله خمپاره تمام شد. ما را از سنگر بیرون آوردند. من از آنها تشکر کردم. صبح بود که سرمایه داران دسته دسته از شهر فرار می کردند. (شیراز ۲۰ هزار تومان و اهواز ۵ هزار تومان) در سیکلین آباد گوشتها فاسد شده بود و با لاشه های سگها و گربه ها شهر بوی تعفن گرفته بود. فدائیان خلق کارهایی کردند که هیچکس زغبت دست زدن به آن را نداشت. تمام شهر را از بوی تعفن پاک می کنند. آنها زباله ها را جمع کرده و با داروی د. د. ت شهر را از آلودگی ها پاک می کنند. خواروبار به خانه ها می رسانند. به بچه هایمان آموزش اسلحه می دهند. پرستاری، زخم بندی و کلاکمک های اولیه را به نوجوانان می آموزند. در این میان سپاه پاسداران که واقعا نشان دادند که پاسداران انقلابند با عزمی راسخ به کمک مردم بی پناه رفته و رژیم صدام کثیف را افشا می کنند. جوانان از جان گذشته ای که از شهرستان های سراسر ایران برای کمک به برادران و

هموعان خود به آبادان سرازیر شدند و از میهن خود مردانه دفاع می کنند، در این میان آقایان اسلامی (صاحب فروشگاه بزرگ در بازار روز) و آقایان زغالی ها و امثالهم بدون ذره ای عرق شرم از شهر می گریزند تا مبادا به آنها و منافشان آسیبی برسد. اما این بزدلان بدانند راه برگشتی برایشان نیست. در کوی کارگر، کارگری فریاد می کشید چرا فرار می کنید. مگر این مملکت مال شما نیست. پس چه کسی باید از این مرز و بوم دفاع کند؟ و بعد یکی از آنها را گرفته و تا پای مرگ کتک زد. ای کاش این به ظاهر طرفداران جمهوری اسلامی و لیبرال ها اینجا بودند و می دیدند فدائیان را که بی مهابا جان بر کف میهن خود می گذارند. فدائیان که بچه های ما را در سنگر جای می دادند و خودشان روی آنها می خوابیدند تا به آنها آسیبی نرسد و با پاسداران بر قلب دشمن می تاختند. با سلاح سبکشان در برابر سلاح سنگین دشمن می ایستادند تا دشمن حتی یک وجب از خاک ایران را صاحب نشود.

### دروازه غار:

## محلۀ فقر و حماسه ،

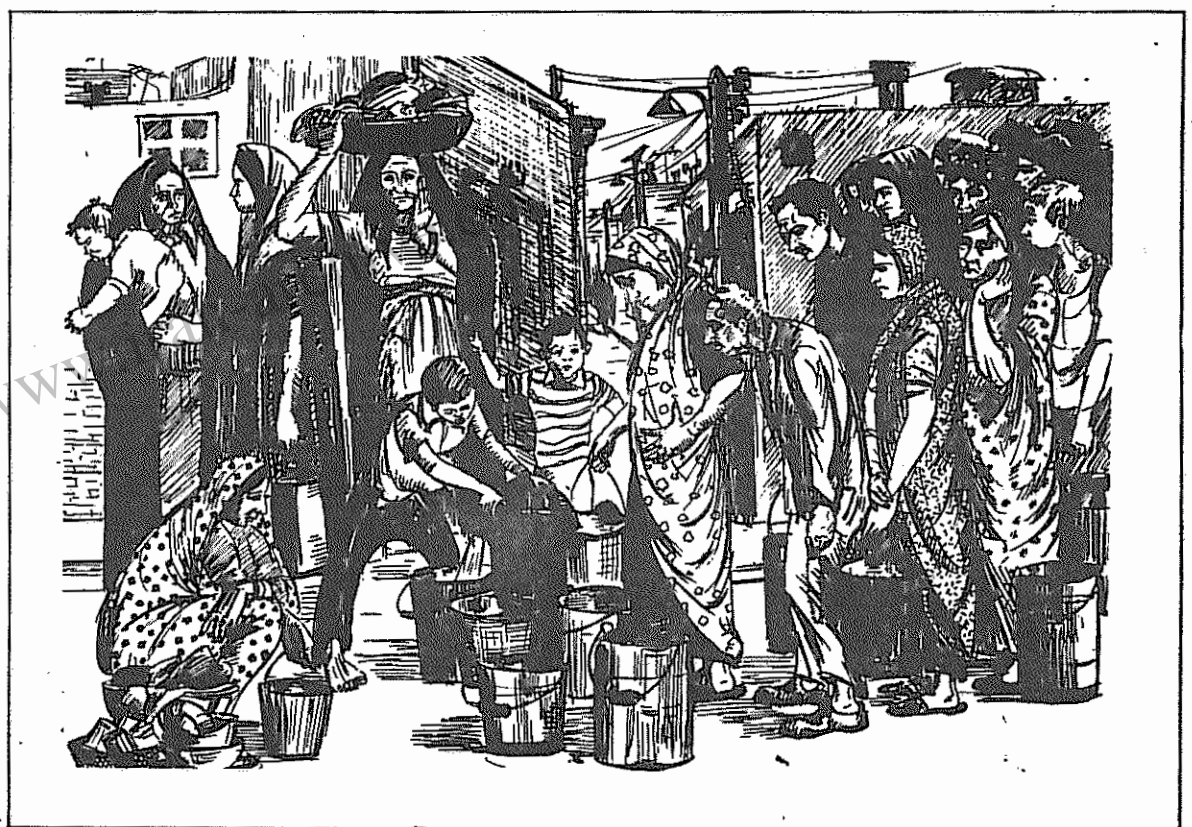
## رنج و مقاومت

● زن زحمتکش محلۀ می گفت: "حاضرم هزاربار با سطل پر از آب از پله‌ها بالا بروم و پائین بیایم ، اما به جایش خون اینهمه شهید که برای انقلاب دادیم به هدر نرود ."

ساکنان زحمتکش محلۀهای غار مثل همه زحمتکشان دیگر از مشکلات ناشی از گرانی ، بیکاری و نداشتن مسکن ، بهداشت و دیگر مزیقه‌های گرانی که جامعه سرمایه‌داری بر آنان تحمیل کرده است ، رنج می‌برند ، اما اهالی گود نشین محلۀهای غار دردها و مشکلات خاص زندگی در گودال‌ها را نیز دارند ، خانه‌های نمور ،

محلۀهای غار با گودهایش مشخص می‌شود و گودها همانجائی است که کوچه‌هایش و خانه‌هایش از فشار استثمار زحمتکشان توسط سرمایه‌داران به اعماق زمین فرو رفته است . همانجائی است که بچه‌های کوچک محل همیشه اطراف جویهای فاضلاب که از بالای شهر به این گودها سرازیر می‌شود مشغول بازی هستند و زن‌های

حوانانشان برپا کرده‌اند . این صحنه‌ها نشان می‌دهد که چگونه زحمتکشان برای رهایی خود از چنگال امپریالیسم و برای کسب استقلال میهن ، به پایداری خاسته‌اند و در راه دفاع از میهن بیشترین سهم را دارند وقتی از مقابل کمیته و مسجد و مجله‌های بسیج می‌گذریم ، مردمی را می‌بینیم که با عزمی راسخ برای عزیمت به



فاضلاب و چرکاب‌هایی که در جوی‌های محلۀ مانده‌اند و مشکلاتی مثل نبودن آب و برق و ... ساکنان گودها اکثراً زحمتکشانی هستند که از روستاهای آذربایجان ، کردستان ، اصفهان ، اراک و ... به دنبال کار روانه تهران شده و در حاشیه شهر در گودال‌هایی که برای کوره‌پزخانه‌ها کنده شده بود اسکان گزیده‌اند . ساکنان گود زحمتکشانی هستند که روزگاری به امید به دست آوردن لقمه‌ای نان به تهران آمده و در زیر فشار فقر و تنگدستی در گودال‌های جنوب تهران باقی مانده‌اند .

زحمتکش‌آن چه در سرمای زمستان ، با دست‌هایی سرخ و سرمازده ، و چه در گرمای تابستان ، عرق‌ریزان دور تنها فشاری آب محلۀ مشغول شستن ظرف و لباس و گلیم خانه‌شان هستند . نزدیک غروب است که ما وارد محلۀ می‌شویم . شرایط جنگ فضای گودها را تغییر داده است . وقتی در کوچه‌های تنگ آن قدم می‌زنیم ، بر در و دیوار محلۀ بیش از هر جای دیگری عکس جوان‌هایی را می‌بینیم که در جنبه‌های جنگ به شهادت رسیده‌اند و بیش از هر جای دیگر "حجله"‌هایی را می‌بینیم که اهالی محلۀ برای بزرگداشت

جنبه جنگ به مراکز بسیج سر می‌کشند . مردهائی را می‌بینیم که از کار برگشته‌اند و با بغلی نان و دستمالی از سبزی یا میوه‌هایی که از دستفروشی‌ها خریده‌اند ، به خانه می‌روند ، راننده‌های وانت بار ، چرخداران و دستفروشان به خاطر شرایط جنگ که تاریکی و خاموشی را زودتر از هر جای دیگر به کوچه‌های گود و پائین افتاده محلۀ غار تحمیل می‌کند ، زودتر از همیشه به خانه برمی‌گردند . از هر کوچه‌ای که عبور می‌کنیم با زحمتکشانی روبرو هستیم که خسته از کار آمده‌اند و کودکانی که به استقبال پدر

می‌دوند و دستمال میوه و نان را از دست او گرفته و جلو ، جلو به طرف خانه می‌دوند . شب مانند هیولائی بسرعت به روی محلۀ چنگ می‌اندازد . گودها و محلۀها و کوچه‌های غار در این تاریکی ابتدای شب شلوغ و پر هیاهوست . جوان‌ها سرکوجه ایستاده‌اند . مقابل نانوائی‌ها زن‌ها و مردهای خسته از کار صف بسته‌اند . فشاری‌های آب محلۀ هنوز دوروبرشان بر از زن‌ها و دخترهای محلۀ گود است که می‌خواهند آب آشامیدنی شب را به خانه ببرند ، یا آخرین تکه‌های رخت و ظرف‌های خود را بشویند . راننده‌های محل که از کار روزانه بازگشته‌اند به زحمت ماشین‌های خود را از کوچه‌های تنگ می‌گذرانند و در گوشه‌های پارک می‌کنند . بچه‌ها و این انبوه بچه‌ها هر لحظه دسته دسته از گوشه و کنار این کوچه‌های تنگ و این پله‌های باریک دیده می‌شوند که با شیطنتها و خنده‌هایشان بر شب خاموش و تیره ، زندگی و امید می‌بخشند .

در یکی از گودها سروصدای بچه‌ها بلند می‌شود ، می‌بینیم که آنها با شوق به طرفی می‌دوند . نمی‌دانیم چه خبر است در تاریکی چیزی دیده نمی‌شود . اما "چکاچک" تفنگ‌ها ما را متوجه سایه جوان‌هایی می‌کند که تفنگ به دست دارند ، از پله‌های گود بالا می‌روند . آنان همینطور که از کنار دیوارها عبور می‌کنند ، تعلیم نظامی هم می‌بینند . جوان مسلح و ریشوئی که سردسته گروه است هر چند لحظه یکبار اعلام خطر می‌کند و یکبار جوان‌های مسلح از تاریکی استفاده کرده و در گوشه و کنار ناپدید می‌شوند . اینها جوانان محل هستند که در بسیج نامووسی کرده‌اند و قرار است پس از آموزش نظامی به جنبه اعزام شوند . همه مردمی که در کوچه‌ها ایستاده‌اند راه را بزمی کنند تا آنها رد شوند . جوانان مسلح مضم و پر خروش علیه امپریالیسم شعار می‌دهند . ما از شلوغی شب استفاده کرده با سردسته گروه که تفنگ در دست و آخراز همه به دنبال گروه می‌آید صحبت می‌کنیم . چهره همدیگر زانمی‌بینیم . سوال می‌کنم :

" این جوان‌ها از کدام محلۀ هستند؟ " لوله تفنگش را بالا می‌آورد : " بچه‌های همین گودها هستند . داوطلب جنبه هستند . " کی قرار است بروند جنبه؟ - حالا حالاها خیلی داوطلب داریم . - یعنی چه؟ - جوان‌های زیادی آمده‌اند و می‌خواهند ما آنها را به جنبه بفرستیم ، ماشاءالله آنقدر زیادند که تونوبت خوابیده‌اند . گروه جوان‌های مسلح از کوچه‌ای به کوچه دیگر می‌پیچند ، سردسته گروه باز اعلام خطر می‌کند ، جوانها به سرعت تفنگ‌ها را از دوش پائین آورده و در گوشه دیوارها و پشت‌خانه‌های گود مخفی می‌شوند . بچه‌های محل خوشحال و سرحال دنبال آنها می‌دوند و پشت سرشان با تقلید از آنها شروع به تمرین عملیات نظامی می‌کنند .

جوان‌ها به کمیته میدان غار می‌روند ، با نور ماشین‌هایی که در رفت و آمد هستند ، جوانان را در لباس‌های نظامی نوی که تازه به تن کرده‌اند ، می‌بینیم ، بیشتر آنها جوان‌های هفده هیجده ساله هستند . وقتی آنها به کمیته میدان غار می‌روند ما دوباره به گودها برمی‌گردیم . اکنون ماه خود را بفرزاد گودها رسانده و محلۀ را روشن کرده است . زحمتکشان محلۀ بخصوص زن‌ها هنوز جلوی دکان‌های نفت‌فروشی و نانوائی صف بسته‌اند . کامیون حامل ذغال کنار مسجد آست و مردم در صف ایستاده‌اند تا برای زمستان سرد خود ذغالی بخرند . ذغال‌ها همه خاکه و مرطوب است ولی کسی به آن توجهی ندارد ، زمستان هم مانند تاریکی شب زودتر از همه‌جا خود را به گودها خواهد رساند . باید به شکلی کمبود نفت را جبران کرد . از مردی که یک گونی ذغال خریده است ،

می‌پرسیم : " پدر ذغال را خرواری چند خریدی؟ " با عصبانیت می‌گوید : " خرواری ۱۱۰۰ تومن آن هم خاکه خیس نه ذغال " بقیه در صفحه ۱۸

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند





بقیه از صفحه ۱۳

### ما با امپریالیسم

سلاحهای امپریالیستها و عمدتاً آمریکا مجهز شد، از چشم توده‌ها پنهان دارند. آنها هم‌اکنون به نحو دیوانه‌واری تبلیغ می‌کنند که زحمتکشان ما با سلاح‌های شوروی به شهادت می‌رسند و سلاح‌های آمریکائی از استقلال ما دفاع می‌کنند. هدف این تبلیغات نیز تطهیر امپریالیسم آمریکا و مدافعان آن و ایجاد کینه و دشمنی علیه اردوگاه سوسیالیسم است. هم‌اکنون طراحان استراتژی امپریالیسم آمریکا و همه لیبرال‌ها با تبلیغات به‌دقت برنامه‌ریزی شده و حساب شده خود، در همه جای ایران، به این تبلیغات زهرآگین مشغولند و متأسفانه برخی نیروهای ضدامپریالیست نیز در دام این تبلیغات امپریالیست‌ها افتاده‌اند و گاه و بیگاه بر "روسی" بودن جنگ‌افزارهای رژیم عراق تأکید می‌کنند و البته رژیم عراق نیز بر "آمریکائی" بودن سلاح‌های ایران تأکید دارد و به این ترتیب می‌کوشد برای خود در نزد توده‌های عرب حقانیت کسب کند و بدینوسیله همدستی خود را با امپریالیسم آمریکا در تهاجم علیه انقلاب ایران از زحمتکشان عرب بپوشاند و حکومت جمهوری اسلامی را همدست آمریکائی جا بزند.

سیاست‌رندانه و دوگانه امپریالیسم آمریکا زمانی بهتر معلوم می‌شود که سخنان کارتر و جوزف سیسکو را در روزهای نخستین تهاجم عراق علیه ایران با لحنی که امروز برگزیده‌اند مقایسه کنیم. به محض آغاز تهاجم کارتر ابراز امیدواری کرد که این جنگ حکومت ایران را بر سر عقل آورد تا به موازین بین‌المللی احترام گذازند. کارتر در این اظهار نظر به‌طور ضمنی اعلام می‌داشت که

تهاجم عراق منطبق با خواست امپریالیسم آمریکا است. در همان روزها (چهارشنبه دوم مهرماه - دو روز پس از تهاجم عراق) جوزف سیسکو کارشناس زبده وزارت خارجه آمریکا در امور ایران چنین اظهار داشت:

"ما هیچ آمیدی به این که حاکمیت کنونی ایران با آمریکا به تفاهم برسد، نداریم. آنچه جنگ عراق و ایران می‌تواند در پی داشته باشد، درهم شکستن حکومت کنونی ایران است. امیدواری ما به جلب ایران به سوی آمریکا نه در نتیجه فوری جنگ، بلکه در نتایجی است که این جنگ به دنبال خواهد داشت."

اما اینک امپریالیسم آمریکا با توجه به مقاومت قهرمانانه توده‌های مردم در برابر تهاجم جنایتکارانه عراق و احساس این خطر که مقاومت عادلانه مردم ایران به سرعت شکل توده‌ای به خود می‌گیرد، رندانه‌لحن خود را تغییر داده و ضمن آنکه همچنان به اثراتی که جنگ در پی خواهد داشت "امیدوار است"، خواستار تفاهم با جمهوری اسلامی است. و در صورت حصول به این تفاهم حاضر است جنگ‌افزار و وسایل یدکی به ایران بدهد و روابط اقتصادی خود را با ایران گسترش دهد. و اگر توجه کنیم که تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا و بازداشت جاسوسان آمریکائی عمدتاً برای طرد لیبرال‌ها از قدرت و مبارزه با وابستگی‌های اقتصادی و نظامی ایران به آمریکا صورت گرفت می‌توانیم دریابیم که امپریالیسم آمریکا امروز با وضعیتی که از تهاجم عراق به ایران پیش آورده تا چه حد امیدوار است که با تقویت لیبرال‌ها و ادامه وابستگی اقتصادی و نظامی ایران، نیروهای رادیکال و ضدامپریالیست جمهوری اسلامی را تضعیف سازد و زمینه به قدرت رساندن یک حکومت طرفدار آمریکا را در ایران فراهم کند. قطعاً امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن و همه رژیم‌های ارتجاعی و وابسته منطقه به تهاجم وسیع نظامی، سیاسی و اقتصادی کنونی علیه انقلاب در اشکال گوناگون

ادامه خواهند داد. قلب پرطیش انقلاب ایران خواب را بر چشم‌های خون‌گرفته امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه حرام کرده است و بدیهی است که جبهه ضدانقلاب برای درهم شکستن انقلاب ایران هرچنانیتی را به هر شکل و صورتی و در هر شرایطی مجاز می‌داند.

حکومت جمهوری اسلامی برای تحکیم موقعیت خود و پاسداری از دستاوردهای انقلاب باید بر توده‌های میلیونی و مبارز ایران، این نیروی لایزال که هر خانه و کاشانه و کارخانه، هر مدرسه و مسجد را به سنگری علیه امپریالیست‌ها و همه تجاوزگران بدل می‌سازد و هم اینک با وجود فقدان سلاح و کوتاهی حکومت جمهوری اسلامی در تشکل و تسلیح آنها، بی‌سلاح و تنها با کتک و سهرای بزرگترین حماسه‌های تاریخ میهن ما را می‌آفرینند و تاریخ سرافراز خلق را با خون می‌نویسند، تکیه کند. تسلیح توده‌ها، تشکل و اتحاد زحمتکشان و همه نیروهای ترقیخواه در یک جبهه واحد ضدامپریالیستی و بیکار عادلانه توده‌های تنها راه درهم شکستن تهاجم جبهه ضدانقلاب علیه انقلاب است. جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه‌های خود ضمن تلاش همه‌جانبه در اتحاد همه مردم که مستلزم به رسمیت شناختن ابتدائی‌ترین حقوق سیاسی، اجتماعی، ملی، مذهبی و دمکراتیک خلق‌های ایران است، باید دست‌های کریه امپریالیسم آمریکا، امپریالیست‌های اروپایی و امپریالیسم ژاپن و همه محافل ارتجاعی جهان که جلگه‌ای یک کل واحد را در چهارچوب جبهه ضدانقلاب جهانی تشکیل می‌دهند و لیبرال‌ها همچنان بی‌شرمانه دوستی با آنان را تشویق و تبلیغ می‌کنند، را به کنار زند و برای تقویت نیروی انقلاب و دفاع از استقلال و تداوم انقلاب ایران دست‌های صمیمی و پیروزمند دولت‌ها و ملل سوسیالیست و ترقیخواهی که هم‌اکنون برای حمایت از انقلاب ایران به سوی ما دراز شده‌اند، بفشارد.

بقیه از صفحه ۱۶

### دروازه غار: محله

بالای گود با زنی که کودکی در شکم دارد برمی‌خوریم که پیت‌های پراز نفت را قادر نیست از آنهمه پله‌های گود پائین ببرد: - مادر اجازه بده کمکت کنیم. خوشحال می‌شود، پیت‌های نفت را برایش از پله‌ها پائین می‌بریم. زن همانطور که با احتیاط از پله‌ها پائین می‌آید می‌گوید: - آدم پدرش در می‌آید، روزی صدبار باید از این پله‌ها بالا بروی و پائین بیایی، یک‌کبریت می‌خواهی بخری باید چهل پله را بالا بروی، چهل پله را پائین بیایی، زندگی که نیست جان‌کندن است. برای یک لحظه از آنچه گفته است، پشیمان می‌شود بلافاصله ادامه می‌دهد: "عیب ندارد، درست می‌شود. حاضر روزی هزار دفعه با سطل‌های پراز آب از این پله‌ها بالا بروم و پائین بیایم، اما نه حایش

خون اینهمه شهید که برای انقلاب دادیم، به هدر نرود." ما به او گفتیم: "مادر! حتما این جانفشانی‌های جوانان زحمتکش بی‌ثمر نخواهد ماند ما مطمئنیم که روزی امپریالیسم را به‌گور خواهیم سپرد، ما مطمئنیم که با همت زحمتکشان و همین جوانان پرشور، ایرانی آباد و فاقد ظلم و ستم برپا خواهیم کرد. مطمئن باشید که ما پیروز خواهیم شد." ساعت حدود ۹ شب است. دیگر کسی در کوچه‌ها دیده نمی‌شود. چراغ‌ها همه خاموش هستند، فقط ماه است که از آن بالا گودها را روشن کرده است. کم کم از محله خارج می‌شویم. متوجه حضور جوان‌هایی می‌شویم که تفنگ بر دوش در محله‌ها پاسداری می‌دهند و رفت و آمدها را کنترل می‌کنند. همانطور که از گودها دور می‌شویم در سکوت شب صدای

نجوا و پیچ‌پیچ زنان زحمتکشی را می‌شنویم که هنوز کنار فشاری‌ها مشغول شستن و بردن آب هستند. از میان پیچ‌پیچ گفته‌هایشان اینطور می‌توان فهمید که: "باید تحمل کرد... بالاخره این وضع تمام خواهد شد... باید تا مرگ امپریالیسم همت کرد... مرگ این صدام خائن هم نزدیک است." آری. این وضع تمام خواهد شد. اما برای رسیدن به فرداهای روشن که در انتظارمان ایستاده است، باید تا مرگ امپریالیسم و پیروزی نهائی‌مان، مصمم و پرتوان مبارزه کنیم تا بیکار عادلانه امروز برای حفظ استقلال در آینده به ثمر بنشیند. تا بیکاری نباشد. گرانی نباشد. بی‌مسکنی نباشد. آوارگی و دربردی نباشد و "گودها" در جهان نباشد.

### توضیح و تصحیح

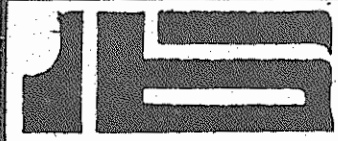
در شماره قبلی "کار" (۸۱) چندین اشتباه رخ داد که با پوزش از خوانندگان بدین‌وسیله تصحیح می‌گردد.

۱- در مقاله "از تجارب کمونیست‌های هند در بیکار ضدامپریالیستی درس بگیریم"، ستون دوم اشتباه چاپی مفهوم جمله را بطور کامل واژگون کرده است جمله غلط به صورت زیر اصلاح می‌شود: "اما نویسنده علیرغم نشان دادن نقطه نظرات انحرافی رایج در جنبش کمونیستی آن روز هند، نه از توجه به نقطه‌نظرات صحیحی که چه قبل از کنگره ششم کمینترن وجود داشته و چه در کنگره هفتم جایگزین برخی تزه‌های خطای کنگره ششم گردیده بود، باز می‌ماند و نه در دام تحلیل یک‌جانبه از برخوردهای یک‌جانبه کمونیست‌های آن روز هند می‌افتد"

۲- در صفحه آخر مطلب مربوط به شهدای سازمان نظامی حزب توده اولاً نام "حزب توده" حذف شده بود و ثانیاً نام هوشنگ تیزابی به جای هوشنگ وزیریان به اشتباه جزو رفقای شهید سازمان نظامی ذکر شده بود.

۳- در ستون اخبار جهانی قسمت قرآنسه - بیکاری یکی از صدها درد بی‌درمان جامعه... به اشتباه "بیکاری تنها درد..." ذکر شده بود.

۴- در صفحه چهارم توضیح زیر عکس مربوط به عکس دیگری است که اشتباهاً در این صفحه نوشته شده بود.



## مبارزات کارگران مشهد

### در مقابل تجاوزات امیر یالیزم و رژیم عراق

نشریه "کارگران خراسان" در شماره دوم خود نمونه‌های متعددی از واکنش‌های مبارزاتی کارگران کارخانه‌های مشهد را در برابر تجاوزات رژیم عراق ذکر کرده است که آن را عیناً نقل می‌کنیم:

#### ۱- سندیکای کارگران خباز مشهد:

سندیکای کارگران خباز مشهد طی اطلاعیه‌ای برای مقابله با تجاوز عراق خواستار آموزش نظامی کارگران خباز شد. در این اطلاعیه گفته شده است که کارگران حاضرند هم در جبهه بجنگند و هم در پشت جبهه تهیه نان رزمندگان انقلابی میهن را به عهده گیرند. ضمناً در این اطلاعیه از مسئولین خواسته شده بود با توجه به این که اغلب کارگران نانوا با موتور سیکلت به سر کار خود می‌روند، بنزین موتور کارگران نانوا را تامین کنند.

#### ۲- شورای کارگران ساختمانی مشهد:

این شورا در اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن حملات تجاوزگران رژیم بعثی عراق، آمادگی خود را برای اعزام به جبهه و مبارزه با مزدوران بعثی اعلام نمودند.

#### ۳- توانیر:

حدود ۴۰ نفر از کارکنان توانیر به خدمت سربازی احضار شدند. همچنین کارگران در پی درخواست وزارت نفت از کلیه نیروگاه‌ها برای فرستادن گروه‌های فنی برای تعمیر پالایشگاه آبادان و صنعت نفت، اعلام آمادگی نمودند و گروهی از کارکنان ثبت نام کرده‌اند.

#### ۴- کارخانه پشمافی طوس:

انجمن اسلامی این کارخانه طی اطلاعیه‌ای از سازمان بسیج مستضعفین خواست تا برای تعلیم و آموزش کارگران، مربی به

این کارخانه فرستاده شود و کارگران آمادگی خود را برای آموزش و اعزام به جبهه اعلام داشتند.

#### ۵- کارخانه پرمیت:

۶۰ نفر از کارگران مبارز این کارخانه با ثبت نام در سازمان بسیج مستضعفین و شرکت در کلاس‌های آموزشی آن، آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزات رژیم بعثی اعلام نمودند و در حال حاضر ۶ نفر از کارگران به جبهه اعزام شده‌اند و بقیه تا زمان اعزام به جبهه با تمام توان خود به تولید مشغول هستند و حتی بعضی از کارگران برای جلوگیری از پائین آمدن تولید تا ۱۶ ساعت در روز کار می‌کنند.

#### ۶- کارخانه دوک:

روز چهارشنبه ۲ مهرماه ۵۹ کارگران این کارخانه طی نامه‌ای از مسئولین سازمان بسیج مستضعفین خواستند تا برای آموزش نظامی کارگران اقدام کند، مسئولین امر به این خواسته کارگران پاسخ مثبت دادند و برای آموزش نظامی کارگران به کارخانه آمدند. از آنجا که کارفرما منافع خود را درخطر می‌دید خواسته بود برای آموزش کارگران از ساعت استراحت آنها استفاده شود. کارگران که خود به اهمیت بالابردن سطح تولید با توجه به موقعیت جنگی واقف بودند، این شرط را پذیرفتند.

از طرف دیگر دو نفر از کارگران این کارخانه که به جبهه اعزام شده بودند قبل از رفتن به جبهه با کارفرما تصفیه حساب می‌کنند و کارفرما از پرداخت مزد کارگرانی که در جبهه

می‌جنگند، خودداری می‌کند و خانواده آنها به امان خدا رها می‌شوند. در صورتی که می‌بایست این مدتی که کارگران به جبهه می‌روند، جزء سابقه کارشان به حساب آید و حقوق این ایام به خانواده‌شان پرداخت گردد. ما نباید از مبارزه با سرمایه‌داران غفلت کنیم و اجازه دهیم آنها از این شرایط بحرانی کشور سوء استفاده کنند. آنها در حالی که زحمتکشان میهن در میدان‌های جنگ جانبازی می‌کنند، نه تنها در جنگ شرکت نمی‌کنند، نه تنها از پرداخت پول ناچیزی که به‌عنوان حقوق به کارگران اعزامی به جبهه باید داده شود، امتناع می‌کنند، بلکه عمدتاً با انواع و اقسام کارشکنی‌ها، خلاف انقلاب و دفاع از میهن گام برمی‌دارند.

نقل از نشریه: "کارگران خراسان"

#### نامه‌ای از یک کارگر کوره پزخانه به ((کار))

« تا موقعی که کارگران تشکیلات نداشته باشند، سرمایه داران می‌توانند زور بگویند »

از دهات اطراف دهن کرده‌ام. کارگران که جویای علت مرگ او می‌شوند، صاحب کوره می‌گویند: تقصیر از خودش بوده حالا هر چی بوده گذشت. شما هم برید سر کارتان و وقتی که با اعتراض کارگران روبرو می‌شود، آنان را تهدید به اخراج می‌کنند. و کارگران هم به‌خاطر مسئله اخراج برسر کارشان باز می‌گردند. آری سرمایه‌دار به‌خیال خودش راز جنایتش را از کارگران پوشیده نگاه می‌دارد و حال آنکه جنایات سرمایه‌داری هیچگاه از دیده کارگران پوشیده نمی‌ماند. نمونه‌هایی که ذکر کردم نشان دهنده ماهیت جنایتکارانه و زالوصفتانه طبقه سرمایه‌دار است. تا موقعی که کارگران باشند، سرمایه‌داران می‌توانند زور بگویند. مرگ بر سرمایه‌دار پیروز باد طبقه کارگر ایران

این کارگر من بود، خودم می‌دانم چکار کنم و در مقابل اعتراض کارگران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنید اخراجتان می‌کنم. و کارگران افغانی که در غم مرگ دوست از دست رفته‌شان بودند، سرانجام ناگزیر می‌شوند بر سر کار بازگردند. در یکی دیگر از همین کوره‌ها، که در آن هم طبق معمول از وسایل ایمنی کوچکترین خبری نیست، روز چهارشنبه قبل یک کارگر دیگر که در بالای کوره مشغول کار بود، در اثر فروریختن قسمتی از کوره به زمین پرت می‌شود که این سقوط باعث مرگ این کارگر می‌گردد. صاحب کوره پزخانه به وسیله چند تن از نوکرانش جسد این کارگر را برداشته و به داخل چاه آبی که در آن کوره بوده می‌اندازند و وقتی که کارگران دیگر از مرگ دوستشان مطلع می‌شوند و به صاحب کوره مراجعه می‌کنند او با دلبسوزی ساختگی می‌گوید: مرده بود. او را در یکی

من این نامه را از یکی از کوره‌پزخانه‌های اطراف ساوه برای روزنامه محترم "کار" می‌نویسم تا انتشار آن به روشن تر کردن ماهیت کثیف نظام سرمایه‌داری بیش از پیش کمک نماید. در یکی از کوره‌پزخانه‌ها که تعداد زیادی کارگر افغانی کار می‌کنند، کوره‌پزخانه‌ها برای اینکه بتوانند این کارگران را شب‌ها هم به کار وادارند، کوره‌پزخانه را سیم‌کشی کرده بود، البته نه به‌خاطر راحتی کارگران بلکه به‌خاطر منافع و سود بیشتر خودش. کارگران با مشقت بسیار شب‌ها هم کار می‌کردند بدون آنکه کوره‌ها از هیچگونه وسایل ایمنی برخوردار باشد. یک کارگر افغانی که مشغول کار بود بدون اینکه متوجه بشود دستش به سیم برق خورده و جانش را از دست می‌دهد که جسد او تا صبح همانجا می‌ماند و صبح کارگران دیگر از مرگ دوستشان مطلع می‌شوند و آن را به صاحب کوره اطلاع می‌دهند. صاحب کوره به کارگران می‌گوید: به‌شما هیچ مربوط نیست

## اخلال در تولید، سلاح سرمایه‌دار، علیه انقلاب است

در روزهای اخیر در کارخانه پشمافی تهران که حدود ۸۰ کارگر دارد، توطئه‌ای از طرف کارفرما سرگرد بازنشسته "گارد جاویدان" است، در شرف شکل‌گیری بوده که در اثر هوشیاری و اتحاد کارگران خنثی شد. موضوع از این قرار بود که نماینده کارفرما ۵ نفر از کارگران را احضار می‌کند تا دور از چشم کارگران و شورای کارخانه مبلغی به‌عنوان "پاداش" به آنان بپردازد و از آنها قول "همکاری" بگیرد تا از طریق ایجاد اختلاف میان کارگران و شورا، زمین‌ها را برای اخلال در تولید و نهایتاً به تعطیل کشاندن کارخانه فراهم نماید. که این مسئله در اثر هوشیاری و پیگیری کارگران و شورای کارخانه در جلسه عمومی فاش می‌شود. نماینده کارفرما در توجیه توطئه کارفرما می‌گوید که سوءتفاهمی پیش

آمده و قصدش توطئه نبوده بلکه خدمت به کارگران و شورا بوده است! کارگران ضمن محکوم کردن این تشبثات مذبحخانه، کارفرما را مجبور می‌کنند که برای رفع "سوءتفاهم" و "خدمت به کارگران و شورا" به جای پرداخت "پاداش" به ۵ نفر، مبلغ مزبور را بین تمامی کارگران تقسیم نماید! کارگران مبارز پشمافی به‌خوبی می‌دانند که کارفرما و نماینده‌اش هر زمان که بتوانند توطئه خواهند کرد. از این رو بر لزوم اتحاد عمل هشیارانه کارگران و شورا برای خنثی کردن توطئه‌های احتمالی کارفرما، بیش از پیش تأکید دارند. کارگران پشمافی تهران مبارزه برای تداوم و افزایش تولید را به‌ویژه در شرایط کنونی، به‌نحو مسئولانه‌ای پیش برده و با اخلال در تولید و دیگر توطئه‌های ضدانقلابی قاطعانه مبارزه می‌کنند.

## طبقه کارگر قهرمان ایران در صف مقدم دفاع از انقلاب می رزمند

ارسال وسایل و کالاهای مورد نیاز به جبهه، تخلیه و بارگیری و حمل و نقل گالاهای ضروری زیر آتش توپخانه دشمن، شرکت فعالانه در بسیج، آموزش نظامی، نگهداری شبانه‌روزی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، روانه شدن گروه گروه از کارگران رزمنده داوطلب به خط مقدم جبهه جنگ، جانفشانی‌های قهرمانانه و حماسه‌آفرین در سنگرهای نخستین جنگ تشکیل کمیته‌های دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها، تشکیل گروه‌های مسلح از کارخانه‌ها و مراکز حساس تشکیل کمیته‌های فنی ترمیم و بازسازی ادوات آسیب دیده جنگ، تشکیل کمیته‌های امداد، آتش نشانی و... شرکت فعالانه در سازماندهی تامین و توزیع کالاهای مورد نیاز عامه و سازماندهی جیره‌بندی انقلابی از طریق شوراهای محل، به کمک شرکت‌های تعاونی توزیع و همکاری فعالانه با ارگان‌های انقلابی در محله‌ها (بسیج و کمیته‌ها و...)، خنثی کردن شایعات و تحریکات ضدانقلابی و ارتقاء روحیه مبارزاتی مردم و... بسیاری وظایف روزمره دیگر همه و همه‌ی آن‌ها جوشش و غلیانی است که در هزاران کارخانه و کارگاه محله و سنگر جنگ، به همت طبقه کارگر قهرمان ایران تجلی یافته است و این، غلیان چشمه‌های جوشانی است که دریای انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران را موج کرده است. این، تجلی مبارزه غرورآفرین طبقه کارگر ایران است که از هر کارخانه و کارگاه و از هر محله و برزن سر برمی‌آورد. و این را تنها ضدانقلابیون کوردل نمی‌توانند ببینند. تنها ورشکستگان عوام‌فریب، آن را انکار می‌کنند.

ایران، دوش به دوش و پیشاپیش توده دهقانان و زحمتکشان دیگر، در آستانه آنچنان مبارزه تعیین کننده و سرنوشت‌سازی قرار گرفته است که باید این بار طومار حیات تجاوزگرانه ارتجاع جهانی را در ایران بطور قطعی درهم پیچد و ایران را به گورستان امپریالیسم متحدانش بدل نماید.

دامنه انقلاب ایران، قاطع و پیگیر نبوده و نیست طبقه کارگر ایران ناگزیر است مسئولانه‌تر از همه طبقات و بیش از همه نیروهای انقلابی نگران سرنوشت دستاوردهای انقلاب ایران باشد. هرچه دامنه تحریکات و تجاوزات امپریالیستی گسترده‌تر می‌شود، ضرورت حفظ دستاوردهای انقلابی، فداکاری و ایثار انقلابی فزون‌تری می‌طلبد و وظایف و مسئولیت‌های انقلابی طبقه کارگر ایران سنگین‌تر و خطرتر می‌شود. اکنون طبقه کارگر قهرمان ایران در همه جبهه‌ها و سنگرها، از سنگرهای جنگ گرفته تا سنگر کارخانه‌ها، برای حفظ دستاوردهای انقلاب، مجدانه و خستگی‌ناپذیر پیکار می‌کند و افزایش تولید و اضافه‌کاری‌های داوطلبانه، تحمل انقلابی سخت‌ترین شرایط کار، ارسال حقوق یک‌روز از دستمزد ناچیزشان به جبهه جنگ،

سفاک‌ترین رژیم‌های ارتجاعی تاریخ را در هم نوردیده‌اند. آنان این دستاورد انقلاب بهمین را نمی‌بینند که چگونه با سرنگونی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه بزرگترین سد ارتجاع در مقابل رشد آگاهی و شکل کارگران و زحمتکشان ایران درهم شکسته شد. آنها کورذهن‌تر از آنند که جوشش و غلیان دم‌افزون شور انقلابی و آگاهی طبقاتی طبقه کارگر قهرمان ایران را ببینند. واقعیت آن است که سرنگونی رژیم مزدور شاه و دیگر دستاوردهای انقلاب بهمین، هیچ طبقه‌ای را به اندازه طبقه کارگر ایران نیرو و اعتبار بخشید و تا بدین اندازه به عرصه مبارزات تعیین کننده و سرنوشت‌ساز نکشیده است. هیچ طبقه‌ای به اندازه طبقه کارگر ایران، در حفظ دستاوردهای انقلابی و دفاع از آن و تعمیق و گسترش

دولت‌های مزدور و مرتجع منطقه گرفته تا رژیم متجاوز عراق، همه و همه خود را به عبث، فاتحین نهائی این جنگ تجاوزگرانه می‌بینند. آنها در پس بمباران‌های جنایتکارانه تاسیسات و مراکز اقتصادی و تخریب کارخانه‌ها و کشتار کارگران و زحمتکشان ایران، تحقق پندارهای باطل خود را می‌بینند. این تشبثات صرفنظر از ورشکستگی منطق سیاسی‌اش، بیانگر این نکته مهم و اساسی است که نه رژیم مرتجع عراق، نه امپریالیسم تبهکار آمریکا و نه هیچ‌یک از متحدان ضدانقلابی‌شان، قادر نیستند راز شکست‌ناپذیری یک خلق به‌پاخاسته را دریابند. این مرتجعین کوردل نمی‌توانند درک کنند که تعدی‌شان به حریم دستاوردهای انقلاب ایران، آنان را با طبقه کارگر قهرمان ایران و زحمتکشان به‌پاخاسته‌ای مواجه کرده است که طومار یکی از

رژیم ضد مردمی عراق، حملات تجاوزکارانه خود را به مراکز نظامی ایران محدود نکرد و همچنانکه کارگران پیشرو تبریز در اعلامیه دوم مهرماه‌شان به درستی هشدار داده بودند، حملات گسترده خود را متوجه مهمترین تاسیسات و مراکز اقتصادی و صنعتی میهن ما نمود، تا به‌زعم خود بنیه اقتصادی جنگ مقاومت ما را تحلیل برد و این چیزی است که در شرایط کنونی، کمال مطلوب امپریالیست‌ها، به‌ویژه امپریالیسم تبهکار آمریکا است. رضایت و شادمانی رذیلانه‌ای شاهد است که رژیم تجاوزگر عراق جبهه جنگ را محدود به هدف‌های نظامی نکرده، بلکه با گسترش آن به عرصه‌های اقتصادی، در واقع جبهه جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران را وسیعاً گسترش داده است. همان جبهه‌ای که امپریالیسم آمریکا، استحکامات اولیه‌اش را با تحریم و محاصره اقتصادی ایران پی‌ریزی کرده بود. جبهه‌ای که ابتدا منادی خیانت گام به گام بود و پس از ناکامی‌های اولیه‌اش، به‌درون سنگرهای استتار شده‌ای خزید که مجهز به سلاح‌هایی چون "اخلال در تولید"، "به تعطیل کشاندن کارخانه‌ها"، "احتکار کالاهای مورد نیاز عامه" و... بوده و هست. اکنون جنگ اقتصادی تحمیلی آمریکا (تحریم و محاصره اقتصادی، بلوکه کردن ارزها و سرمایه‌ها، اخلال در تولید و تعطیل کارخانه‌ها و...) با بمباران‌های وحشیانه رژیم مرتجع صدام و حمایت ارتجاع منطقه‌به‌یک جنگ اقتصادی تمام عیار بدل شده است و امپریالیسم مترصد بهره‌برداری از عوارض دامنگستر چنین جنگی است. ضدانقلاب جهانی و در راس آن امپریالیسم تبهکار آمریکا بر این تصور باطل است که این ضربات سنگین اقتصادی خلق به‌پاخاسته ایران را سرانجام به استیصال و شکست کشاند. تمام ضدانقلابیون و مرتجعین، از انحصارات امپریالیستی و در راس همه انحصارات آمریکائی گرفته تا متحدان و دوستان داخلی‌شان (سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ)، از

### نامه یک کارگر خیاط به «کار»:

### «مصلحت انقلاب در

### دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان است»

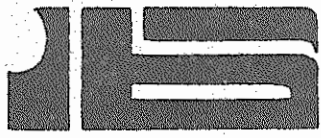
به‌همین منظور ذکر شده، یعنی برای کمک به جبهه اختصاص داده شود، تا دیگر احتیاج زیادی به کمک‌های اقتصادی زحمتکشان نباشد. اینگونه اقدامات انقلابی هم پایه‌های انقلاب را استوارتر می‌کند و هم فشار اقتصادی بر زحمتکشان مبارز میهن‌مان را کاهش می‌دهد و باید بدانیم که مصلحت انقلاب در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان است.

درد بر کارگران و زحمتکشان سراسر جهان مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا  
کارگر خیاط از مشهد  
احمد

جنگ را بردوش می‌کشند. و این موضوع بر همه عیان است. این زحمتکشان میهن‌مان هستند که از نان زن و بچه‌شان می‌زنند تا بلکه بتوانند کمکی به برادران و خواهران زحمتکش خود که اکثریت‌شان باز همان کارگران و دهقانان هستند، بنمایند. این اقدامات بزرگ و انقلابی واقعاً ستودنی و قابل تحسین است. اما دولت باید توجه بیشتری به این امر نموده و فکری برای این موضوع بکند. پیشنهاد من این است که بلافاصله سرمایه‌داران و تجار بزرگ و شرکت‌های وابسته که سالهاست دسترنج کارگران و زحمتکشان میهن ما را به‌غارت برده و می‌برند، مصادره شده و در وهله اول

حضور محترم هفته‌نامه کار ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت):  
پشتیبانی اقتصادی از جبهه‌های جنوب و غرب کشور چندی است که آغاز شده و مانند امواج خروشان دریا، همچنانکه شایسته انقلاب شکوهمند ایران است، ادامه دارد. که این نشانگر روح بزرگ‌منشانه و انسان‌دوستانه خلق‌های قهرمان وطن عزیزمان، به‌ویژه کارگران و زحمتکشان حق‌طلب ماست. نکته مهم در این است که کمک‌هایی که به‌صورت وجه نقد یا کالا ارسال می‌شود، اکثراً متعلق به همان‌هایی است که انقلاب بزرگ ایران را به ثمر رسانده و هم‌اکنون نیز سنگینی بار

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران



# کارگران مبارز ایران: با مشارکت فعال در انجمن‌ها، شوراهای کمیته‌های محلی و سازماندهی توزیع مایحتاج عمومی از انقلاب و منافع زحمتکشان دفاع کنید!

## از پادگان زنجان برای نشریه "کار"

نامه منقضي خدمت‌های سال ۵۶ هوادار  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

با درود فراوان به سازمان پرافتخار سچفا (اکثریت):  
بعد از اعلام اینکه منقضي خدمت‌های ۵۶ خود را  
برای شرکت در جنگ معرفی نمایند، ما هواداران سازمان  
نیز همراه دیگر سربازان و درجه‌داران جزء با شور و شوق  
فراوان برای دفاع از آرمان‌های انقلاب و استقلال میهن،  
خانه و زندگی خود را رها کرده و برای مقابله با  
امپریالیسم و رژیم تجاوزگر عراق راهی پادگان‌ها شدیم  
پادگان سراسر شور و حال است. شور و حال حرکت و  
پیروزی. بچه‌ها به یکدیگر نوید می‌دهند و منتظر رفتن به  
جبهه هستند تا امپریالیسم را، تا فقر و بدبختی را  
از بین ببرند.

امان  
افسران ارشد ارتش از چنین موقعیتی سوء استفاده  
کرده و سعی می‌کنند اینطور تبلیغ کنند که گویا این جنگ  
نه‌بخاطر آزادی و استقلال و تداوم آرمان‌های انقلاب و  
توده‌ها، بلکه یک جنگ صرفاً ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه  
است. آنها سعی می‌کنند بگویند که فقط و فقط ارتش با  
همان سیستم زمان شاه و همان تجهیزات می‌تواند در  
چنین جنگی پیروزی را به‌دست آورد. آنها هیچ اعتقادی  
به توده‌ها و عزم راسخ آنان ندارند. آنها فقط  
چشم بر سلاح‌های آمریکائی خود دوخته‌اند و می‌گویند:  
اگر آمریکا وسایل یدکی ندهد، چکار خواهیم کرد؟  
آنها سعی می‌کنند روحیه سربازان را از بین ببرند.  
مقاومت یکپارچه و دلیرانه خلق قهرمان ما را جزئی و  
کوچک قلمداد می‌کنند و نقش خود را برجسته نشان  
می‌دهند.

آنها به ما می‌گویند در ارتش اسلحه وجود ندارد که ما  
به شما بدهیم. خودرو و تانک و مهمات نداریم که شما را  
به جبهه بفرستیم.

آنها روز اول که به پادگان رسیدیم به ما گفتند: "اگر  
شهید شدید اول چه کسی را خبر بدهیم؟" یا اینکه  
"شما را کجا دفن کنیم؟" گویا هرکسی که به جبهه برود  
زنده باز نخواهد گشت.

اینها فکر می‌کنند به این طریق می‌توانند جهت اصلی  
مبارزه مردم را منحرف کرده و از این جنگ پلی به سوی  
وابستگی به سایر امپریالیست‌های اروپائی و... درست  
کنند.

اما آنها حقیرتر از آنند که مقاومت دلیرانه خلق را که  
مصممند تا آخرین نفس با امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه، مبارزه  
کنند، تحقیر و انکار کنند.  
پیروزی نهائی از آن زحمتکشان است.

با امید به پیروزی کارگران و زحمتکشان

## بقیه از صفحه ۲۴ شورای امنیت سازمان ملل تجاوزات و جنایات...

صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را محکوم  
سازد.  
شورای امنیت با تسلیم در برابر فشار  
امپریالیستها نه تنها تجاوز رژیم صدام را نادیده  
گرفت بلکه بر جنایات آشکار رژیم صدام نیز چشم  
فرو بست.

بیماران مدارس، بیمارستان‌ها و مناطق  
مسکونی از جمله قتل عام دانش‌آموزان کرمانشاه  
و کشتار مردان و زنان، کودکان و پیران دزفولی  
و دهها نمونه دیگر از این قبیل با بی‌توجهی  
کامل شورای امنیت روبرو است.

آنچه را که رژیم صدام به هنگام اشغال قصر  
شیرین انجام داد، یک جنایت آشکار جنگی  
است. رژیم صدام بدنیاال اشغال قصر شیرین  
اسرای جنگی را بدون محاکمه تیرباران کرد.  
مردم را از شهر بیرون کرد و سپس به غارت  
اموال مردم پرداخت و دارائی‌های مردم را  
بعنوان غنایم جنگی به داخل مرزهای خود  
انتقال داد.

بر اساس اطلاعات موثقی که ما در اختیار  
داریم، رژیم صدام هر اسیر جنگی وابسته به  
نهادهای انقلاب را بخصوص پاسداران اسیر را  
بدون محاکمه و با فجیع‌ترین شکلی به قتل  
می‌رساند. این رژیم در مناطق اشغالی جوانان  
و کسانی را که اطلاعاتی از سازمان‌های ضد  
امپریالیست و انقلابی ایران را به همراه داشتند  
بدون محاکمه و بیدرنگ به جوخه اعدام سپرده  
است. به زنان میهن ما تجاوز کرده و  
ابتدائی‌ترین ضوابط انسانی را زیر پا نهاده است  
از این قرار دهها و صدها نمونه جنایت‌باری که  
در تجاوز رژیم صدام پدیدار شد، برای شورای  
امنیت سازمان ملل کافی نبوده است تا رژیم ضد  
مردمی صدام را رژیمی متجاوز و جنایتکار بخواند  
سکوت شورای امنیت سازمان ملل در برابر  
تجاوزات و جنایات رژیم صدام از جانب مردم ما  
و تمامی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست  
ایران پذیرفتنی نیست.

جای تعجب نیست اگر آخرین اجلاس شورای  
امنیت که می‌باید به صدور قطعنامه‌ای علیه  
تجاوزگران به میهن ما اختصاص یابد، جولانگاه  
"مکهنری" نماینده تجاوزکارترین و  
جنایتکارترین دولت جهان، امپریالیسم آمریکا  
می‌گردد و تریبون‌های این دستگاه بین‌المللی  
وسیله‌ای می‌شود برای عوام فریبی‌های امپریالیسم  
آمریکا تا تجاوزات و توطئه‌های خود را علیه  
انقلاب مردم ما توجیه کرده و همچنان خلقهای  
جهان را بفریبد.

## خونهای آزادی

### چه سنگین است!

اینک  
بر سرزمین نیشگر  
بر سرزمین نفت  
بر سرزمین حماسه مقاومت از سالیان دور  
چه می‌رود؟  
گاینسان بر بستر خون و آتش و گلوله  
حماسه‌ها جاریست؟

بر آسمان گرم و پر ستاره خوزستان  
اینک، تکه‌های نارنجک  
تکه‌های خمپاره  
تکه‌های موشک‌های هولناک می‌گذرد.  
بر آسمان پالایشگاه  
دود و آتش و صاعقه می‌گذرد  
و گمشده‌های گلوله‌های آتشین بر فراز  
خرمشهر قهرمان  
انعکاس مقاومت رزمندگان در سنگر است  
اینسوی تر  
"گارون" همیشه گل‌آلود می‌گردد  
و اسطوره‌های دلاوری زحمتکشان رزمنده  
اهواز را

تا سرزمین‌های دور  
با امواج توفنده می‌برد.  
از "موسیان" تا "فکه"  
از دزفول تا شوشتر  
واز آبادان تا خرمشهر  
همه‌جا سنگر است  
در کارخانه، در روستا  
در نخلستان، در شنزارها و در کنار  
دکل‌های نفت  
در شهر، در خیابان، در کوچه و در...  
اینک سنگری به وسعت خوزستان  
سنگری به وسعت ایران  
در جبهه بزرگ نبرد گشوده است.

"فدایی" در سنگر است  
فدایی در کارخانه  
فدایی در روستا  
فدایی در شالیزار  
فدایی در کوهپایه‌ها  
فدایی در گود نشین  
فدایی هر آنجا که مردمند.  
و اینک فدایی در سنگر خوزستان  
هم‌رزم توده‌های مسلح خلق  
هم‌رزم کارگر  
هم‌رزم بزرگ  
هم‌رزم پاسدار  
خون فدایی در شط خون خلق جاریست  
تا فردا  
تا فردای روشن آزادی  
تا فردای ایران آباد  
تا همیشه،  
...آه

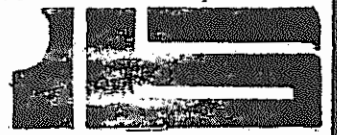
بر آوارق خونین و نانوشته تاریخ میهنم  
یادواره این همه شهید را

چگونه بنویسم؟  
خونهای آزادی چه سنگین است!

این شماره تقویم انقلابات جهانی و دستاوردهای سوسیالیسم به بزرگداشت سالروز  
انقلاب کبیر اکتبر اختصاص یافته بود که به‌علت مفصل بودن مطلب و تراکم مقالات در  
شماره آینده به صورت ویژه اکتبر انتشار خواهد یافت.

توضیح:

گسسته‌یاد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،  
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا



# رفیق فدائی، شهدای سنگرهای خوزستان، همیشه زنده اند

## فدائی شهید

### رفیق عبدالحسین شاه میر

اما رفیق در کار سازماندهی مردم محله، سنگر سازی، بتن سازی و نگهبانی و توضیح ماهیت جنگ، تلاش خستگی ناپذیری نمود. در آغاز جنگ آنروزها که فعالیت گسترده توده ها در سطح شهر محتاج سازماندهی و هدایت بود، رفیق حاجی سه شبانه روز تمام نخواست.

سرانجام ساعت ۱۰/۳۰ صبح ۲۳ مهر در سن ۱۹ سالگی، رفیق عبدالحسین شاه میر، فرزند قهرمان خلق عرب ایران، فرزند محبوب محله زینون کارمندی و یار فداکار جوانان پیشرو اهواز به همراه رفیق رحمت الله اسفندیار پور بر اثر اصابت گلوله توپ مزدوران بعثی به موتورسیکلت آنها به شهادت رسید. شهادت این دور رفیق برای همزمان آنها بسیار ناگوار و سنگین بود ولی آرمان والای آنان، آن ستاره فروزانی است که روشنی بخش پیروزی کارگران و زحمتکشان خواهد بود.

رفیق عبدالحسین معروف به حاجی در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد. از کودکی در مغازه خشک شویی و ساندویچ فروشی پدرش به کار پرداخت. در سال ۵۶ به محض گسترش جنبش خلق در اهواز او که از فعال ترین جوانان شهر بود به سازماندهی تظاهرات و مقاومت مردم در برابر واحدهای سرکوبگر ارتش مزدور شاه پرداخت. پس از قیام به جوانان پیشرو اهواز پیوست. شور انقلابی و فداکاری، شجاعت و بیگانگی با ترس از برجسته ترین خصایل رفیق حاجی بود.

رفیق چند بار در رژیم جمهوری اسلامی بازداشت شد که آخرین بار آن در جریان وقایع دانشگاه اهواز بود. با شروع جنگ تجاوزگرانه رژیم عراق، رفیق حاجی بطور خستگی ناپذیری به فعالیت پرداخت. علیرغم اینکه مسجد محله از دادن اسلحه و فرستادن وی به جبهه به جرم فدائی بودن سر باز زد

## فدائی شهید

### رفیق شهریار باقرزاده

رفیق شهریار در سال ۱۳۳۳ در خرمشهر به دنیا آمد. دوران تحصیل را با کار روزانه و تحصیلات شبانه گذراند. بعد از انقلاب به لحاظ آشنایی به حرفه پزشکیاری، در بیمارستان مهر خرمشهر استخدام شد و در اولین دوره انتخابات "شورای کارکنان" به عنوان نماینده انتخاب گردید. با شروع جنگ تحمیلی رژیم عراق بر علیه مردم ایران، رفیق شهریار طبق رهنمودهای سازمان در خرمشهر باقی ماند تا از طریق فعالیت امدادی، مصدومین جنگ را کمک کند. وی سپس به خط مقدم جبهه پیوست.

رفیق شهریار پس از روزها فعالیت خستگی ناپذیر در روز ۲۱ مهرماه ۵۹، مورد اصابت خمپاره رژیم جنایتکار عراق قرار گرفته و به شهادت رسید. رفیق در وصیت نامه ای که به خانواده و همسرش نوشته، چنین گفته است:

۱۳ مهرماه ۵۹  
منصوره جان سلام.

امیدوارم که حالت خوب باشد. هر چند که اگر این وصیتنامه دست تو برسد عزاداری ولی باید به خود مسلط باشی و دیگران را تسلی دهی. این راهی بود که باید می رفتم. منصوره جان، من ساخته نشده ام که با خفت و خواری از دنیا بروم و عمری را به سر برم. بعد از جنگ، جنگی که خانواده های بسیاری را آواره و دربدر کرد و جوانان وطن را گلگون گفن نمود، من می روم جنگ. اگر زنده ماندم که عمری را با سر بلندی در کنار هم تا دم مرگ با هم خواهیم بود و اگر جانم فدای ایران و سرزمین آبا و اجدادی ام شد، که چه گوارا تر از آن. چون نمی توانم بیش از این تحمل کنم. هر چند که در این مدت ۹ روز هم وظیفه وجدانی خود را انجام داده ام.

منصوره جان! باید مرا

ببخشی که تازه عروس زیبایی مثل تو را چنان اندوهگین و پریشان خاطر می کنم. مرا ببخش به خاطر همه چیز، از تو می خواهم بعد از من به مادر و پدرم سر بزنی. چون آنان آنقدر مرا دوست دارند که پژمرده خواهند شد و تو تسلی آنها خواهی بود. اگر فرزندی نصیب ما شد، حتما اسمش را "روجا" بگذار. پدر و مادر مهربان، چاره ای نبود. من راهم و افکارم به من اجازه نمی داد که مانند بزدل ها در کناری باشم و دیگر رفقایم در جبهه باشند، باید می رفتم. باید قبول بکنید که راهم این بود و خوشحالم که فدائی خلق هستم.

پیروزی با تمام خلق های ایران شهریار

در هنگام شهادت: تنها یک ماه از ازدواج رفیق گذشته بود.

یادش گرامی و راهش پیروز باد!

## فدائی شهید

### رفیق رحیم مقیطی

می زد: "این همان رحیمی است که پشت سر او حرف می زدند همینها هستند که تا آخر مبارزه می کنند." یک پاسدار می گفت: "آدم خیلی پرکاری بود. حیف بود. واقعا بچه ها باید قدرش را بدانند." و پیرزن کاسبکار محل با ناراحتی حرف می زد: "رحیم را از تمامی بچه هایم بیشتر دوست داشتم. همیشه به من کمک می کرد. سنگر من و دخترم را هم خودش درست کرد. او همیشه اعلامیه ها و رنگهایش را می گذاشت داخل دکان من تمام این شعارها و سنگرها را خودش درست کرده بود. برای پنهان کردن اعلامیه ها من قبلا به او گفته بودم کسی به من ظنین نمی شود." رفیق فدائی بود و در کنار زحمتکشان زیست. از زندگی او عشق به خلق، به کارگران و زحمتکشان و نفرت از جنگ را بیاموزیم. یادش گرامی و راهش پیروز باد

جمعه شب ۲۵ مهر در حالیکه آبادان قهرمان آماج شلیک خمسه خمسه های رژیم جنایتکار عراق بود، در محله ابوالحسن، خیابان شهید مالکی زاده رفیق رحیم مقیطی به همراه ۱۱ زحمتکش دیگر به شهادت رسید.

رفیق در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده فقیر کارگری به دنیا آمد و از همان اوایل زندگی همراه پدر و برادران بزرگتر به کارگری پرداخت. رفیق در زمان شهادت دانش آموز سال آخر دبیرستان دکتر شریعتی و یکی از اعضای فعال پیشگام آن دبیرستان بود. با شروع جنگ تجاوزگرانه رژیم ضد مردمی عراق علیه زحمتکشان شیعه ما، رفیق رحیم در "شورای محل" به فعالیت پرداخت و در طول جنگ تا زمان شهادت حتی یک لحظه از کمک به مردم جنگ زده دریغ نورزید. شهادت او تاثیر عمیق مردم محله اش را برانگیخت. پیروزی اندوهگین در بالای سنگر خونین رفیق فریاد

## فدائی شهید

### رفیق رحمت الله

#### (امیر) اسفندیار پور

رفیق در سال ۱۳۳۶ در هفتنگل متولد شد و کودکی خود را در هفتنگل و کارون شرکت نفت گذراند. رفیق امیر فعالیت سیاسی خود را بطور جدی پس از قیام بهمن ماه آغاز کرد. وی در این مدت بطور پیگیر به تبلیغ و ترویج نظرات سازمان خود در میان زحمتکشان پرداخت. او یکی از سازمانگران حرکات اعتراضی دیپلمه های بیکار اهواز بود.

با آغاز جنگ تجاوزگرانه، رفیق امیر فعالانه به بسیج و سازماندهی و آموزش مردم پرداخت و در روز ۲۳ مهر ماه به همراه رفیق همزمش عبدالحسین شاه میر بر اثر اصابت گلوله توپ جنایتکاران عراقی در اول خیابان نادری اهواز به شهادت رسید.

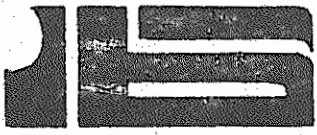
خاطرهاش جاودان و آرمانش پیروز باد.

## رفیق کارگر فدائی شهید

### سعید کوشش

سعید از اولین روزهای مبارزات پر جوش و خروش خلق علیه رژیم شاه خائن شرکت داشت. رفیق سعید در امر سازماندهی اعتصابات کارگران فعالانه شرکت کرده و پس از پیروزی قیام از اولین کارگرانی بود که به صف کارگران پیشرو پیوست. یک سال بعد از قیام پس از انحلال اولین شورای کارخانه توسط کارگران، کاندیدای عضویت در شورای جدید شد. سعید در بین دهها کاندیدا که اکثر آنها از کارکنان قدیمی کارخانه بودند، جزو اولین نفرات انتخابی شورا شد و این خود نشان دهنده ایمان و آمیدی بود که کارگران در وجود این رفیق می دیدند. پس از سه ماه فعالیت پیگیر و شبانه روزی بدنبال اقدامات عناصر تنگ نظر کارخانه علیه شورا، سعید دستگیر و زندانی شد.

رفیق بعد از سه هفته در اثر فشار کارگران (۳ روز اعتصاب و راهپیمایی در کارخانه) آزاد شد. آزادی او مصادف با اولین روزهای جنگ بود. رفیق از همان نخستین ساعات آزادی در کنار دیگر رفقایش تلاش پیگیری را در سازمان دادن سنگرهای مقاومت شروع کرد. رفیق سعید در تاریخ ۱۹ مهر ۵۹ مورد اصابت ترکش بمبهای عراقی که مناطق مسکونی زیتون کارمندی اهوا را می کوبیدند قرار گرفت و به قلبی مالامال از ایمان به پیروزی آرمان طبقه خودش طبقه کارگر، به شهادت رسید. شهادت رفیق موجب از تأسف در میان کارگران تمام کسانی که او را می شناختند برانگیخت. آن راه رفیق سعید را در تمام جبهه ها ادامه می دهند.



بقیه از صفحه ۲۲

## رفیق فدائی، شهدای سنگرهای خوزستان،

...

چرا نیروهای خودی شلیک نمی‌کنند و همه‌اش آنها ما را هدف می‌گیرند. در این فکر بودم که این همه یادگان‌هایی که در شهرهای مختلف وجود دارد چرا به کمک ما نمی‌آیند؟ که یکی از برادران پاسدار داد زد: برادران ما در منطقه سازمان و ... (خوانده نشد) احتیاج به کمک دارند. (مناطق در گمرک). ما نیز خیلی سریع به کمک ۲ وانت به طرف مناطق فوق رفتیم. ساعت ۷ بود. روحیه بچه‌ها عالی بود. من آنقدر خوشحال بودم که دلم می‌خواست فریاد بزنم: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا" و مشت‌ها را گره کنم. دلم می‌خواست در همان وانت به خواندن سرود و پایکوبی بپردازم. مطمئنم که اگر کسی در چهره‌ام نگاه می‌کرد، آثار خنده و اشتیاق را به سرعت می‌دید. شهادت رفیق حماسه‌ای است که هرگز از خاطره مردم خرمشهر نخواهد رفت.

در حرکت بود ماشین‌شان زیر آتش دشمن قرار می‌گیرد. در همان دم که ماشین آنها در اثر اصابت توپ به آتش کشیده می‌شود، بی‌آنکه خونسردی‌اش را از دست بدهد، خود را از جیب بیرون انداخته و در زیر آتش دشمن، ضامن نارنجکش را می‌کشد و آن را به سمت تانک دشمن پرتاب می‌کند. پاسداران هنوز در حیرت حرکت قهرمانانه رفیق بودند که گلوله توپی، بدن او را متلاشی می‌کند. وقتی پاسداران جسد او را با خود به شهر می‌آوردند، در طول راه به هرکسی می‌رسیدند می‌گفتند: "نگوئید علی، بگوئید علی قهرمان". از رفیق دفترچه یادداشت‌های زمان جنگش باقی مانده که برگ برگ آن آغشته به خون پاکش است و در وسط آن جای گلوله‌ای مشاهده می‌شود. در برگی از این دفترچه آمده است: "چیز عجیبی برای من و سایر بچه‌ها وجود داشت که

می‌کرد تا کتاب‌های خوبی پیدا کند و به خرمشهر ببرد. بارها کتابفروشی او مورد حمله متعصبین قرار گرفت و به آتش کشیده شد، اما هیچ یک از این اعمال، ایمان و عشق او را نسبت به ادامه خدمتش به مردم سست نکرد. او در کارش انسانی پرشور، برای همشهریانش یاری مهربان و برای سازمانش رفیقی متعهد بود. وقتی در سی‌ویکم شهریور ماه، حمله ارتش مزدور عراق به خاک وطنمان آغاز شد و مردم زحمتکش خرمشهر برای دفاع از خانه و کاشانه خود دلیرانه به دفاع برخاستند، رفیق دوش به دوش پاسداران و پرسنل انقلابی ارتش از این سنگر به آن سنگر و از پناه هر دیوار و هر نخلی، دشمن را زیر آتش گلوله خود گرفت. در همان ساعات نخستین مقاومت شجاعت "علی" زبانزد مردم شد. در صبحگاهی خونین که رفیق به همراه پاسداران در یک جیب‌نظامی در خط اول جبهه برای کمک به دیگر رزمندگان

رفیق علی در سال ۱۳۲۵ در شهر قهرمان پرور خرمشهر به دنیا آمد. وی که در خانواده‌ای فقیرزده و تهی دست به دنیا آمده بود، به کارگران و زحمتکشانی که چون پدر خودش سالیان دراز در جنگال مخوف ستمگری و ظلم امپریالیسم و سرمایه‌داران هستی‌شان برباد رفته بود، عشق می‌ورزید. او در اندیشه یافتن راه رهایی و نجات کارگران و زحمتکشان به مشعل فروزان سوسیالیسم به عنوان یگانه وسیله رهایی زحمتکشان سراسر جهان ایمان آورد. رفیق با قلبی آکنده از عشق بی‌پایان به توده‌ها در قیام خونین بهمن شرکت جست. پس از قیام به یاری رفقای هم‌رزمش کتابفروشی "نسیم" را در خرمشهر برپا نمود.

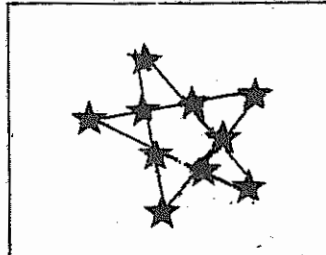
### ★ فدائی شهید رفیق علی جاتم‌زاده

زندگی‌نامه رفقا: فدائیان خلق فرهاد فرهیختگی و محمود اشرف‌آبادی همراه زندگی‌نامه دو تن از رفقای شهید دیگر و اسامی دیگر رفقای که در پیکار با ضدانقلاب جهانی و رژیم جنایتکار عراق به شهادت رسیده‌اند ولی هنوز اطلاعات کافی از آنها در اختیار نداریم، در شماره‌های آینده "کار" درج خواهد شد.



### ★ فدائی شهید رفیق محمدرضا آذربان

رفیق محمدرضا در سحرگاه روز ۲۳ مهر ۵۹ در سنگر نخستین جبهه مورد اصابت آتش خمپاره نیروهای متجاوز عراق قرار گرفته و ۵ روز بعد (۲۸ مهر) در بیمارستان طالقانی خرمشهر به سلاله فدائیان شهید پیوست. رفیق محمدرضا آذربان در سال ۱۳۴۱ در محله فقیر نشین احمدآباد آبادان به دنیا آمد و با فقر و مریضی دائم بزرگ شد. (بی‌پهلو نبود که رفیق علاقه زیادی به "ری" قهرمان کتاب "چگونه فولاد آبدیده شد" داشت) با آغاز جنگ تجاوزگرانه عراق، محمدرضا طبق رهنمود سازمانش فعالانه در کارهای امدادی شرکت جست با شدت یافتن جنگ در خرمشهر او با یک تفنگ ۳ و یک خشاب فشنگ عازم منطقه شد تا به جنگ



★ فقط در صورتیکه مردم با هم متحد باشند  
آمریکا و عراق هیچ غلطی نمیتوانند بکنند!  
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - کرمان

# پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

## شورای امنیت سازمان ملل تجاوزات و جنایات رژیم صدام رانمی بیند

طبق گزارش خبرگزاریها، شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از ۶ جلسه گفتگو در مورد جنگ عراق و ایران بدون صدور هیچ قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد.

"علی شمس اردکانی" نماینده ایران در سازمان ملل از شورای امنیت خواسته بود که طی قطعنامه‌های تجاوز عراق به میهن ما را محکوم کند. پایان یافتن اجلاسهای شورای امنیت بدون صدور قطعنامه‌ای که در آن تجاوز عراق محکوم گردد، مبین این حقیقت است که این شورا تسلیم فشار امپریالیست‌ها شده، که علیرغم ادعاهای جنجال‌برانگیز و عوام‌فریبانه‌شان مبنی بر دفاع از صلح و دوستی ملل و حقوق آنان کماکان از تجاوز و جنگ‌طلبی حمایت می‌کنند و در پی تأمین منافع محافل جنگ طلب امپریالیستی می‌باشند.

سکوت شورای امنیت سازمان ملل چیزی جز نادیده گرفتن تجاوزات و جنایات رژیم ضد مردمی صدام نیست.

امروز مردم و دولتهای ترقیخواه جهان تجاوزات رژیم ضد مردمی صدام به میهن ما را خواست امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا دانسته و آن را محکوم می‌کنند.

تجاوزات رژیم صدام که دستاوردهای انقلاب مردم ما را با خطر جدی روبرو ساخته، متوجه آنست که سلطه سیاسی امپریالیسم آمریکا را مجدداً در میهن ما برقرار سازد.

این تجاوز در عین حال با به مخاطره انداختن صلح منطقه و جهان بسود انحصارات صنایع نظامی آمریکا و در خدمت میلیتاریزه کردن منطقه و جهان عمل می‌کند. از این رو در تجاوز رژیم صدام به میهن ما اشتراک منافع همه امپریالیست‌ها و دست ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی جهان و همه دولتها و محافل ارتجاعی منطقه را می‌توان دید.

دولتهای ترقیخواه جهان که به تلاش امپریالیسم آمریکا برای دامن زدن به جنگ بین دولتها و خلقهای جهان بمنظور تضعیف نیروهای ترقیخواه و تقویت ارتجاعی‌ترین نیروها آگاهی دارند، همراه با نیروهای ضد امپریالیست، ترقیخواه و انقلابی ایران خواهان آنند که شورای امنیت سازمان ملل، تجاوزات رژیم جنایتکار

بقیه در صفحه ۲۱

## کنگره دائمی خلق عرب: جنگ عراق در خدمت صهیونیسم و امپریالیسم است

براساس گزارش خبرگزاریها، کنگره دائمی خلق عرب در جلسه شورای نمایندگان خود که در سه‌شنبه ۱۴ اکتبر در طرابلس تشکیل شد، در رابطه با جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه عراق به مردم میهن ما بیانیه‌ای صادر کرد. شورای نمایندگان کنگره دائمی خلق عرب طی این بیانیه اعلام داشته است:

"شاه ایران به عنوان ژاندارم منطقه و براساس یک طرح صهیونیستی امپریالیستی رل پلیس منافع ایالات متحده را در منطقه بازی می‌کرد و در طی حکومت خود رابطه‌ای محکم با دشمن صهیونیستی ما برقرار نموده بود. زمانی که خلق ایران به رهبری امام خمینی انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساند، در واقع یکی از محکم‌ترین پایگاه منطقه نابود گردید.

بیانیه پس از شمردن اقدامات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی انقلاب مردم ایران اضافه می‌کند:

"... انقلاب اسلامی ایران تازه در شروع کار خود می‌باشد و دشمنان انقلاب ایران که مجهز به ایدئولوژی امپریالیستی - صهیونیستی هستند در مقابل آن جبهه گرفته‌اند. ما باید مطمئن باشیم که رژیم انقلابی ایران متحد ملل عرب می‌باشد. با توجه به تمام مطالبی که در فوق تقدیم شد، دبیرخانه دائمی کنگره خلق عرب جنگ عراق با ایران را محکوم کرده و معتقد است که این جنگ در خدمت نیروهای صهیونیست ارتجاع و امپریالیست‌ها می‌باشد.

بیانیه چنین پایان می‌یابد:

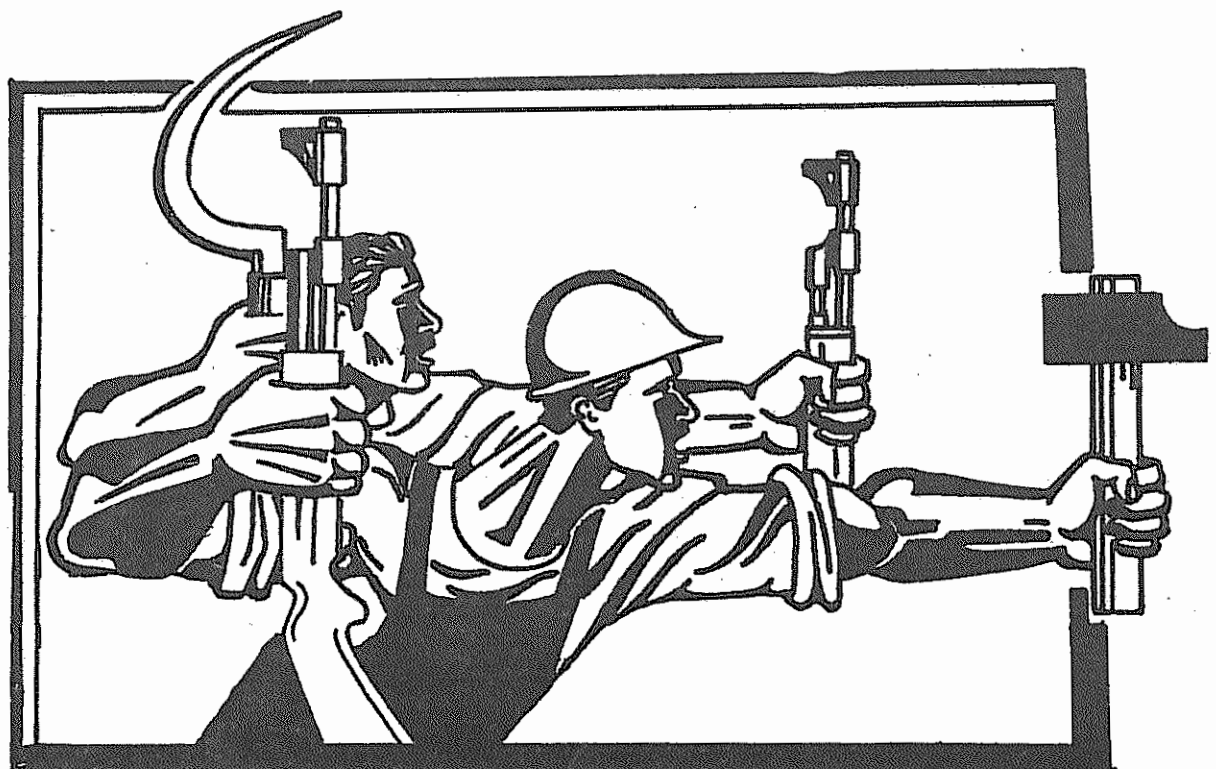
"... ما معتقدیم که ادامه این جنگ فقط به نفع دشمنان ماست که از آنها در فوق یاد شد. بنابراین بایستی کوشش کرد به‌خاطر حفظ منافع مشترک مردم منطقه، این جنگ فرسایشی خاتمه یابد. کلیه سازمان‌ها و مقامات رسمی عرب و اسلامی باید با احساس مسئولیت وارد این معرکه شده و به‌خاطر حقوق اعراب و پیشبرد انقلاب اسلامی ایران که نقش مترقی و پیشرو در منطقه دارد، این جنگ را پایان بخشند.

بیانیه کنگره دائمی خلق عرب، نشانه همبستگی عمیق خلق‌های منطقه و اراده خلل‌ناپذیر آنان در حمایت قاطعانه از انقلاب مردم ایران است. این بیانیه عزم راسخ خلق‌های عرب و ایران را در نابودی امپریالیسم و صهیونیسم بازگو می‌کند.

## هر فدائی، یک گزارشگر انقلابی

سخنی کوتاه با رفقای هوادار

پیرامون گزارش‌های تبلیغی در صفحه



## از یادداشت‌های فدائیان خلق

امپریالیسم محتضر

بر دیوار محال

شاخ می‌کوبد

در صفحه ۱۲

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر